

# به نام خداوند زیبایی ها



## نشریه داخلی انجمن زنان مدیر کارآفرین ویژه نامه همایش کارآفرینی فرهنگی زنان تحت نظارت کمیته ارتباطات

به کوشش: خانه پژوهش نواندیش

تهیه و تنظیم: زهرا عمرانی

صفحه آرا: یاسر باوقار نیاکو

حروف چین: طاهره سلطانی - زهرا بهرامی

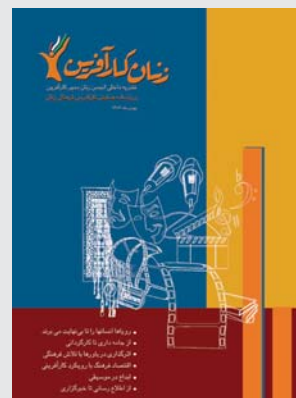
نشانی: خیابان قائم مقام - کوچه دهم - پلاک ۵

طبقه سوم - واحد ۱۳

تلفن ۸۸۵۱۴۵۲۰ فکس: ۸۸۵۰۳۷۹۵

نشانی الکترونیکی: [www.ea.wenet.ir](http://www.ea.wenet.ir)

پست الکترونیکی: [ea@wenet.ir](mailto:ea@wenet.ir)



۲	همکاران همایش
۳	در آغاز
۴	کارآفرینی فرهنگی زنان
۶	گفتگوی کوتاه با همکاران همایش
۹	ضرورت اصلاح و احیاء مهارت در عرصه فرهنگ و هنر: دکتر احمد مسجد جامعی
۱۰	رویاها انسان ها را تا بی نهایت می برند: پری صابری
۱۲	ابداع در موسیقی: دکتر ملیحه سعیدی
۱۴	کسب مهارت و تخصص نیاز امروز جوانان برای کارآفرینی و کسب و کار: شهلا لاهیجی
۱۶	آموزش و پرورش فراتر از کارآفرینی فرهنگی: توران میرهادی
۱۶	اقتصاد فرهنگ با رویکرد کارآفرینی: دکتر سید محمد صفحی
۱۶	ضرورت ایجاد مراکز چندگانه خدمت رسانی به جوانان هنرمند: منیژه آرمین
۱۷	تبیین الگوی نواز زن موفق: دکتر ناصر هوشمند وزیری
۱۷	سخت کوشی و ظرفیت سازی لازمه حضور موفق در حوزه فرهنگ و هنر: لیلی گلستان
۱۸	اثر گذاری در باورها با تلاش فرهنگی: رخشان بنی اعتماد
۲۰	عزم کسب و کار با هنر، در دیار محروم: معصومه نور محمدی
۲۲	انتظار از همایش: جعفر صانعی مقدم
۲۲	آموزش اشتغال محور و تخصص محور: مجتبی آقایی
۲۳	مانوس باقران: منصوره شایسته
۲۴	از جامه داری تا کارگردانی: منیژه حکمت
۲۶	از اطلاع رسانی مطبوعاتی تا خبرگزاری: مرجان شیخ الاسلامی
۲۸	گفتگو با سایر همکاران همایش
۳۱	شکست ناپذیری و خستگی ناپذیری، مهمترین عوامل رشد: چیستا یثربی
۳۲	آینده نگری و دانش حرفه ای، مهمترین عوامل موفقیت: شهرزاد اسفراجانی
۳۴	حس مسئولیت توأم با احیاء هنر: فاطمه نره ای
۳۶	باور به تعالی مسیر: پونه ندائی
۳۸	گفتگو با گالری دار جوان: یاسمن نیکزاد
۳۹	گام جمعی: مژگان والی پور
۴۰	اولین ها
۴۱	برخی مشاغل و کسب و کارهای فرهنگی و هنری
۴۴	انجمن زنان مدیر کارآفرین در یک نگاه

## به نام آفریننده زیبایی ها

### در آغاز

۴- کمک به شناسائی فرصت‌های جدید کسب و کار و راهکارهای تحقق و شکل‌گیری آن در حوزه‌های مختلف برای زنان جوان، بویژه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی

این بار چهارمین همایش با موضوع کارآفرینی فرهنگی زنان مورد نظر انجمن واقع شد. اما تنوع رشته‌ای در حوزه فرهنگ از یک سو و محدودیت زمان از دیگر سو کمیته علمی همایش را بر آن داشت تا به ۹ رشته این حوزه بسنده کند.

ارائه تجارب کارآفرینان به صورت مطالعات موردی سهم عمده‌ای در برنامه همایش دارد. به همین دلیل وقت ميسوطلی از برگزارکنندگان صرف کشف و شناسائی و دعوت از نمونه‌های زنان کارآفرین و آماده برای ارائه تجارب خود، شد.

انجمن زنان مدیر کارآفرین با علم به ضرورت ترویج و توسعه کارآفرینی فرهنگی زنان و بر حسب مسؤلیت اجتماعی خویش، امید دارد به سهم خود و در پیوند با سایر عناصر مؤثر در محیط کارآفرینی فرهنگی، نقش مؤثری ایفا کند. انشاء...

انجمن زنان مدیر کارآفرین از بدو تأسیس به قصد توسعه شبکه زنان کارآفرین هرسال پیرامون یکی از محورهای جنبه‌های مختلف کارآفرینی زنان همایشی در سطح ملی برگزار می‌کند. سال نخست (۱۳۸۳) موضوع چالش‌های کارآفرینی زنان را برگزید، سال دوم (۱۳۸۴) راهکارهای توسعه کارآفرینی زنان و سال سوم (۱۳۸۵) کارآفرینی دانش‌آموختگان دانشگاهی را انتخاب کرد. اهداف اصلی این همایش‌ها را می‌توان چنین برشمرد:

- ۱- کمک به ایجاد فضای تعامل و تبادل نظر و انتقال تجربه در جامعه زنان کارآفرین
- ۲- شناسائی الگوهای موفق کارآفرین در تنوعی از موقعیت‌های مختلف سنی، صنفی، تحصیلی، جغرافیائی و انتشار تجارب آنان
- ۳- طرح چالش‌ها و محدودیت‌های مرحله ایجاد و توسعه کسب و کار زنان کارآفرین



انجمن مدیر کارآفرین  
زنان کارآفرین





انجمن مدد پر فرزند  
زنان کار آفرین

### حامیان

- ۱- ستاد کار آفرینی شهرداری
- ۲- بانک سامان
- ۳- دانشکده کار آفرینی دانشگاه تهران
- ۴- شرکت قافلانکوه
- ۵- انجمن ملی زنان کار آفرین
- ۶- خانه پژوهش نواندیش
- ۷- موسسه پویا پژوهش بصیرت
- ۸- شرکت کارا
- ۹- شرکت تجارت آریا
- ۱۰- مجتمع فرهنگی هنری وزیری
- ۱۱- مرکز کار آفرینی شهرداری منطقه ۵

### کمیته اجرایی (برحسب الفبا)

- ۱- زهره اصغری
- ۲- بهنوش باختری
- ۳- شبیم بهرامی
- ۴- مهري جوادزاده
- ۵- آزاده داننده
- ۶- کتابون سپهری
- ۷- سروت عسگری رانکوهی
- ۸- فخرالسادات محتشمی پور
- ۹- دکتر اکرم منتظر الظهور
- ۱۰- راما هوشمند وزیری
- ۱۱- خدیجه یارعلی

### همکاران همایش

#### کمیته علمی (برحسب الفبا)

- ۱- مجتبی آقایی
- ۲- منیژه حکمت
- ۳- ملیحه سعیدی
- ۴- فیروزه صابر
- ۵- پری صابری
- ۶- جعفر صانعی مقدم
- ۷- شهلا لاهیجی
- ۸- فخرالسادات محتشمی پور
- ۹- احمد مسجدجامعی
- ۱۰- دکتر اکرم منتظر الظهور
- ۱۱- توران میرهادی
- ۱۲- دکتر ناصر هوشمند وزیری



به میزان توسعه محیط فرهنگی این فرصت ها همواره روبه گسترش خواهد بود. نکته مهم در حوزه فرهنگی آن است که میزان قبض و بسط سیاست ها بیش از هر حوزه دیگر نه تنها در کلیت موضوع بلکه حتی در موجودیت مشاغل و کسب و کارها اثر گذار است. به عبارتی به همان نسبت که می تواند رونق حرفه ای را در این حوزه سبب گردد، می تواند به حذف بسیاری از فعالیت ها و در نتیجه کسب و کارهای رایج بیانجامد. تأمل بر سیاست های حاکم بر دوران های مختلف شاهدی بر این مدعاست.

مهم تر آنکه هرگونه تغییر و تحول در این حوزه، جامعه زنان به ویژه جوانان را بدلیل زیر بیش از کل جامعه متأثر می سازد :

۱- محیط اجتماعی برای زنان به ویژه در عرصه هنر پر چالش تر است.

۲- نرخ اشتغال زنان در بخش خدمات بالغ بر ۶۱ درصد است. با آنکه آمار دقیقی از میزان اشتغال و کسب و کار زنان در عرصه فرهنگ و هنر در دسترس نیست، اما این حوزه نیز در درون بخش خدمات که بیشترین اشتغال زنان را به خود اختصاص داده، جاری است.

۳- نرخ بیکاری زنان براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ حدود ۲۳ درصد است و فاصله زیاد آن با نرخ بیکاری کل (۱۳ درصد) آسیب پذیری آنان را در این حوزه مضاعف می سازد. این ارقام در جامعه فارغ التحصیلان سیر صعودی دارد، به طوریکه ۵۰ درصد فارغ التحصیلان دانشگاهی دختر بیکار هستند.

۴- بالغ بر ۵۸ درصد دانشجویان علوم انسانی و هنر را دختران تشکیل می دهند که اشتغال و کسب و کار از نیازهای عمده آنان پس از فارغ التحصیلی است.

۵- در حالیکه نرخ کارآفرینی زنان در جهان نسبت به جمعیت ۷/۲ درصد است، تنها حدود ۱/۵ درصد جمعیت زنان شاغل در ایران کارفرما هستند. هرگونه سیاست تحدیدی این رقم را کاهش خواهد داد.

ضمن آنکه هر کافرمایی لزوماً کارآفرین نیست.

به طور کلی سه عنصر مهم یعنی میراث غنی تاریخی، محیط اجتماعی امن و فضای آزاد برای حضور و بروز استعدادها می تواند در توسعه فضای فرهنگی مؤثر باشد. در این بستر ایده های جدید خلق و جلوه های کارآفرینی ظهور خواهند نمود. چنین فضائی می تواند

فرهنگ را به امتیازی رقابتی تبدیل سازد و مبادلات فرهنگی را با جهان پیرامون دو سویه کند.

زنان کارآفرین در عرصه فرهنگ و هنر به ویژه آنان که در سالیان اخیر توانسته اند با سخت کوشی تمام و به انکاء قابلیت ها و تدابیر خود از موانع گذر کنند، در فضای باز می توانند خلاقانه نقش آفرینی کنند. چه در این سال ها نیز با علم به ارزش های مقبول اجتماعی مبتنی بر ریشه های

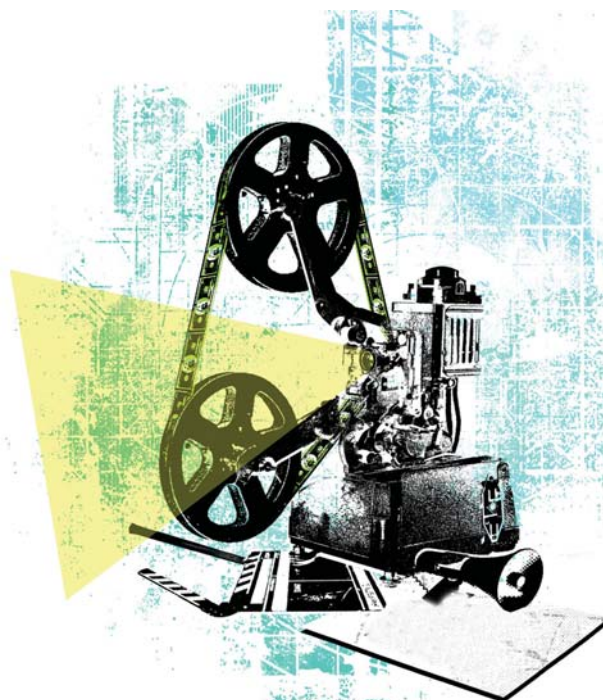
نکته مهم در حوزه فرهنگی آن است که میزان قبض و بسط سیاست ها بیش از هر حوزه دیگر نه تنها در کلیت موضوع بلکه حتی در موجودیت مشاغل و کسب و کارها اثر گذار است

ملی و مذهبی در خلق زیبایی ها بس مؤثر بودند.

حفظ این سرمایه های اجتماعی و ضرورت توسعه قابلیت های جوانان در این حوزه وظیفه ای است که بر دوش دولت، نهادهای مدنی از جمله این انجمن و کارآفرینان پیشکسوت عرصه فرهنگ و هنر سنگینی می کند.

مسئولیت عنصر نخست که حاکمیت بر سیاست ها و قوانین را عهده دارد، بس سنگین تر است. بی مسئولیتی در این امر خسارت فرهنگی را بویژه در عرصه کارآفرینی بیش از پیش افزون خواهد کرد.

حس مسئولیت، دغدغه توسعه ملی و درک نقش کارآفرینان در عرصه فرهنگ و هنر هشیارمان خواهد کرد.



۱- مرکز آمار ایران، سرشماری سال ۱۳۸۵

۲- بانک جهانی، گزارش سال ۲۰۰۷

# کار آفرینی فرهنگی زنان

فیروزه صابر: رئیس هیأت مدیره انجمن

## محدودیت های سازمانی:

کمبود منابع مالی  
عدم توان استفاده از مشاوره های حرفه ای  
عدم استفاده از شبکه ارتباطی و اطلاعاتی  
ضعف مدیریت

## محدودیت های محیطی:

موانع قانونی  
اعمال سلیقه های شخصی کارگزاران و مسئولین فرهنگی  
عدم حمایت لازم از حوزه فرهنگ  
محدودیت های فرهنگی

با آنکه متأسفانه نمی توان به استناد آمار و اطلاعات روز و صحیح از زنان کارآفرین و صاحب کسب و کار در حوزه فرهنگ و هنر تصویری ارائه داد، اما نقش مؤثر زنان صاحب ایده و اثرگذار در این عرصه علیرغم همه چالشهای موجود نشان از آن دارد که فرصت های عیدیه ای پیش رو است. به طور مثال تصویری که در جامعه نسبت به صنعت سینما و عناصر مؤثر در ساخت یک فیلم نقش می بندد، در کارگردان، بازیگر، فیلمبردار، صدابردار و برخی عناصر محدود دیگر خلاصه می شود. حال آنکه در ساخت یک فیلم در ۱۳ رشته اصلی، بالغ بر ۲۱۰ زمینه شغلی و کسب و کار به طور مستقیم و غیر مستقیم دخالت دارند.

## کارآفرینان حوزه فرهنگی

که ایده خود را در  
مسیرنوآوری به کالای  
فرهنگی تبدیل می کنند،  
شرایط ریسک پذیری را  
تحمل می کنند

## شهری است پر ظریفان وز هر طرف نگاری یاران صدای عشق است گر می کنید کاری

تصویری که از کارآفرینی در اذهان عمومی نقش بسته محدود به صنعت و تجارت است و کارآفرینی در حوزه فرهنگ و هنر مورد ملاحظه جدی قرار نگرفته است. هر چند که این اصل پذیرفته شده که کارآفرینی خود فرهنگ ساز است و نوعی نگرش مثبت در اجتماع به ارمغان می آورد.

کارآفرینی فرآیند خلق ایده ها و نوآوری ها و ایجاد کسب و کارهای جدید در شرایط خطر خیز از طریق کشف فرصت ها و بهره گیری از منابع است. این فرآیند نیز در عرصه فرهنگ و هنر که خود اساساً خلق مستمر ایده را می طلبد قابلیت تحقق کامل دارد. اما کارآفرینی فرهنگی از دو جنبه نسبت به سایر حوزه ها حساس تر است:

۱- سهم تأثیرگذاری اجتماعی آن

۲- تناسب با ارزش های مقبول اجتماعی

به عبارتی کارآفرینان حوزه فرهنگی که ایده خود را در مسیرنوآوری به کالای فرهنگی تبدیل می کنند، شرایط ریسک پذیری را تحمل می کنند. این دایره برای جامعه زنان که با چالش های جدی تری مواجه اند محدودتر است.

بررسی اجمالی در باره موقعیت کارآفرینی زنان در حوزه فرهنگ و هنر که حاصل نشست و گفتگو با برخی از آنانی است که این مسیر را با همه فراز و نشیب اش طی کرده اند، نشان می دهد که با عواملی چند همواره دست در گریبانند. به طور کلی محدودیت ها از سه جنبه قابل بررسی است:

## محدودیت های فردی:

کمبود مهارت و تخصص لازم در حرفه مربوطه  
فقدان تجربه عملی  
محدودیت های خانوادگی و مسئولیت های فردی



دو بعد کاربردی و علمی به موضوعات می‌پردازد و شرکت کنندگان در فضای واقعی کارآفرینی در کشور قرار می‌گیرند.

### وجه تمایز این همایش را با همایش‌های قبلی در چه می‌دانید؟

در همایش‌های قبلی گروه هدف یا مخاطبین همایش گروه‌های خیلی خاص بودند. امسال سعی کرده‌ایم که کارآفرینی را در زمینه فرهنگی مورد بررسی قرار دهیم و با توجه به تنوع و گوناگونی فعالیت‌های فرهنگی، گروه هدف همایش امسال بسیار گسترده تر است. و در بسیاری زمینه‌ها علاقه‌مندانی هستند که می‌توانند از این برنامه استفاده کنند. به خصوص در زمینه فرهنگی فضای زیادی برای خلق ایده‌های جدید وجود دارد و

داشته و فضای مناسبی برای حضور اجتماعی و فعالیت اقتصادی آنان است. فرهنگ، خود حوزه‌های بسیار متنوعی را چون هنرهای نمایشی، تجسمی، موسیقی، سینما، تئاتر، نشر، ادبیات و ... در برمی‌گیرد که این حوزه‌ها هر یک دارای فرصت‌های آشکار و نهان بسیاری برای کسب و کار و کارآفرینی هستند. تلاش ما در انجمن این است که با پرداختن به این موضوع ضمن اطلاع رسانی، جوانان خاصه دختران را به ورود در این حوزه و راه اندازی کسب و کار در این زمینه ترغیب نماییم.

### انتظار شما از دست آوردهای این همایش چیست؟

شاید مهمترین دست آورد این همایش را بتوان مطرح کردن حوزه جدیدی از کارآفرینی دانست چراکه تاکنون کارآفرینی بیشتر در حوزه صنعت و تجارت و تا حدودی خدمات مطرح شده و حوزه فرهنگی چندان مورد توجه نبوده است.

از طرفی این همایش می‌تواند برای خیل عظیم فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف هنری که هم اکنون به دنبال کار هستند، انگیزه قوی فراهم کند تا از این طریق با امکانات شغلی مختلف در این حوزه آشنا شوند.

از طرفی تلاش این بوده که با دعوت از کارآفرینان موفق عرصه فرهنگ برای حضور در سخنرانی‌ها و میزگردهای تدارک دیده شده در همایش نسبت به الگوسازی مناسب اقدام شود و تا حدودی به پرسش‌ها و



فرصت‌های نهفته فراوانی را می‌توان یافت.

### فاطمه مقیمی

### مدیر عامل انجمن ملی زنان کارآفرین

### از نظر شما نقش انجمن ملی زنان کارآفرین در ترویج کارآفرینی چیست؟

هم اکنون نزدیک به یک سال و نیم از تاسیس انجمن ملی زنان کارآفرین می‌گذرد و تا کنون این انجمن در کنار انجمن زنان مدیر کارآفرین حرکت نموده و برای گسترش کارآفرینی زنان در ایران تلاش کرده است.

وجه تمایز این انجمن با انجمن زنان مدیر کارآفرین در شرایط عضویت اعضاست، به نحوی که علاوه بر زنان کارآفرین، حامیان کارآفرینی نیز به عضویت انجمن ملی زنان کارآفرین قصد دارد تا به عنوان شخص حقوقی

به عضویت اتاق بازرگانی و اتاق صنایع و معادن درآید.

همان طور که عنوان شد این دو انجمن در کنار یکدیگر به عنوان دو بازوی مروج کارآفرینی در کشور فعالیت می‌کنند و در برپایی همایش‌ها با یکدیگر همکاری دارند.

شبهات علاقمندان برای ورود به این حوزه و ایجاد کسب و کار در آن پاسخ داده شود. همچنین فرصتی فراهم شود تا جوانان با الگوها و افراد موفق این رشته از نزدیک آشنا شوند و در عین حال چالش‌های پیش رو را هم بشناسند.

در خاتمه تاکید می‌کنم که انجمن، اهداف بزرگی در حوزه کارآفرینی فرهنگی برای خود تعریف کرده است که تنها در یک همایش محقق نخواهد شد و انجمن نسبت به دستیابی به این اهداف همچنان تلاش خواهد نمود و زمینه‌های دیگری را برای فعالیت جستجو خواهد کرد.

### مهری جواد زاده

### موسس و عضو هیأت مدیره انجمن و کمیته اجرایی همایش

### در سه سال گذشته سه همایش توسط انجمن برگزار شده که همگی با استقبال نسبتاً خوب شرکت کنندگان مواجه شده است. شما به عنوان موسس انجمن دلیل این استقبال را در چه می‌دانید؟

به نظر من ارائه مطالب کاربردی و انتقال تجربیات واقعی کارآفرینان در این همایش‌ها از دلایل عمده استقبال شما و آنان است. انجمن از هر

# گفتگوی کوتاه با همکاران همایش



دکتر اکرم منتظر الظهور  
عضو هیأت مدیره انجمن زنان  
مدیر کارآفرین و دبیر همایش

کارگاه‌های خودشناسی، مدیریت استرس، مهندسی شخصیت و... در اصفهان اقدام کردم. در آن زمان برای چندین هزار زن شاغل در اداره آموزش و پرورش و مدارس استان این کارگاه‌ها برگزار شد. خدمات مشاوره و آموزشی از عمده فعالیت‌های این موسسه است.

**فخرالسادات محتشمی پور**  
**موسس و مدیر اجرایی انجمن**  
**عضو کمیته علمی و اجرایی همایش**

**لطفاً بفرمایید براساس چه ضرورتی چهارمین همایش انجمن به مقوله کارآفرینی فرهنگی زنان اختصاص داده شده است؟**

اهمیت مقوله فرهنگ، اساس پرداختن به این موضوع است. به خصوص در کشور ما با توجه به گستردگی و تنوع فرهنگی در مناطق مختلف اهمیت، این بحث دوچندان است. از طرفی این حوزه خود فرصت‌های کاری متعددی را دربر دارد. اهمیت موضوع فرهنگ از یک سو در کنار اهمیت اشتغال و تاکید ما بر ترغیب جوانان و به خصوص زنان برای ورود به حوزه کسب و کار و کارآفرینی سبب شده تا با در کنار هم گذاشتن این دو موضوع انجمن امسال همایش خود را به کارآفرینی فرهنگی اختصاص دهد.

اگر به تعریف کارآفرینی توجه کنیم، می‌بینیم که کارآفرین خود هنرمند است. وجه مشترک هنر و کارآفرینی خلاقیت می‌باشد و این وجه مشترک سبب می‌شود که هنرمندان کارآفرین باشند و کارآفرینان هنرمند. از طرفی به باور بسیاری فرهنگ و هنر تناسب بیشتری با روحیات زنانه

**به عنوان دبیر همایش لطفاً اهداف انجمن را از برگزاری این همایش نام ببرید.**

در واقع ما دو هدف اساسی را در این همایش دنبال می‌کنیم، یکی فرهنگ سازی کارآفرینی و دوم کارآفرینی فرهنگی. در فرهنگ سازی کارآفرینی قصد داریم تا مقوله کارآفرینی را به جامعه، خاصه زنان معرفی کنیم و در کارآفرینی فرهنگی به موضوع ایجاد کسب و کار در حوزه فرهنگ می‌پردازیم. این همایش در ۳ بخش سخنرانی، معرفی کارآفرینان فرهنگی و میزگرد «چالش‌ها و فرصت‌های کارآفرینی در حوزه فرهنگ» برگزار خواهد شد.

**انتظار چه دستاوردی از این همایش را دارید؟**

مسئله کارآفرینی فرهنگی برای اولین بار توسط این همایش به صورت گسترده در کشور مطرح می‌شود. این خود فرصتی برای آشنائی علاقمندان به این مسئله است. از طرفی جوانان فعال در حوزه فرهنگ، از این طریق با ایده‌ها و فرصت‌های موجود برای ایجاد کسب و کار آشنا می‌شوند. در نهایت به نظر من شناسایی کارآفرینان حوزه فرهنگ، معرفی آنان به جامعه و ایجاد امکانی برای برقراری ارتباط میان آنان عمده‌ترین دستاورد این همایش خواهد بود.

**شما خود نیز در حوزه کارآفرینی فعالیت‌هایی داشته‌اید، لطفاً شرح مختصری از اقدامات خود در این حوزه بفرمایید.**

رشته تخصصی من روانشناسی است و کسب و کارم نیز مرتبط با همین رشته است. در این زمینه «موسسه پویا پژوهش بصیرت» را در اصفهان تاسیس کردم و در سال ۱۳۸۱ برای اولین بار نسبت به برگزاری



# ضرورت اصلاح و احیاء مهارت در عرصه فرهنگ و هنر

دکتر احمد مسجد جامعی  
- وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی  
- رئیس کمیسیون فرهنگی اجتماعی و زیست شهری شورای شهر تهران  
- عضو کمیته علمی همایش



فرصت‌های طلایی  
بیشتر شود.  
برای خلق ایده و  
تبدیل آن به یک  
محصول قابل ارائه، باید  
ابزارهای فرهنگی،  
نیازهای بشری و مفهوم  
فرهنگ را دقیقاً مطالعه

و بررسی کنیم. در این عرصه حوزه‌های مختلف سینما، رسانه،  
نشر، کتاب، هنرهای تجسمی، نمایش، هنرهای سنتی و صنایع  
دستی فضاهای مناسبی برای فعالیت می‌باشند.

**از نظر جناب عالی با حفظ ارزش‌های مقبول اجتماعی، چه  
راه‌هایی برای ترغیب زنان به ویژه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی  
در ورود به عرصه کارآفرینی فرهنگی می‌توان تدبیر نمود؟**

در کارآفرینی فرهنگی، زن و یا مرد بودن امتیاز اصلی نیست و  
درواقع جنسیت، سن، تحصیلات، شغل، مهارت، ارتباطات، تجربه،  
اطلاعات و ... همگی امتیازاتی هستند که می‌توانند به شکوفایی  
خلاقیت فرد برای شناسایی فرصت‌های طلایی کمک کنند.

در این زمینه زنان با توجه به ویژگی‌های خاص خود می‌توانند  
نقش موثری برای تولید محصولات فرهنگی داشته باشند. لذا ایجاد  
گروه‌های کارشناس در بین زنان، می‌تواند راه‌گشای مناسبی باشد.

**چه محصولات فرهنگی وجود دارد که در عرصه  
کارآفرینی فرهنگی می‌توانند احیاء و خلق دوباره شوند؟**

در بخش فرهنگ و هنر بسیاری از رشته‌ها از یاد رفته و حتی  
اساتید آن کمتر در دسترس هستند. در حال حاضر بیش از ۲۲۰۰  
شغل فرهنگی، شناسایی و تحت عنوان فرهنگنامه مشاغل منتشر  
شده است که ما نیاز مبرم به اصلاح مهارت‌ها، احیاء و اشاعه آنها  
داریم. بنابراین ورود در این بخش امکان‌زایی را برای تحقق  
ایده‌های مناسب افراد فراهم می‌آورد. چرا که طبیعت کار فرهنگی  
از تنوع و فراوانی برخوردار است.

**نظر به تجربیات قبلی جناب عالی در وزارت فرهنگ و ارشاد  
اسلامی و اینک با توجه به نقش فعلی جناب عالی به عنوان  
ریاست کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای شهر،  
فرصت‌های ترویج و توسعه کارآفرینی فرهنگی زنان را  
چگونه می‌بینید؟**

تشخیص یک ایده برای آنکه بتواند به عنوان یک سیاست، یک  
برنامه و یا یک کالای فرهنگی مورد بهره‌برداری قرار گیرد، یعنی  
کارآفرینی، به عبارت دیگر شناسایی یک فرصت مطلوب جهت  
تبدیل آن به کالای فرهنگی کارآفرینی است.

حساسیت و ظرافت‌های بخش فرهنگ و هنر چه در حوزه ملی  
و چه در حوزه مذهبی، ایجاب می‌نماید تا خلاقیت، نوآوری و  
ابتکار عمل در این بخش دشوارتر از سایر بخش‌ها باشد. مثلاً اگر  
در بخشی مانند صنعت، فرصت و ایده‌ای در نظر گرفته شود و  
بر آن اساس کالا یا محصولی تولید شود و سپس متوجه نادرست  
بودن آن شویم، شاید با کمی تغییر، امکان اصلاح آن را پیدا کنیم و  
یا در صورت حذف آن تنها درصدی از زمان و هزینه به هدر می‌رود،  
اما در بخش فرهنگ امکان حذف و یا اصلاح وجود ندارد و به علت  
تأثیرگذاری روی انسان‌ها آسیب‌های جدی را متحمل خواهیم شد.  
از طرفی همین حساسیت و ظرافت‌ها کمک‌شایانی می‌نماید  
تا در عصری که عصر جهانی شدن فرهنگ است امکان ایجاد

خلاقیت و نوآوری در  
بخش فرهنگ و هنر به  
دلیل حساسیت‌ها و  
ظرافت‌های آن نسبت به  
سایر بخش‌ها دشوارتر  
است





## خدیجه یار علی دبیر انجمن و عضو کمیته اجرایی همایش

تنوع و فراوانی بالایی برخوردار است، به گونه ای که حتی یک محصول خاص در دو منطقه متفاوت با ویژگی های مختلفی تولید می شوند. این تنوع خود امکان بالقوه مناسبی برای راه اندازی کسب و کار در منطقه است.

### به نظر شما انجمن زنان کارآفرین چه اقداماتی باید انجام دهد تا موضوع کارآفرینی فرهنگی در یک همایش خلاصه نشود و همچنان استمرار یابد؟

همان طور که اطلاع دارید تاکنون برنامه های متعددی در رابطه با کارآفرینی از طرف نهادهای مختلف در ایران برگزار شده است. اما در خصوص کارآفرینی فرهنگی اقدامی صورت نگرفته و اولین بار است که انجمن زنان کارآفرین مقوله کارآفرینی فرهنگی را مطرح نمود. به خصوص باتوجه به پتانسیل های متنوع استانی و وجود فرهنگ های مختلف در کشور پرداختن به این مساله اهمیت بیشتری پیدا می کند. اما برای اینکه مساله در حد یک همایش نماند و استمرار پیدا کند فعالیت های متعددی لازم است. به طور مثال برگزاری نشست های تخصصی ماهانه در حوزه های مختلف فرهنگی و دعوت از صاحب نظران و علاقمندان از آن جمله است. در ارزیابی که از شرکت کنندگان همایش به عمل خواهد آمد، میزان توجه و استقبال آنان به بخش ها و موضوعات مختلف مشخص خواهد شد و بر آن اساس انجمن برای استمرار فعالیت ها برنامه ریزی خواهد کرد.

باتوجه به اینکه شما کسب و کار خود را در اهواز راه اندازی کرده اید، به طور کلی شرایط فرهنگی استان خوزستان و زمینه های ایجاد کسب و کار در آن منطقه را چگونه ارزیابی می کنید؟

با در نظر داشتن تنوع فرهنگی بسیار زیاد در استان خوزستان و وجود اقوام و فرهنگ های متنوع، در این خطه امکانات زیادی برای فعالیت های کارآفرینانه فرهنگی وجود دارد.

در حال حاضر نیز از موسسات فرهنگی فعال مانند آموزشگاه های موسیقی، نقاشی، هنری و ... استقبال گسترده ای شده است و به نظر می رسد امکانات بالقوه فراوانی برای ایجاد کسب و کارهای فرهنگی در استان وجود دارد. از جمله فرصت های مناسب کسب و کار در این حوزه می توان از موسسات تبلیغاتی نام برد. روند روبه گسترش کسب و کارهای نوپا و نیاز آن ها به شناخته شدن، ضرورت تاسیس موسسات تبلیغاتی را افزایش داده است. در حال حاضر برخی موسسات کارهای تبلیغاتی خود را به تهران سفارش می دهند. حال آنکه امکان ایجاد و گسترش این فعالیت در منطقه فراهم است.

زمینه مناسب دیگر قابل توجه در حوزه کارآفرینی فرهنگی صنایع دستی است. صنایع دستی و هنرهای سنتی در استان خوزستان از



او می گوید: «احساس کردم نمی توانم به خوبی از عهده بازیگران برآیم و برای رفع این نقص به وادی تئاتر وارد شدم.» هر چند او با انگیزه آشنایی با نحوه برخورد بازیگران، به حوزه تئاتر وارد شد. اما این حوزه را چنان جذاب یافت که تا کنون در آن باقی مانده است.

### گشایش راه

در سال ۱۳۴۲ به همراه همسر و فرزندش به وطن بازگشت. او می گوید هر چند در آن زمان زندگی راحتی در پاریس داشتیم و برای همسر که از دانشجویان برجسته پزشکی بود پیشنهادات کاری فراوانی در آمریکا وجود داشت، اما به خاطر علاقه فراوانم به کشور تصمیم به بازگشت گرفتم و همسر نیز مرا همراهی کرد. وی برای شروع کار در حوزه سینما به وزارت فرهنگ آن زمان مراجعه کرد. اما از آنجا که فضای حاکم بر سینما در آن دوران چندان مساعد نبود، به تشویق وزیر وقت به حوزه تئاتر وارد شد. او می گوید: «ابتدا در چند کار سینمایی به عنوان بازیگر ایفای نقش کردم اما فضای غالب حاکم بر سینما بسیار مرا آزرده و احساس کردم که نمی توانم در آن شرایط به کار ادامه دهم.» وی اصلی ترین چالش خود را برای ورود به حوزه تئاتر، اثبات خود به عنوان یک کارگردان حرفه ای می داند و می گوید «چون جوان بودم و تازه از فرنگ برگشته، عموماً با چشم جنسیتی به من نگاه می کردند، و نه دید حرفه ای و اکثراً نمایشنامه های بسیار ساده ای برای اجرا به من پیشنهاد می شد، حال آنکه گرایش من، به اجرای نمایشنامه های مشکل بود.» در ابتدای راه و طی تلاشی بی وقفه وی توانست راه خود را به عنوان یک کارگردان حرفه ای باز نموده و همکاریاش را به همراهی و تبعیت ترغیب نماید.

پس از بازگشت به ایران و برای آغاز کار، به همراه جمعی از دوستان، گروه تئاتر پاسارگاد را راه اندازی کرد. آنها برای راه اندازی گروه مبلغ ۵۰ هزار تومان جمع آوری کردند که برای آن زمان مبلغ بالایی بود و گروه را قادر می ساخت تا به صورت خودکفا اداره شود.

او در مورد تئاتر آن دوران می گوید: «وضع تئاتر در آن زمان بسیار تأسف بار بود هیچ سالن نمایش داخلی وجود نداشت و هنرپیشه های طراز اول تحت شرایط بسیار دشوار کار می کردند، در آن زمان هیچ کس برای اجرای تئاتر بلیط نمی فروخت بلکه انتظار می رفت که تماشاگران برای دیدن نمایش افتخار دهند.» او اولین فردی بود که برای اجرای تئاتر خود با نام «کرک هویج» در مرکز فرهنگی ایران و فرانسه بلیط فروخت، و استقبال فراوانی نیز از نمایش وی به عمل آمد.

خانم صابری می گوید: «در آن دوره سالن تئاتر مناسبی وجود نداشت و متأسفانه اکثر سالن های خوب مربوط به مراکز فرهنگی دیگر کشورها

چون جوان بودم و تازه از فرنگ برگشته، عموماً به چشم جنسیتی به من نگاه می کردند، و نه دید حرفه ای و اکثراً نمایشنامه های بسیار ساده ای برای اجرا به من پیشنهاد می شد، حال آنکه گرایش من، به اجرای نمایشنامه های مشکل بود

بود.» وی مزیت آن سالن ها را رایگان بودن آن ها دانسته می گوید: «این مراکز فرهنگی از آنجا که می خواستند رونق داشته باشند سالن ها را به

رایگان در اختیار گروه قرار می دادند و از طریق فروش بلیط می توانستیم هزینه اجرا را فراهم کنیم.» از نظر وی هم اکنون که همه امکانات در اختیار نهادهای مختلف است، کار بسیار سخت تر شده و اگر کسی بخواهد به این حوزه وارد شود نیاز به حمایت دولتی دارد. گروه پاسارگاد که کارنامه درخشانی در حوزه تئاتر داشت پس از ۱۰ سال به کار خود پایان داد. خانم صابری پس از آن به عنوان مسئول امور فرهنگی فوق برنامه فعالیت خود را در دانشگاه تهران آغاز کرد. وی در همان دوران نسبت به ساخت تالار مولوی - که همچنان پس از گذشت نزدیک به سی و پنج سال از مدرن ترین سالن های تئاتر کشور است - اقدام نمود.

### نگاه به آینده

او همواره از آغاز و در اولین اجراهای کاری خود نیز با موفقیت روبه رو شد و توانست علاقمندانی را به خود جذب نماید. اما اوج دوران رونق وی را می توان از بعد از انقلاب دانست. خود در این باره می گوید: «با رجوع به فرهنگ و متون غنی که ریشه در تمدن ایرانی و اسلامی داشتند پا به مرحله جدیدی گذاردم.» هر چند دغدغه این مساله از قبل نیز با او همراه بود اما تا قبل از انقلاب به علت مشغله فراوان فرصت نداشت تا با خود خلوت کرده بر روی داستان های اصیل ملی مطالعه نماید.

او می گوید: «در زمان اجرای نمایشنامه های خارجی همیشه این احساس با من بود که در حال تمرین حرفه خود هستم و برای اینکه تمرین ها به مرحله عمل درآیند لازم بود تا قادر باشم از زبان خود سخن گویم و از روزی که به فرهنگ خود روی آورده و با این زبان سخن گفتم استقبال و پشتیبانی مردم از کارهایم روز به روز بیشتر شد.»

به باور وی کار کردن در ایران بسیار دشوار است. وی عمده ترین چالش دوران کنونی را سلیقه ای عمل کردن مسئولان می داند و می گوید: «من به عنوان یک شهروند ایرانی می دانم که برای اجرای نمایش هایم چه موازینی را چه در کلام و چه در نوع برخورد بازیگرها، باید رعایت کنم و این منحصر به ایران نیست. هر کشوری موازین خود را دارد که کارگردان باید به آن پایبند باشد. من نیز عموماً بسیار حساب شده کار می کنم، ولی در بسیاری موارد، سلیقه افراد نیز در نظارت ها وارد می شود و کار را مشکل می کند.»

او برنامه های متعددی برای آینده دارد و قصد دارد دستی هم در سینما برده و فیلمی را کارگردانی کند، در حوزه تئاتر نیز می خواهد پس از ارائه چندین اثر ترازوی چون رستم و سهراب و داستان شمس و مولانا، به حوزه کمدی وارد شود و داستانی از ملا نصرالدین را به روی صحنه آورد. وی می گوید: «در تئاتر کشور ما کار قوی بر روی مضامین کمدی نشده است، خندانند مردم کار آسانی است اما اینکه بتوان اندیشه را به تحرک واداشت به نحوی که فرد از ظرافت های اندیشه بخندد، کار ساده ای نیست.» «هر آفریده ای که اسم انسان را با خود حمل می کند برای کاری خلق شده است، و هیچ کس بی حاصل به این جهان نیامده است، بلکه هر کس به دنبال تحقق رویای وجودی خود است. از این رو افراد باید رویای خود را بشناسند و آن را دنبال کنند، رویاها حد و مرز ندارند و انسان را تا بی نهایت می برند.»

او خود را مدیون فرهنگ و جامعه می داند و می گوید: «می کوشم تا از طریق شناساندن فرهنگ ایران به جهانیان، بدهی خود را به این کشور اعطا نمایم» وی در تمام این سال ها رویای شناخت آدمی را دنبال نموده و تاکنون توانسته با اجرای نمایشنامه های منحصر به فرد، بسیاری از اسطوره های ملی این مرز و بوم را به مردمانش باز شناساند.



# رویاها انسان‌ها را تا بی‌نهایت می‌برند

پری صابری: کارگردان تئاتر

«فرانسوی‌ها در تربیت هنری بسیار سخت‌گیر بودند، و ما را وادار به دیدن نمایشنامه‌های کلاسیک و شنیدن موسیقی‌های کلاسیک می‌کردند، رویکرد آنان باعث شد سلیقه و سطح توقع خاصی نسبت به هنر در من پدید آید: وی پیدا کردن نظم بندی ذهنی را از دیگر عوامل مثبت دوران تحصیل خود می‌داند.»

هر آفریده‌ای که اسم انسان را با خود حمل می‌کند برای کاری خلق شده است، و هیچ‌کس بی‌حاصل به این جهان نیامده است، بلکه هرکس به دنبال تحقق رویای وجودی خود است. از این رو افراد باید رویای خود را بشناسند و آن را دنبال کنند، رویاها حد و مرز ندارند و انسان را تا بی‌نهایت می‌برند

پس از پایان دبیرستان و به تشویق یکی از دوستان در مدرسه عالی تکنیک سینما و عکاسی ثبت نام کرد. خود در این باره می‌گوید: «هر چند گرایش بسیاری به هنر داشتم اما به خاطر احترام به خواست پدرم که دوست داشت طیب شوم، نسبت به ورود به حوزه هنر مردد بودم» پدر مخالفت چندانی با حضور فرزندش در مدرسه سینما نشان نداد و تنها نگرانی خود را از آینده اقتصادی او عنوان کرد.

حضور وی در مدرسه سینما، باعث افزایش علاقمندی او به این حوزه شد. پس از پایان دوره کارگردانی سینما به حوزه تئاتر وارد شد، خود علت این تغییر رشته را چنین عنوان می‌کند: «در پایان دوره و برای تهیه پایان‌نامه ام و ساخت یک فیلم کوتاه متوجه شدم که تمام تکنیک‌های کارگردانی را از جمله نحوه کار با دوربین،

چیدمان صحنه، فضا و... به خوبی فرا گرفته‌ام اما مشکل اصلی من در برقراری ارتباط با انسان‌ها بود.» به عقیده وی نمی‌توان بدون داشتن شناخت درست از افراد آنها را اداره کرد و از همین رو است که بازیگرها در مقابل کارگردانان ماهر می‌درخشند و در مقابل کارگردان‌های ضعیف خاموش می‌شوند.

در خردسالی با هجرت خانواده به آن سوی آب‌ها رفت. در مسیر رشد با هنر آشنا شد و به عرصه نمایش روی آورد. به قصد بازگشت به وطن آگاهانه خود را به علم و مهارت تجهیز کرد. در بازگشت با عبور از مسیر سینما، حوزه تئاتر را برگزید و به رغم چالش‌های زمان ورود، از خود عنصری حرفه‌ای در تئاتر ایران ساخت. اینک نیز که در هفتمین دهه زندگی خود قدم نهاده، هم‌چنان خود را مدیون فرهنگ و جامعه ایرانی می‌داند.

## کودکی در شعر و ادب

در تهران متولد شد. در دوران کودکی با فرهنگ غنی شعر و ادبیات ایران توسط مادر آشنا شد. وی می‌گوید: «داستان رستم و سهراب را بارها شنیده بودم و باز از مادر می‌خواستم که برایم تعریف کند.» در خردسالی و به خاطر کار پدر، راهی فرانسه شد. وی نیمه دوم تحصیلات متوسطه خود را در آن‌جا گذراند، او درباره مهاجرت می‌گوید: «احساس می‌کردم از فضایی آشنا که همه آدم‌ها، زبان و آداب و رسومش را می‌شناختم وارد دنیای ناشناخته‌ها شده‌ام و درد غربت را عمیقاً احساس می‌کردم.» برای اینکه زودتر با زبان فرانسه آشنا شود، به پانسیون رفت و از همان روز اول با آنکه زبان فرانسه را نمی‌دانست وارد مدرسه شد. تطابق با فرهنگ و



زبان جدید دوران دشواری بود. چرا که برای انجام امور عادی ناچار بود انرژی بسیاری صرف کند. او تجربیات آن دوران را بسیار آموزنده می‌داند و می‌گوید: «به خود گفتم حال که سرنوشت تو را به این‌جا آورده، و فعلاً امکان برگشت وجود ندارد، باید پیش رفت و حق در جازدن نداری.» وی در مدارس فرانسه به طور جدی با هنر آشنا شد. او می‌گوید

انقلاب به مرحله جدیدی از فعالیت حرفه ای خود قدم گذاشت او در این باره می گوید: «در ابتدای انقلاب که موسیقی در حال رکود بود، تمام هنرستان ها و گروه های موسیقی تعطیل شده بودند، فرصت خوبی برای ادامه کارهای تحقیقاتی مهیا شد.» وی پس از چندی برخی از تحقیقات خود را به چاپ رساند. او در سال ۱۳۶۵ اولین نوار خود را با نام «تک نوازی دلنوا» به بازار ارائه کرد، هزینه اولیه تهیه نوار را از محل حقوق استخدامی خود پرداخت کرد. وی می گوید

«در آن زمان بود که مسیر فعلی ام تعیین شد و تصمیم گرفتم یک گروه موسیقی دائر کنم.»

### گام های توسعه

از آنجا که تمام گروه های موسیقی در ابتدای انقلاب تعطیل شده بودند و با توجه به اینکه او آهنگ نیز می ساخت، تصمیم گرفت تا با به کارگیری جوان های با استعداد آثار موسیقی را با کیفیت برتر تهیه و ارائه کند به همین منظور در سال ۱۳۶۸ گروه موسیقی نیریز را تشکیل داد و خود سرپرستی گروه را بر عهده گرفت. به گفته وی برای تشکیل گروه موسیقی به

سرمایه اولیه چندانی احتیاج نبود. زیرا خود آهنگسازی را بر عهده داشت و پس از اجرای برنامه ها درآمد حاصله را ما بین اعضا گروه تقسیم نمود. در همان دوران او تصمیم گرفت ساز قانون را به اسلوب ایرانی برگرداند. از این رو بر آن شد تا با ابداع امکاناتی بر روی ساز آن را به نحوی تنظیم کند تا نوای ایرانی از آن خارج شود.

او در این باره می گوید: «برای احیاء نوای ایرانی با این ساز هزینه های زیادی لازم بود و نتیجه کار از پیش مشخص نبود، چرا که امکان داشت کار به موفقیت نینجامد ولی به هر حال چون امید بسیاری داشتیم در این راه قدم گذاشتیم.» او برای تأمین هزینه، اتومبیل و برخی دیگر از ابزار و وسایل خود شامل ویلون، تنبک و پیانو را به فروش رساند و با تبدیل انبار منزل خود به کارگاه توانست هزینه تغییرساز و نیز چاپ کتاب اولش را که در

همین رابطه بود تأمین کند. او در این باره می گوید: «با مبلغی که توسط فروش وسایل تهیه کردم، به جای این کار می توانستم یک خانه ۳ طبقه را خریداری کنم. اما امروز از بابت راهی که انتخاب کردم بسیار خرسندم و اگر دوباره زمان به عقب بازگردد باز همان راه را انتخاب می نمایم» همسر وی که در ابتدا بسیار با کار کردن وی مخالفت می نمود، وقتی پافشاری و علاقه وی به کار را دید، خود نیز با او همراه شد و در طراحی ساختار ساز کمک بسیاری به او کرد. در سال ۱۳۷۰ وی نسبت به راه اندازی آموزشگاه موسیقی اقدام نموده پس از چندی از آنجا که مسئولیت مدیریت هنرستان موسیقی دختران را به عهده گرفت آموزشگاه را تعطیل کرد و دوباره پس از ۵ سال با خرید منزل مادری خود از خواهر و برادرهایش «مؤسسه باغ نغمه» ها را در آنجا دائر نمود. وی هم اکنون در موسسه فرهنگی-هنری باغ نغمه ها علاوه بر آموزش موسیقی، به تولید و انتشار CD و کتاب نیز می پردازد. در ضمن در کارگاه ساز سازی با مدیریت فرزندش (مهندس علیرضا ستوده) نیز فعالیت می کند.



به باور او یکی از دلایل وارد نشدن خانم ها در سطوح بالای بخش موسیقی آن است که این کار به نسبت تلاش و کوشش بسیار، بازده مالی چندانی ندارد. وی در مورد خود می گوید: «از اینکه می بینم در حال حاضر ساز قانون را همه می شناسند، و از طرفی توانسته ام برای جوانان علاقمند کسب و کاری فراهم کنم بسیار خشنودم» وی می افزاید: «هر چه موانع بیشتر باشد، انسان هدفمند تلاش بیشتری می کند، و پایمردی و ایستادگی من در این مسیر از این رو بوده که هدف خود را از زندگی می دانم و در راه رسیدن به آن تلاش می کنم.» به عقیده او اگر کسی رأس قله را هدف قرار دهد و در راه رسیدن به آن تلاش کند، حتماً موفق به فتح قله خواهد شد.

وی می گوید «برای ارائه کار خوب، فرد باید اطلاعات تخصصی در زمینه کاری خود داشته باشد تا مهارت لازم را کسب کند.» به باور او کسانی که اهداف بزرگی در زندگی خود دارند، علاوه بر در نظر گرفتن جنبه های ظاهری کسب و کار به ابعاد معنوی آن نیز می اندیشند و از این رو با عزم بیشتری گام بر می دارند.

وی در زمینه موسیقی فولکلور، موسیقی ملی کلاسیک ایران، تک نوازی جهت ساز قانون و موسیقی کودک آثاری خلق نموده و روشی نو ابداع کرده تا کودکان و جوانان این مرز و بوم با موسیقی اصیل ایرانی آشنا شوند. این آثار سبب شد تا وی به دریافت دکترای افتخاری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نایل شود.

او تاکنون علاوه بر خلق آثار موسیقی، چندین کتاب نیز در حرفه خود به چاپ رسانیده است.



# ابداع در موسیقی

دکتر ملیحه سعیدی: آهنگساز و نوازنده



ساز قانون را در هنرستان تدریس می نمود. در سال ۱۳۴۸ نخستین ساز قانون خود را تهیه کرد. در آن زمان چون ساز قانون در ایران وجود نداشت، سفارش داد تا از یک کشور عربی ساز را وارد کنند. ساز قانون که به زعم وی ساز اصیل ایرانی است و از زمان حضور اعراب در ایران، به آن کشورها رفته بود، تنها با اسلوب عربی و ترکی نواخته می شد. وی می گوید: «من بیشتر دوران زندگی ام را بر روی تخصصم گذاشتم و سعی کردم تمام توانایی های نهفته در وجود خود را به کار گیرم، تا به هدفی که برای خود تعیین نموده بودم دست یابم.» از همین رو هر چند نزد استاد، نواختن موسیقی عربی را با ساز قانون فرا گرفته بود، اما کوشید تا نواهای ایرانی را از آن خارج سازد. کنجکاوی سبب شد تا فکر ایجاد تغییراتی بر روی ساز (که بعدها آن را عملی نمود) جهت نواختن موسیقی ایرانی با قانون را در خود بیوراند، وی می گوید: «اگر منتظر می نشستم تا کسی به من آموزش دهد، شاید این کار هرگز عملی نمی شد.»

## تعیین مسیر

وی در سال ۱۳۵۵ از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. او در مورد تحصیل خود در دوران دانشگاه می گوید: «ضمن تحصیل، به کار تحقیق، تدریس و نوازندگی نیز اشتغال داشته و در حین انجام رسالت مادری خود هرگز از تحصیل غفلت نمودم، زیرا هرگز نمی پذیرفتم که در یک نقطه ساکن باشم.» وی در دوران دانشگاه، قانون را به عنوان ساز تخصصی خود برگزید. در ۱۹ سالگی کار رسمی خود را به عنوان محقق در تلویزیون ملی ایران آغاز کرد. وی فعالیت خود را با تدریس موسیقی، آهنگسازی و نوازندگی ادامه داد. پس از

از کودکی آهنگ رفتن را در متن هنر سر داد و حس شیرین جوانی را با موسیقی مأنوس ساخت. با سعی و شور آهنگسازی مبدع و نوازنده ای زبده شد و از هنرش نهاد ساخت.

## از کودکی تا جوانی

در سال ۱۳۲۷ در خانواده ای فرهنگی متولد شد. پدرش اهل شعر و ادبیات و مادرش نیز که مدیر و معلم مدرسه بود، از جوانی ویلون می نواخت. وی از چهار سالگی به یادگیری موسیقی و اجرای برنامه در تلویزیون به همراه خواهر و برادرهایش پرداخت. بعد از طی دوران ابتدایی وارد هنرستان موسیقی ملی شد و کار موسیقی را به طور جدی از آن زمان آغاز کرد. ساز تخصصی وی در دوران هنرستان ویلون کلاسیک و ایرانی بود و در همان زمان ساز قانون را نیز به صورت حرفه ای فرا گرفت. در مورد علت روی آوردنش به حیطه موسیقی می گوید: «من به این هنر بسیار علاقمند بودم و خانواده نیز با فرستادن من به هنرستان موسیقی، مسیر هنر را برایم مهیا کردند.»

وی در مورد علاقه خود به فراگیری و نواختن ساز می گوید: «در آن زمان روزی یک تومان می گرفتم که پنج ریال آن بابت غذا و چهار ریال نیز برای اتوبوس جهت

از اینکه در حال حاضر ساز قانون را همه می شناسند و از طرفی توانسته ام برای جوانان علاقه مند کسب و کاری فراهم کنم بسیار خوشنودم

ایاب و ذهاب هزینه می شد و یک ریال باقی می ماند. من این یک ریالی ها را جمع می کردم و به بابای مدرسه می دادم که اجازه دهد تا ساعت ۸-۷ شب که مدرسه باز است آنجا مانده و به تمرین بپردازم چرا که در خانه ساز قانون نداشتیم.» وی برای تهیه هزینه کپی نت ها گاه از هزینه غذا یا اتوبوس صرف نظر می کرد، چرا که به گفته خود نمی خواست در حق خانواده اش اجحاف نماید. از ۱۶ سالگی به کسب درآمد از طریق تدریس و نوازندگی پرداخت و به جای استاد خود،



نقاشی، مجسمه‌سازی، نویسندگی و... کرده بودم. مثلاً در آن زمان متوجه شدم بزرگ‌ترین استاد قانون در ایران یک زن است. در آن زمان مدرسه عالی موسیقی بسیار فعال بود، هر چند فرصت‌های حضور و موفقیت زنان در عرصه موسیقی و ورزش تا حدودی کمتر شده اما تفکیک جنسیتی فرصت‌های جدیدی را برای حضور فعالانه زنان در برخی حوزه‌های فرهنگی از جمله گریم و عکاسی فراهم ساخت. هم‌اکنون زنان حرفه‌ای در صنعت عکاسی داریم که از این هنر کسب درآمد می‌کنند. در حوزه نقاشی هم فرصت‌های فراوانی وجود دارد. اکنون تعداد زنانی که گالری‌های هنری را اداره می‌کنند بسیار افزایش یافته، زنان نقاشی که تابلوهایشان را به فروش می‌رسانند ده‌ها برابر شده است. به طور کلی در حوزه فرهنگ امکانات زیادی برای کسب و کار وجود دارد، در این حوزه تنها لازمه برخی از فعالیت‌ها خلاقیت و استعداد هنری است. اما بسیاری فعالیت‌های فرهنگی آموختنی است. اگر از پایین نگاه کنیم می‌توان از بسیاری از خرده مجموعه‌های مؤسسات فرهنگی به عنوان کسب و کار نام برد. به طور مثال مؤسساتی که کارهای تکثیر انجام می‌دهند یا افراد و مؤسساتی که وسائل هنری تولید می‌کنند مثل ابزار مجسمه‌سازی، ابزار نقاشی، ابزار نشر، ابزار شیرینی‌پزی و... در هنرهای نمایشی هم همینطور است. اکثراً فکر می‌کنند سینما یعنی بازیگری، در صورتیکه برای تهیه یک

فیلم یا تئاتر به عوامل زیادی چون متصدیان نور، صحنه، دکور، لباس، گریم، دوربین و... احتیاج است. طراحی لباس صحنه از جمله فعالیت‌های بسیار پراهمیت در هنرهای نمایشی و مقبول برای زنان است.

## به نظر شما چالش‌های دختران جوان برای ورود و بقاء در عرصه کارآفرینی فرهنگی چیست؟

مهمترین مشکل موجود این است که فارغ‌التحصیلان ما پس از خروج از مدرسه و ورود به اجتماع تقریباً هیچ تخصصی ندارند. بارها شده که من به عنوان یک صاحب کسب و کار شهر را گشته‌ام اما متخصص مورد نظرم را پیدا نکرده‌ام. از سوی دیگر خیل عظیمی از جوانان دیپلمه وجود دارند که توان کار تخصصی را ندارند. متأسفانه ما در ایران ضمن آموزش هیچ نوع توانایی عملی به جوانان نمی‌دهیم و اکثر آنان تخصص و تجربه لازم را برای شروع کار ندارند. سال گذشته گروهی از زن‌های افغانی به ایران آمده بودند تا نحوه کار با ماشین‌های چاپ را از ما یاد بگیرند. ماشین آلات را آمریکایی‌ها در اختیارشان گذاشته بودند ولی آنها نحوه استفاده از ماشین‌ها را نمی‌دانستند. در ایران هم مسئله کار با ماشین‌های اداری و تخصص یافتن در این حوزه بسیار حائز اهمیت است. اگر فردی مهارت و تخصص لازم را داشته باشد، به نحوی که کار را با کیفیت مناسب و قیمت ارزان ارائه کند، بسیار موفق خواهد شد. از طرفی برای کسب مهارت در این زمینه دانش در سطح دبیرستان کفایت می‌کند.

پس اولین مسئله مهم پیش روی زنان یافتن تخصص است. مسئله دوم از نظر من ناآشنایی آنان با اقتصاد و نحوه فعالیت اقتصادی است. مثلاً اگر زنی بخواهد به حوزه نشر وارد شود نمی‌داند برای این کار چه میزان سرمایه لازم است. برای ورود به حوزه نشر لازم است فرد حداقل سرمایه یکسال کار و تولید خود را داشته باشد. ما تحقیقی انجام دادیم و متوجه

شدیم که در صورتیکه ناشری کمتر از ۴۰ عنوان کتاب در سال به چاپ برساند، کارش اقتصادی نخواهد بود. چاپ این میزان کتاب از روز اول میسر نیست و این فرآیندی است که زنان باید از آن آگاه باشند تا در آن متوقف نشوند.

از دیگر مشکلات دختران محدودیت‌های ناشی از ناتوان شمردن آنان است. یعنی به جای ایجاد توانایی و توانمندسازی، مکرر بر موضوع ناتوانی تاکید می‌شود. از این رو لازم است تا جامعه آموزش‌های فرهنگی لازم را ببیند تا زنان آن بتوانند با آرامش، وارد بازار کار شده و موفق شوند.

## انتظارات مشخص شما از دولت برای بستر سازی کارآفرینی زنان در عرصه فرهنگ و هنر چیست؟

آموزش، همان‌طور که قبلاً اشاره کردم مشکل اصلی جوانان ما نداشتن مهارت و تخصص است. اکنون که جهان به سرعت به سمت تخصصی شدن حرکت می‌کند، ما نیز باید به این مسئله توجه کنیم. آموزش تئوری در کنار آموزش عملی و سپس دوره کارآموزی برای کسب تجربه می‌تواند سبب پرورش افرادی توانا برای ورود به حوزه کارآفرینی شود.

هم‌اکنون در اکثر نقاط دنیا مدارس فنی-حرفه‌ای به صورت جدی فعالیت می‌کنند و افرادی که از آن مدارس فارغ‌التحصیل می‌شوند به علت مهارت و تجربه‌ای که دارند به راحتی می‌توانند جذب بازار کار شوند.

در خاطر من است یک خانم عراقی استاد دانشگاه، می‌گفت در عراق به علت وسعت محصولات کشاورزی در حدود ۴۰ هزار تکنسین کشاورزی فعالیت می‌کنند. ما مدام از شغل

مشکل اصلی جوانان ما نداشتن مهارت و تخصص است، آموزش تئوری در کنار آموزش عملی و سپس دوره کارآموزی برای کسب تجربه می‌تواند سبب پرورش افرادی توانا برای ورود به حوزه کارآفرینی شود

حرف می‌زنیم، اما دولت کار عملی جدی در این زمینه انجام نداده است. دولت باید طرح‌های آموزش با هدف ایجاد کسب و کار را به طور جدی اجرا کند. به طور مثال تأسیس مدارس گردشگری، که کارآموزان در حین آموزش‌های تئوری بتوانند کارهای ابتدایی را در عمل تجربه کنند. در حوزه تئاتر و سینما هم همین‌طور است. هدف دولت باید تربیت کارورز (تکنسین) باشد. اما این‌ها هیچ یک بدون برنامه میسر نیست. مثلاً دولت می‌تواند سیاستی بگذارد که طبق آن هر کس می‌خواهد ناشر شود، شش ماه در یک دفتر نشر کارورزی کند.

## به عنوان سؤال آخر شما نقش خود را در ترویج و توسعه کارآفرینی فرهنگی چه می‌بینید؟

اگر کسی بگوید من می‌خواهم کار نشر را یاد بگیرم ما همیشه برایش امکان داریم، همان‌طور که گفتیم اگر فردی بخواهد در حوزه نشر موفق شود باید با نحوه چاپ کتاب مناسب و عوامل تأثیرگذار در آن چون انتخاب موضوع، نوع چاپ، تعداد تیراژ، پشت جلد، سلیقه مخاطب و... آشنا باشد. فردی که تخصص لازم را در مدارس تکنولوژی دیده است، می‌تواند دوره تجربی را در مؤسسه انتشاراتی پرکار بگذراند و به قول معروف لم کار را یاد بگیرد.

انجمن زنان کارآفرین نیز در حد وسیع تری می‌تواند نسبت به کشف امکانات کسب و کار پنهان در جامعه اقدام کند. من به عنوان ناشر می‌توانم در شناسایی مشاغل بالقوه در این حوزه به انجمن کمک کنم.



# کسب مهارت و تخصص

## نیاز امروز جوانان برای کار آفرینی و کسب و کار



شهلا لاهیجی: اولین زن ناشر و عضو کمیته علمی همایش

پنج ساله بود که با شوق مادر در دنیای کتاب سیر کرد. آن هنگام که ده ساله شد قلم بدست گرفت، در چهارده سالگی مقالاتش در روزنامه چاپ شد. در شانزده سالگی به عنوان عضو، به انجمن زنان نویسنده و روزنامه نگار جهان راه یافت.

در مسیر پر فراز و نشیب زندگی فرهنگی از خود دهنده‌ای پر شور ساخت و با همان جسارت همیشگی به عنوان اولین زن ناشر ایده‌اش را نهاد کرد و مسیر را برای دیگر زنان این صنعت هموار ساخت.

### صنعت نشر چه فرصت‌هایی را در زمینه کسب و کار برای زنان بوجود آورده است؟

همانطور که اطلاع دارید نشر، حوزه بسیار وسیعی است که نویسندگی تنها یک بخش از آن است. نویسندگان تنها یک نفر است. اما زیر مجموعه نشر شامل فرصت‌های فراوانی برای کار آفرینی و کسب و کار است. شنیده‌ام که قرار است دانشگاه نشر تأسیس شود. در چنین دانشگاهی یک بخش از آموزش‌ها در ارتباط با نوشتن و امور مرتبط به آن چون ویراستاری، نمونه خوانی و... خواهد بود. اما باقی بخش‌ها همه آموزش‌های فنی و تکنیکی است.

از جمله می‌توان از حروف چینی، صحافی، چاپ، کارهای چهار رنگ، لیتوگرافی و انواع کار با ماشین‌های تخصصی که همگی از حوزه‌های مرتبط در این زمینه هستند، نام برد. هم‌اکنون متخصصان خوب ماشین چاپ در کشور بسیار کم است، از طرفی امروزه که کارها اتوماتیک شده و به زور بازو نیازی نیست فرق ندارد که زن یا مرد پشت دستگاه بایستد. و از این رو زن‌ها هم وارد بازار شده‌اند. اکنون زن‌ها حتی به کار لیتوگرافی، که قبلاً تصور نمی‌شد زن وارد این حوزه شود، روی آورده‌اند، به طوری که حدود ۱۶ نفر لیتوگراف زن در تهران فعالیت می‌کنند و خیلی هم خوب و بدون افت کیفیت این کار را انجام می‌دهند. از دیگر زیر شاخه‌های نشر می‌توان به کتاب‌فروشی، کتابخانه‌داری و پخش نیز اشاره کرد.

از دیگر زمینه‌های جذاب کار آفرینی در این حوزه سرمایه‌گذاری است. همانطور که اکنون زنانی برای تهیه فیلم سرمایه‌گذاری می‌کنند می‌توانند در نشر هم این کار را انجام دهند. وقتی فردی با تحصیلات و تجربه به این حوزه وارد می‌شود می‌تواند از امکانات روز نیز استفاده کرده و از آن حالت سنتی خارج شود.

عنوان حرفه و به صورت تمام وقت این کار را انتخاب کرد من بودم. از همین رو وقتی من به حوزه نشر وارد شدم هیچ کس مرا جدی نمی‌گرفت. برای حدود شش سال من همچنان تنها ناشر زنی بودم که خود کسب و کارم را راه‌اندازی کرده بودم اکنون که به گذشته نگاه می‌کنم این مسئله را بسیار مثبت ارزیابی می‌کنم. چرا که ورود من در صحنه نشر و موفقیت‌م سبب ورود خیل عظیمی از دیگر زنان به این حوزه شد. به طوری که هم‌اکنون بالغ بر ۵۷۰ زن ناشر داریم هر چند کمتر از نیمی از این

ما تحقیقی انجام دادیم و متوجه شدیم که در صورتیکه ناشری کمتر از ۴۰ عنوان کتاب در سال به چاپ برساند، کارش اقتصادی نخواهد بود. چاپ این میزان کتاب از روز اول میسر نیست و این فرآیندی است که زنان باید از آن آگاه باشند تا در آن متوقف نشوند

افراد (۲۰۰ نفر) فعال هستند، اما این هم از ارقام باورنکردنی در دنیا است. مثلاً در ایتالیا تنها ۱۰ ناشر زن و در انگلستان که زنان فعال زیادی در این زمینه دارد ۱۵ ناشر زن وجود دارد.

شما به عنوان اولین زن ناشر چه فرصت‌هایی را برای حضور دختران جوان در عرصه کار آفرینی فرهنگی و کسب و کارهای جدید پیشنهاد می‌کنید؟

من چندین سال پیش ضمن نشر، یک سری کارهای مطالعاتی در زمینه حضور زنان در حوزه‌های فرهنگی شامل موسیقی، سینما، تئاتر،

اوج مشارکت زنان در این حوزه در چه مقطع تاریخی بوده؟ و دلایل آن را در چه می‌بینید؟

من اولین زن ناشر هستم. پیش از من افرادی به صورت ناشر- مؤلف بودند، یعنی کتاب‌های خودشان را چاپ می‌کردند. اما اولین زنی که به



## تبیین الگویی نواز زن موفق

دکتر ناصر هوشمند وزیری  
- استاد مجسمه ساز و عضو کمیته علمی همایش

**شما به عنوان یک هنرمند و مجسمه ساز برجسته، دلایل حضور کم رنگ زنان را در عرصه کارآفرینی فرهنگی چه می دانید؟**

از نظر من سه مانع اصلی بر سر راه حضور فعالانه خانم ها در عرصه کسب و کار و کارآفرینی وجود دارد که مهمترین آنها وظایف خانه داری و مسئولیت هایی است که خانواده بر دوش زنان می گذارد. قسمتی از موانع مربوط به قوانین تبعیض آمیز موجود در جامعه است و در نهایت نیز برخی موانع را باور عموم، نسبت به فیزیک ظریف زنانه و تقسیم بندی کارها تحت عنوان کارهای زنانه و کارهای مردانه، ایجاد می کند.

واقعیت این است که تشکیل خانواده سبب پدید آمدن برخی محدودیت های زمانی برای زنان می شود به نحوی که نسبت به مردان حضور کمتری در جامعه پیدا می کنند. هر چند امروزه با توجه به نیاز خانواده به درآمد زن، تا حدودی از این محدودیت کاسته شده است.

از طرفی باور عموم این است که زنان به علت ظرافت فیزیکی خود قادر به انجام برخی کارها نیستند اما تاریخ نشان داده که این باور جای تأمل دارد. چرا که در جنگ جهانی دوم که مردان برای حضور در جبهه های نبرد از شهر خارج شدند تمام فعالیت های سنگین صنعتی به نحو احسن توسط زنان انجام می شد.



در نهایت نیز وجود برخی قوانین مانع از ورود زنان به برخی فعالیت های اجتماعی و اقتصادی می شود. تمام این عوامل سبب شده تا گاه خود زنان نیز نسبت به توانایی های خود دچار تردید شوند به طور مثال در نمایشگاه دو سالانه مجسمه سازی که چندی پیش در تهران برپا شده بود زنان زیادی شرکت کرده بودند. به نحوی که تعداد آنان تقریباً با مردان برابری می کرد اما اکثر آنها تا حد معینی فعالیت کرده بودند، مثلاً عموماً کارهای کمتر از یک متر و با مصالح نرم چون گل و یونولیت ساخته بودند غافل از اینکه کاملاً قادر هستند که مجسمه های بزرگ تر و با مصالح سخت تر پدید آورند، همچون زنان دیگر کشورها.

**انتظار شما از انجمن زنان کارآفرین در اشاعه فرهنگ کارآفرینی چیست؟**

با توجه به اهمیت «باور انسان» انجمن می تواند در زمینه اطلاع رسانی و آگاهی بخشی در مورد توانایی های زنان گام های مؤثری بردارد. به طور مثال برپایی نشست های مختلف و دعوت از زنان فعال و موفق خود می تواند سبب تهیج افکار و ایجاد انگیزه برای دیگر زنان باشد. همچنین انعکاس این نشست ها در رسانه های عمومی علاوه بر تبیین الگویی نو از «زن موفق» خود می تواند زمینه را برای آگاه شدن قانون گذاران از نیازهای جامعه و ترغیب آنان به اصلاح قوانین فراهم سازد.

## سخت کوشی و ظرفیت سازی لازمه حضور موفق در حوزه فرهنگ و هنر

لیلی گلستان: مؤسس گالری گلستان



**چالش های این مسیر چیست؟**

کار فرهنگ و هنر کار گل است افراد برای اینکه موفق شوند باید از صفر شروع کنند و پله به پله پیش روند در این حوزه بیش از هر حوزه دیگری به سخت کوشی و ظرفیت سازی احتیاج است. اگر هنرمند ظرفیت لازم برای مطرح شدن را نداشته باشد در همان ابتدای کار دچار مشکل می شود. در شرایط کنونی سخت کوشی و سماجت لوازم فعالیت در این حوزه اند و با دریافتن لحظات و به کار بستن توانایی ها راه موفقیت هموار خواهد شد.

در خانواده ای فرهنگی زاده شد و محیط خانه او را از کودکی با هنر مأنوس ساخت. با ناز پروردگی خو نگرفت و در جوانی به ترجمه رو آورد. ویژگی صراحت و جسارت را در خود بارور ساخت و در مسیر ظرفیت سازی در دهه ۶۰ با ایده کتابفروشی به صحنه کسب و کار فرهنگی روی آورد. هشت سال بعد مسیر خود را به سمت دیگری سوق داد. به تأسیس گالری اندیشید. بالغ بر بیست سال است که این ایده را به نهاد تبدیل ساخته است.

**از نظر شما در شرایط حاضر چه فرصت های کسب و کاری برای جوانان علاقمند به حوزه فرهنگی-هنری وجود دارد؟**

فرصت همیشه هست، فرصت را باید دریافت، دریافتن لحظه و به کار گرفتن هوش و مهارت برای استفاده از آن بیش از هر چیز اهمیت دارد. اما راستش را بخواهید من چنین درایتی در جوانان امروز نمی بینم. شاید این مسئله به دلیل شرایط موجود است. وقتی ناامیدی در جوانان حاکم شود و امید به فرداها را از دست دهند، امکان برنامه ریزی بلندمدت برای آنان میسر نیست.

اکثر جوانان از هوش، استعداد و توانایی بالایی برخوردارند و چنانچه تلاش و جستجوگری را به ویژگی های خود بیافزایند می توانند از فرصت های موجود بهره برند.



# آموزش و پرورش فراتر از کار آفرینی فرهنگی

توران میرهادی  
موسس و مدیر شورای کتاب کودک و عضو کمیته علمی همایش



عشق به ایران، مردم و کودکان او را در مرز هشتاد سالگی همچنان پر شور نگاه داشته و با تجربه غنی خود در عرصه آموزش، نهاد سازی و شبکه سازی به جامعه فرهنگی نیز انرژی می بخشد.

**به پیشنهاد خانم میرهادی که سابقه ای بس دیرینه در امر آموزش دارند، طرح حذف بخش آموزش که از زیرشاخه های فرهنگ است از همایش امسال انجمن مطرح و با تصویب کمیته علمی از دستور همایش خارج و به همایش جداگانه ای موکول شد، دلیل این پیشنهاد را جویا شدیم، در پاسخ گفتند:** آموزش و پرورش از ارکان بسیار کلان هر کشور برای آماده کردن افراد به منظور حضور در اجتماع و گرداندن چرخه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور است. از این رو آموزش و پرورش را نمی توان صرفاً به حوزه فرهنگ محدود نمود. هرچه آموزش و پرورش قوی تر باشد مردم می توانند

حضور فعالانه تری در کلیه عرصه ها داشته و زندگی بهتری داشته باشند. از دیگر سو، یک فرد جامعه شامل مادران، پدران، معلمان و ... به نوعی با مساله آموزش و پرورش درگیر هستند، هرچند در این حوزه هم چون دیگر حوزه ها، امکان ایجاد کسب و کار و کار آفرینی میسر است اما نمی توان موضوع را تنها از بعد کار آفرینی بررسی کرد، بلکه لازم است به تمامی ابعاد آن و نقش تک تک افراد فعال در این حوزه چه کار آفرین و چه غیر کار آفرین توجه داشت. چراکه تمام آنان مسئولیت بسیار بزرگ تری که همانا پرورش فرزندان این مرز و بوم است را عهده دار هستند.

## اقتصاد فرهنگ با رویکرد کار آفرینی

دکتر سید محمد صحفی  
- معاون سابق وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی  
- مشاور رئیس پژوهشگاه صنعت نفت



اگر بتوان فرهنگ را نظام عقاید، ارزش ها، آداب و رسوم و مانند آن ها دانست که در میان یک گروه مشترک است، در این صورت تعامل های فرهنگی میان اعضای این گروه و یا میان آن ها و گروه های دیگر را می توان معامله یا مبادله کالا های نمادین یا مادی در چارچوبی اقتصادی مدل سازی کرد. همچنین می توان تولید و مصرف فرهنگی را با نگاه

صنعتی مورد ارزیابی قرار داد. اصطلاح «صنعت فرهنگی» به فرهنگ به عنوان وسیله فناوری و ایدئولوژی انحصار طلب سرمایه داری تفسیر می شود و مفهوم کالایی شدن فرهنگ از دل آن متولد می شود. اقتصاد فرهنگ ابتدا ویژگی هایی همچون:

- خلاقیت در تولید
- آفرینش و انتقال معنای نمادی
- دارا بودن ویژگی عقلانی
- را مورد بررسی قرار داده و سپس به زمینه ها و طیف های مختلف صنعت فرهنگ و وضعیت آن در اقتصاد ایران و جهان اشاره می کند.

## ضرورت ایجاد مراکز چند گانه خدمت رسانی به جوانان هنرمند

منیژه آرمین: مجسمه ساز



منیژه آرمین از هنرمندان برجسته حوزه سفالگری است، وی حدود ۳۰ سال سابقه کار داشته و تاکنون بیش از ۵۰ نمایشگاه انفرادی و گروهی برگزار کرده است. نظر او را در مورد فرصت های کسب و کار جوانان در حوزه مجسمه سازی چنین جویا شدیم:

به نظر من مجسمه سازی و به طور خاص سفالگری کاملاً قابل تبدیل به کسب و کار است،

زیرا این کار به سرمایه اولیه چندانی احتیاج ندارد و دو نیاز اصلی آن داشتن مکان و کوره است. که بسیاری از دوستان در خانه مجسمه سازی کرده و از کوره های عمومی استفاده می کنند.

به طور کلی مشکل اصلی در هنرهای تجسمی، نبود بازار بایان حرفه ای است.

برای رفع این مشکل از جمله طرح های قابل اجرا، ایجاد مراکز است که با در برداشتن بخش های چندگانه شامل کارگاه، فروشگاه، گالری و بخش بازاریابی داخلی و خارجی، علاوه بر شناساندن هنر و فرهنگ ایرانی، کسب و کاری برای جوانان هنرمند ایجاد کنند.



یکی از سه شرط داشتن تحصیلات سینمایی یا سابقه دستکاری در سینما و یا داشتن یک نمونه کار، را می‌داشت. و چون او حائز همه شرایط بود، توانست اجازه ساخت اولین فیلم سینمایی اش را بگیرد.

من به جوهر مقاومت و مبارزه در جهت بهتر کردن شرایط بسیار اعتقاد دارم، و شخصیت‌های فیلم‌هایم نیز اینگونه‌اند

### باورها در مسیر توسعه

پس از ساخت اولین فیلم، دو فیلم دیگر خود را نیز با همکاری تهیه‌کننده مستقل تهیه نمود. در سال ۱۳۷۰ وی با همکاری همسرش به ساخت فیلم نرگس پرداخت.

همسر وی نیز تحصیل کرده رشته سینما است و از ابتدا با وی همکاری می‌کرد. فیلم نرگس با موفقیت بسیاری روبرو شد و به عنوان دومین فیلم سال ۱۳۷۱ شناخته شد. به باور خانم بنی اعتماد برای ایفای مشاغل مانند فیلم‌سازی در جوامعی با سابقه فرهنگی مرد سالاران، تدابیری لازم است. وی می‌گوید: «نمی‌شود با تحمیل و زور، تفکری را که در رگ و پی فرهنگ وجود دارد تغییر داد، بلکه لازم است با تلاش فرهنگی، در باور مردم تأثیر گذاشت.» او در مورد خود می‌گوید: «از ابتدا به خود اجازه ندادم که هراس از موانعی که بر سر راهم بود مرا به انفعال بکشاند. آن چه که اهمیت داشت این بود که با اثبات توانایی‌ام به هیچکس اجازه ندهم از زاویه جنسیت من مانع بر سر راهم پیش آورد.» وی می‌افزاید: «به همان اندازه که حاضر نبودم کوچک‌ترین امتیازی را بابت زن بودنم بپذیرم، حاضر نبودم به عنوان یک فیلمساز هیچ امکانی را به این دلیل از دست بدهم.»

وی پشت کار و باور عمیق به توانستن و علاقه فراوان به کار را از عوامل مهم در رشد و موفقیت خود می‌داند و می‌گوید: «از کار کردن بیش از هر چیز لذت می‌برم.»

وی در مورد چالش‌های دوران توسعه می‌گوید: «مشکلات همیشه هست» و مهم این است که انسان چگونه با آنها روبرو شود. من به جوهر مقاومت و مبارزه در جهت بهتر کردن شرایط بسیار اعتقاد دارم، و شخصیت‌های فیلم‌هایم نیز اینگونه‌اند. نوبرکردانی، نرگس، طوبا و... در مقابل شرایط پرفشار تسلیم نمی‌شوند بلکه می‌ایستند و مبارزه می‌کنند» به عقیده وی موفقیت زندگی حرفه‌ای هر فرد، رضایت از کار و تلاش برای بهبود اثربخشی و تأثیرگذاری بر جامعه است که رضایت نیز انتهایی ندارد.

وی به خاطر مشکل فیزیکی که هم اکنون با آن دست به گریبان است، خود را قادر نمی‌بیند که تا چندی به عنوان کارگردان پشت دوربین برود. از دیگر سو قصد ندارد تا تجربه‌هایی را که در این سالها بدست آورده بایگانی کند، از همین رو بر آن است تا با جوانانی که به کارشان اعتقاد دارد، همکاری کند و می‌گوید: «گرچه کمتر از گذشته، ولی همچنان پرنرژی به کار خود ادامه می‌دهم.»

دارم خواهم رفت.» اما حساسیت اجتماعی-سیاسی که از سنین کودکی با او همراه بود و به تعبیر وی سبب شده بود تا اکثر نوشته‌های دوران نوجوانی اش رنگ و بوی اعتراضی بگیرند، تصویر را گویاتر از نوشته‌ها یافت و چنان به این مقوله علاقمند شد که پس از چندی نه تنها یک شغل بلکه به بخش بسیار مهمی از زندگی وی تبدیل شد.

پس از فارغ التحصیلی از مدرسه تلویزیون و سینما در سال ۱۳۵۳ وارد دانشکده هنرهای دراماتیک شده در رشته کارگردانی، مشغول به تحصیل شد. همزمان با تحصیل و اشتغال در تلویزیون، کار در رشته‌های مختلف سینما را نیز تجربه کرد.

### در مسیر جدید

او درباره دوران آغازین کار در نقش منشی صحنه می‌گوید: «به واقع شروع کار زمانی که هم در تلویزیون کار می‌کردم هم در دانشگاه درس می‌خواندم و هم پسر "تندیس" را باردار بودم و بعد هم که بچه دار شدم، زیاد ساده نبود و گاه آرزو می‌کردم که کاش شبانه‌روز بیش از ۲۴ ساعت بود.» وی می‌افزاید: «اعتقاد داشتم که باید میان کار، تحصیل، بچه‌داری و رسیدگی به امورات زندگی، یک هماهنگی و تعادل ایجاد کنم و حاضر نبودم که به نفع یکی از بخش‌های زندگی بخش دیگری را فراموش کنم. برای همین سخت تلاش می‌کردم و همیشه مشغول بودم.»

پس از فارغ التحصیلی از دانشکده هنرهای دراماتیک، وی مستندسازی در تلویزیون را آغاز کرد. همزمان در حوزه سینما نیز به عنوان دستیار کارگردان و برنامه ریز مشغول به کار شد.

پس از نزدیک به ۱۵ سال همکاری با تلویزیون ناگزیر به قطع همکاری خود با آن نهاد شد. وی در این رابطه می‌گوید: «به دلیل وابستگی شدیدی که به فیلم‌های مستند داشته و هنوز هم دارم، اگر امکان داشتم که در تلویزیون بمانم و مستندهایم را آنجا بسازم، هیچ وقت از تلویزیون بیرون نمی‌آمدم» وی در آن زمان چندین طرح مستند و داستانی را به تلویزیون ارائه کرد. که هیچ یک از آنها برای ساخت تصویب نشد. از جمله "طوبا" که ۱۶ سال بعد با تغییراتی بنا بر شرایط اجتماعی دوران خود، به اسم "زیر پوست شهر" ساخته شد.

فاصله خروج از تلویزیون تا مطرح شدن وی به عنوان کارگردان حرفه‌ای سینما، فراز و نشیب‌های بسیاری داشت. در آن زمان دختر وی "باران" تازه به دنیا آمده بود. او دوره‌ای به همراه جمعی از زنان همکار تلویزیونی اش به کارهایی کاملاً دور از فضای حرفه‌ای اش مثل آشپزی و خیاطی پرداخت. وی می‌گوید: «نفس کار کردن برای من اهمیت داشت، و همیشه به کاری که انجام می‌دادم مفتخر بودم و هرگز سرم را پایین نگرفتم.» وی معتقد است: «به هر کاری که با دیده احترام نگاه شود، آن کار معنا و هویت پیدا می‌کند.» او در مورد علاقه اصلی اش به کارگردانی می‌گوید: «چنین نبود که به آسانی در یک روز بر صندلی کارگردانی تکیه بزنم و می‌دانستم مسیری را در پیش رو دارم و برای رسیدن به هدف باید تلاش کنم»

در سال ۱۳۶۶ اولین فیلم بلند سینمایی خود را با نام «خارج از محدوده» کارگردانی نمود. وی با پشتکار بسیار توانست همکاری تعاونی فیلمسازان را که بنیاد مستضعفان شریک اصلی آن بود به عنوان تهیه‌کننده جلب نماید. آشنایی او با تعاونی فیلمسازان مربوط به ۶ سال پیش از آن بود که وی در سمت دستیار کارگردان در فیلم آفتاب نشین‌ها، حضور داشت. بر طبق قانون آن زمان، کارگردان برای ساخت اولین فیلم خود باید



# اثرگذاری در باورها با تلاش فرهنگی

رخشان بنی اعتماد: کارگردان سینما



علاقه وی به خواندن و نوشتن سبب شد تا او نسبت به انتخاب رشته ادبی در دبیرستان ترغیب شود. اما مخالفت شدید مادر از یک سو که فکر می کرد وقتی دخترش شاگرد اول است، اگر رشته ادبی بخواند حمل بر بی استعدادی خواهد شد و نیز علاقه او به ریاضیات از دیگر سو سبب شد تا به تحصیل در رشته ریاضیات بپردازد. قصد وی ادامه تحصیل در رشته معماری بود، که پس از فارغ التحصیلی از دبیرستان، در مدرسه عالی راه و ساختمان و نیز دانشگاه ملی برای رشته معماری پذیرفته شد. اما شرایط زندگی در آن زمان او را ناگزیر به کار کردن و کسب درآمد نمود.

هم زمان تلویزیون برای استخدام منشی صحنه اعلام نیاز کرد. او در آزمون مربوطه شرکت کرده و به عنوان منشی صحنه در تلویزیون مشغول به کار شد. خود در این باره می گوید: «در آن زمان رفتن من به سمت مقوله تصویر، تنها با هدف داشتن شغل بود.» هرچند از دوازده سالگی و از طریق تدریس به هم سالانش کسب درآمد را آغاز نموده بود، اما از ۱۸ سالگی و با حضور در تلویزیون به طور رسمی کار خود را آغاز کرد. همان زمان وی به مدرسه تلویزیون و سینما وارد شد و از آنجا که طبق قوانین نمی توانست همزمان در دو رشته تحصیل کند از خواندن رشته معماری منصرف شد. او می گوید: «به علت اهمیتی که کار کردن برایم داشت، استخدام شدن در تلویزیون را انتخاب کردم و از آنجایی که پذیرفته شدن در دانشگاه به دشواری امروز نبود، با خود فکر کردم پس از چندی دوباره امتحان داده و به دنبال رشته ای که دوست

با گذشت از دوازده بهار، حس مسئولیت را با تدریس خصوصی در متن زندگی جاری ساخت. با نوشتن خوگرفت اما تصویر را برای جامعه گویاتر یافت. مسیر پر فراز و نشیبی پشت سر نهاد و به عنوان نخستین زن کارگردان در پیوند با بخش خصوصی اقدام به ساخت فیلم بلند داستانی نمود. او تاکنون ۱۱ فیلم سینمایی و ۹ فیلم مستند به جامعه ایرانی ارزانی داشته و از خود چهره ای خوش نام ساخته است.

## همراه با او: از کودکی تا جوانی

حیات خود را از سال ۱۳۳۳ آغاز، کودکی را در محله نارمک تهران گذراند، او می گوید: «نوشتن را بسیار دوست داشتم و بیشتر از آن خواندن را» عشق به خواندن در او به حدی بود که تندخوانی را تمرین می کرد تا قادر باشد با مبلغی که برای کرایه کتاب در اختیار داشت، در روز چندین مجله و کتاب کرایه کند. او می گوید: «عادت تندخوانی از آن زمان در من باقی است و هنوز از آن بهره می برم.»

نمی شود با تحمیل و زور، تفکری را که در رگ و پی فرهنگ وجود دارد تغییر داد، بلکه لازم است با تلاش فرهنگی، در باور مردم تأثیر گذاشت





هزینه تامین وسایل از پس اندازی که در بانک داشت به اضافه اخذ وام جدید فراهم شد. وی می‌گوید: «با راه اندازی بخش کامپیوتر، اوضاع آتلیه بهتر شد و مشتریان زیادی جلب کردیم و پس از گذشت یک سال و نیم کار آتلیه خوب شد.»

برای جذب مشتریان، وی عکس‌های کامپیوتری را با قیمت کمتر گرفته و یک عکس نیز به عنوان هدیه به هر مشتری اهدا می‌کرد. از طرفی با کارت ویزیتی که برای خود تهیه نموده بود طرفداران بسیاری یافت به نحوی که افراد زیادی برای طراحی کارت ویزیت و کارت عروسی به وی مراجعه کردند، او دلیل اصلی رونق گرفتن کسب و کارش را بالا بودن کیفیت کار می‌داند و می‌گوید: «در ابتدای تاسیس آتلیه،

خانم‌ها برای گرفتن عکس به آتلیه ما می‌آمدند و همسرانشان به عکاسی دیگری که کمی پایین‌تر است مراجعه می‌کردند، اما با مقایسه کیفیت دو عکس، کم‌کم مردان نیز به آتلیه ما روی آوردند.» وی می‌افزاید: «در حال حاضر تمام پرسنل نیروی انتظامی مشتری ما هستند.»

با بهبود اوضاع آتلیه و در مهرماه ۱۳۸۵ او مادر خود را نیز از روستا به نهبندان آورد. در حال حاضر او مادر و سه خواهر و برادر خود را از نظر مالی پشتیبانی می‌کند، چندی است که در دانشگاه علمی کاربردی ثبت نام کرده و هزینه تحصیل خود را می‌پردازد. خواهر او چندی پیش ازدواج کرد و مسئولیت تهیه جهیزیه به عهده وی بود، علاوه بر آن برای خواهرش پروانه کار نیز گرفته است. او قصد دارد برای خواهرش دفتر خدمات کامپیوتری تاسیس کند و برای دو ماه نیز مکانی در کنار آتلیه خود اجاره کرد، اما از آن‌جا که هنوز وام مربوط به تجهیزات اخذ نشده، هم‌اکنون خواهرش در آتلیه در کنار او مشغول به کار است.

برادر وی در ابتدای کار در آتلیه با او همکاری می‌کرد، پس از مدتی او از طریق اخذ وام برای برادرش یک ماشین تهیه کرد. چندی پیش به دلیل بستری شدن برادر که ناشی از تصادف سنگین بود، مخارج درمان و تعمیر ماشین نیز به دوش او افتاد. به علاوه هم‌اکنون وی شهریه دانشگاه آزاد برادر دیگر خود را نیز می‌پردازد.

او می‌گوید: «در حال حاضر ماهانه حدود ۵۰۰ هزار تومان قسط می‌دهم بخشی از آن مربوط به اجاره و بخش دیگر قسط وام است.»

برادر وی در ابتدای کار در آتلیه با او همکاری می‌کرد، پس از مدتی او از طریق اخذ وام برای برادرش یک ماشین تهیه کرد. چندی پیش به دلیل بستری شدن برادر که ناشی از تصادف سنگین بود، مخارج درمان و تعمیر ماشین نیز به دوش او افتاد. به علاوه هم‌اکنون وی شهریه دانشگاه آزاد برادر دیگر خود را نیز می‌پردازد.

او می‌گوید: «در حال حاضر ماهانه حدود ۵۰۰ هزار تومان قسط می‌دهم بخشی از آن مربوط به اجاره و بخش دیگر قسط وام است.»

## همراه با چالش‌ها

فرآیند اخذ مجوز تاسیس عکاسی برای او دشوار بود، او می‌گوید: «در نهبندان خانم‌ها به دنبال تهیه پروانه کسب نمی‌رفتند و این مساله اصلاً جا افتاده نبود.» وی می‌افزاید: «اکثر مخالفت‌ها به خاطر عدم باور به توانایی من بود و می‌گفتند این کار انجام شدنی نیست. و از این رو سعی می‌شد به بهانه‌های مختلف در پیشرفت کار خلل ایجاد شود.» به علاوه اماکن نیز نسبت به این مساله حساس بوده می‌گفت مردها نباید در آن آتلیه رفت و آمد کنند. او پیگیری مداوم را عامل موفقیت خود

می‌داند و می‌گوید: «تلاش کردم تا تک‌تک بهانه‌ها را رفع کرده، کار را پیش ببرم.» از طرف دیگر خانواده او نیز نسبت به کسب و کار وی نگران بودند و در ابتدای کار با او مخالفت می‌کردند و می‌گفتند از پس این کار بر نمی‌آیی. وی اعتماد به نفس و پشتکار خود را دلیل اصلی موفقیتش می‌داند و می‌گوید: «من می‌دانستم که از پس انجام این کار بر می‌آیم، اما دعای مادرم نیز همیشه پشتوانه‌ام است.»

پس از موفقیت آتلیه عکاسی، دشواری‌های قانونی نیز کمتر شد، هنگامی که او برای اخذ پروانه کسب دفتر خدمات کامپیوتری برای خواهرش به سازمان‌های مربوطه مراجعه می‌کرد، با مشکلی مواجه نشد. او می‌گوید: «از آنجاکه نتیجه کار اول موفقیت آمیز بود، ادارات ذیربط برای کار جدید از من حمایت کردند.» وی در حال حاضر در حدود ۹ ساعت در آتلیه و ۴ ساعت در منزل کار می‌کند و می‌گوید: «علاقه بسیاری به کار کردن دارم، و برای به روز کردن دانش خود مدام CD ها و کتاب‌های آموزشی را مطالعه می‌کنم چون در شهرستان ما، کلاس‌های تخصصی برگزار نمی‌شود.» او بر آن است تا در مسیر توسعه نسبت به طراحی شیوه‌ای نو در کسب و کار شامل یک آتلیه مجهز، با تمام امکانات پیشرفته و پرسنل خانم اقدام نماید. او هم‌اکنون از اعضای هیات مدیره اتحادیه عکاسان نهبندان است ولی جنسیت مانع از انتخاب وی به عنوان رئیس اتحادیه شده است.

او می‌گوید: «افرادی که به حوزه کسب و کار قدم می‌گذارند علاوه بر حمایت‌های مالی به برخی حمایت‌های مشورتی نیز نیاز دارند.» وی به نهادهای حامی پیشنهاد می‌کند تا با بررسی مشکلات خانواده‌ها، افراد مستعد را شناسایی کرده و از هرکس در حد توان او حمایت کنند. او می‌گوید انجام برخی کارها به تنهایی ساده نیست ولی چنانچه خانم‌ها در گروه‌های چند نفره جمع شوند می‌توانند کسب و کارهای موفق‌تری ایجاد کنند. او عقیده دارد خانم‌های زیادی هستند که توانایی انجام کارهای متعدد و ایجاد کسب و کار را دارند ولی جرات ورود به این حیطه را ندارند از این رو مشاوره و راهنمایی می‌تواند مثبت بوده، سبب افزایش جرات آنان شود. وی می‌گوید: «امیدوارم تا روزی را ببینم که خانم‌ها دست کم گرفته نشوند و ما را باور کنند.»

# عزم کسب و کار با هنر در دیار محروم

معصومه نورمحمدی: موسس آتلیه عکاسی در نهبندان

« شش ماه پیوسته در یکی از عکاسی های شهرستان بیرجند بدون دریافت دستمزد کار می کردم. » در آن مدت کارهایی مثل گرفتن عکس، روتوش و چاپ را یادگرفت و پس از آن در دوره های دیگری چون کامپیوتر و آرایشگری که برای روتوش عکس و طراحی مفید بود، شرکت جست.

از دوازده سالگی که پدر را از دست داد، طعم مسئولیت را مزه کرد، انگشتان کوچکش با نوازش دارقالی در روستا در آمد ساخت، اما در دیاری محروم و در رویای نوجوانی به هنر عکاسی چشم دوخت. او مسیر را آنچنان هموار ساخت تا سرانجام آتلیه عکاسی خود را در نهبندان خراسان جنوبی بنا ساخت.

## در صحنه کسب و کار

پس از دو سال تصمیم گرفت که خود آتلیه عکاسی تاسیس کند و برای تاسیس آتلیه عکاسی از بیرجند به نهبندان نقل مکان کرد.

وی می گوید: «از آنجا که تا پیش از آن، تجربه تنها کار کردن را نداشتم ابتدا تصمیم گرفتم برای راه اندازی آتلیه با یک نفر شریک شوم، ولی توقع آن فرد از شراکت این بود که من به عنوان کارمند برایش کار کنم، از این رو با

توکل به خدا تصمیم گرفتم به تنهایی آتلیه را دایر کنم.» برای تاسیس آتلیه از کمیته امداد درخواست وام کرد، اما از آنجا که زمان طولانی باید منتظر می ماند، جداگانه اقدام نموده از طریق اداره کار یک میلیون تومان وام خوداشتغالی دریافت کرد، او نیمی از این مقدار را در بانک پس انداز نمود و پس از چند ماه برای خرید وسایل، از روی کارکرد حساب توانست پانصد هزار تومان دیگر وام بگیرد. پس از چندی و با پیگیری فراوان موفق به دریافت وام از کمیته امداد شده و از روی آن اقساط وام بانک را پرداخت کرد.

در ابتدای کار، تنها با دوربین فانوسی عکاسی می کرد، او می گوید: «در سال اول با مشکلات زیادی روبه رو بودم، شرایط به قدری سخت بود که حتی گاه در روز ۲۰۰ تومان درآمد نیز نداشتم و کرایه آتلیه را نیز از محل وام ها می پرداختم.» برای رونق بخشیدن به کسب و کار، نسبت به تهیه یک دستگاه کامپیوتر، فتوکپی و دوربین دیجیتال اقدام نمود.

## عبور سریع از کودکی

در سال ۱۳۶۰ در یکی از روستاهای اطراف نهبندان و در خانواده ای صاحب هشت فرزند متولدشد، وی تحصیلات ابتدایی خود را در روستا گذراند و پس از آن به بیرجند رفته تحصیلاتش را در شهر ادامه داد. او در بیرجند مدتی ساکن منزل خواهر بزرگترش بود و پس از آن در اقامتگاه کمیته امداد اقامت گزید.

او می گوید: «در زمان تحصیل تابستان ها در شهر می ماندم و به کلاس های فنی و حرفه ای می رفتم.» در سال ۱۳۷۲ پدرش فوت کرد. این حادثه سبب شد تا وی نتواند تحصیلات خود را به نحو دلخواه ادامه دهد و از رفتن به دانشگاه بازماند.

او می گوید: «پس از فوت پدر، عمده مخارج خانواده را مادر و خواهرم از طریق فرشبافی تامین می کردند، من هم تابستان ها به روستا می رفتم و در فرشبافی به آنان کمک می کردم، اما پس از چندی بینایی مادرم ضعیف شد و خواهرم نیز دستش را عمل کرد و فشار اقتصادی به خانواده افزایش یافت.» صدمات جسمی که در پی فرشبافی به خانواده اش وارد شد، سبب شد تا او از ادامه این کار منصرف شود و تصمیم بگیرد در شهر بماند و حرفه مورد علاقه خود را دنبال کند.

پس از گذراندن دوره های عکاسی در فنی و حرفه ای از سال ۱۳۸۰ به عنوان شاگرد در یک آتلیه عکاسی شروع به کار کرد. او می گوید:

افرادی که به حوزه کسب و کار قدم می گذارند علاوه بر حمایت های مالی به برخی حمایت های مشورتی نیز نیاز دارند.



# مانوس باقرآن

انس باقرآن او را در مسیری قرارداد تا فعالیت های اقتصادی و اجتماعی اش با مفاهیم قرآنی، هویت فرهنگی نوینی پیدا کند و برای ساختن نهادی «در انتظار یار» همه هستی مادی خود را در طبق اخلاص نهاد.

## آغاز راه

خانم شایسته در سال ۱۳۳۴ متولد شد، وی بر حسب علاقه رشته ریاضی را برای ادامه تحصیل برگزید و در مواجهه با دوران پر تب و تاب انقلاب به آموزه های مذهبی و علوم انسانی روی آورد. تحصیلات خود را تا کارشناسی ارشد فلسفه در دانشگاه تهران طی نمود. علاوه بر تحصیلات دانشگاهی، در حوزه نیز به تحصیل فلسفه پرداخت، و هم اکنون دانشجوی اجتهاد (دوره خارج) است. وی فعالیت های متعددی هم چون تدریس تعلیمات دینی در مدارس، تدریس در دانشگاه تربیت معلم، تدریس در حوزه و معاونت پژوهشی حوزه حضرت خدیجه را در کارنامه ۲۷ ساله سوابق حرفه ای خود ثبت نموده است. حضور هم زمان او در حوزه و دانشگاه سبب شد تا بیش از هر چیز به خلاء حاکم میان این دو بخش واقف شود و در صدد رفع آن اندیشه کند.

## در انتظار یار

او با این نگاه از دو سال و نیم پیش نسبت به تأسیس مؤسسه فرهنگی «انتظار یار» اقدام نمود. وی به دلیل کمبود منابع با اعمال تعمیراتی در منزل مسکونی خود، آن را در اختیار مؤسسه قرار داده و خود در خانه ای رهنی سکنی گزیده است. به گفته وی همسرش به اهداف او ایمان دارد و در این راه بسیار همکاری کرده است. مؤسسه فرهنگی انتظار یار، به منظور ایجاد جریان فرهنگی نوین در

تلفیق میان ارزش های دینی

و نیاز های جامعه امروز

و نهادینه کردن اخلاق

مهمترین ارزشی است که دنبال می کنیم

جامعه به طور کلی دو هدف عمده را برای خود تعریف کرده است. نخست برقراری تلفیقی میان ارزش های دینی و نیازهای جامعه امروز و به عبارت دیگر اقدام به منظور رفع خلاء موجود میان آموزه های دینی و آموزه های علمی و کاربردی کردن دین. دوم نهادینه کردن اخلاق ارزشی و گسترش کمالات انسانی در دانشجویان، به نحوی که این اخلاق با واقعیت های دنیای امروز چون لزوم معیشت اقتصادی و حضور در جامعه جهانی قابل پیاده سازی باشد. برای تحقق این اهداف تاکنون دو فعالیت را پی گرفته است. در پاسخ به خلاء موجود میان آموزه های دینی و آموزه های علمی، این مؤسسه طرح تربیت اندیشمند دینی را در دست اجرا قرار داده است. این



منصوره شایسته  
مؤسس و مدیر عامل مؤسسه انتظار یار

برنامه با رویکرد پرورش نخبگان چندوجهی طراحی شده و کلیه دروس آن (حتی دروس غیرمذهبی مانند زبان انگلیسی) قرآن محور هستند.

طراحی دروس را وی با همکاری استادان خود انجام داده است. به عقیده او قرآن قابلیت بسیار زیادی دارد، که متأسفانه معمولاً تنها به بخشی از آن توجه می شود.

دوره تربیت اندیشمند اسلامی در حال حاضر با ۳۵ دانشجو آغاز شده و قرار بر آن است که مرحله اول آن به صورت پایلوت طی یک دوره ۵ ساله برگزار شود. در بلند مدت این مؤسسه قصد دارد دوره های آموزشی خود را در غالب دانشگاه مجازی در سطح فرا ملی تعمیم دهد. اساسنامه این دانشگاه تهیه شده و برای برگزاری دوره های مقدماتی آن با یکی از دانشگاه های کشور توافقاتی صورت گرفته است. در پاسخ به نیاز دوم که همانا نهادینه کردن اخلاق ارزشی در فعالیت های روزمره است این مؤسسه برای ایجاد هم خوانی میان زندگی مادی و معنوی افراد نسبت به برگزاری سلسله نشست های خوش اندیشی اقدام نموده است، به باور وی، انسان کمال یافته فردی است که نسبت به مسیر زندگی خود احساس رضایت می کند. در طرحی پیشنهادی دیگر این مؤسسه قصد دارد تا دوره های رضایتمندی را جایگزین دروس معارف اسلامی دانشگاهی بنماید. علاوه بر فعالیت های اصلی، مؤسسه انتظار یار، نسبت به اجرای برخی فعالیت های جانبی چون طراحی انیمیشن هایی با مباحث ارزشی، برگزاری جلسات و همایش هایی به مناسبت های مختلف اقدام کرده است.

## چالش های همچنان همراه

او می گوید با آنکه حدود ۳ سال از راه اندازی این مؤسسه می گذرد، همچنان با چالش های اولیه دست بگریباندند و از این رو هنوز نمی توان میزان موفقیت مؤسسه را اندازه گیری کرد.

وی با این باور که قرار نیست مؤسسه به صورت خیریه اداره شود، آن را در وزارت ارشاد و به عنوان مؤسسه فرهنگی ثبت نمود. او می گوید: «در صورت گرفتن مجوز برای اعطای مدرک رسمی به دانشجویان انتظار می رود تا این مؤسسه قادر شود خود را اداره کند.» وی عمده مشکلات کنونی را در اجرای طرح های تصویب شده می داند و می گوید: «مشکلات و موانع اداری که پس از تصویب طرح و در زمان اجرا رخ می دهد، معمولاً بسیار وقت گیر و هزینه بر است.» او تنها پشتوانه خود را پس از لطف خدا توان شخصی اش می داند و امیدوار است مؤسسه در اجرایی کردن اهداف خود موفق به پرورش اندیشمندانی در سطح جهان شود.



## انتظار از همایش

جعفر صانعی مقدم  
- مدیر کل سابق ارزشیابی و نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
- کارشناس سینمایی  
- عضو کمیته علمی همایش



مثال را ذکر کردم تا عنوان کنم از نظر من این همایش چنین فرصتی را نیز در اختیار کارآفرینان قرار خواهد داد و می‌تواند به ایجاد زمینه‌های کاری مشترک منجر شود. از طرفی به نوکارآفرینان کمک می‌کند تا علاوه بر آشنا شدن با فرصت‌های کاری متنوع در مواجهه با الگوهای موفق بومی، در

انتخاب مسیر حرفه‌ای خود مصمم شوند. همان طور که می‌دانید حوزه فکری و فرهنگی دامنه بسیار گسترده‌ای دارد، و امکان ایجاد خلاقیت در این حوزه بسیار زیاد است. به علاوه گاه در کنار هم گرفتن مشاغل و حرف مختلف در قالب یک تشکل خود می‌تواند زمینه‌های ایجاد فرصت‌های کاری جدید را مهیا سازد.

برای حفظ ارتباطات ایجاد شده در همایش لازم است تا انجمن زنان کارآفرین نسبت به تهیه یک بانک اطلاعاتی کامل از زنان کارآفرین کشور اقدام نماید. جمع‌آوری اطلاعات حرفه‌ای زنان کارآفرین و حفظ ارتباط با آنان، خود می‌تواند عاملی جهت هر چه پربارتر شدن برنامه‌های آتی انجمن گردد.

با توجه به تجارب خود در پرورش جوانان در سینمای مستند به ویژه به هنگام مدیریت سینمای جوان لطفاً بفرمائید چه برداشتی از کارآفرینی فرهنگی زنان دارید؟ و انجمن زنان کارآفرین در راستای ترویج فرهنگ کارآفرینی چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد؟

برای سخن گفتن در این زمینه به تجربه زیادی احتیاج است. فکر می‌کنم تعاریف واژه‌های کارآفرینی و زنان هر دو مشخص است. به باور من زن کارآفرین فردی است که به معنای حرفه‌ای، وارد دنیای کسب و کار شده و قادر است برای عده‌ای دیگر اشتغال و درآمد ایجاد کند. زنان فعال زیادی هستند که فعالیت‌های غیراقتصادی دارند و از این رو نمی‌توانیم آن‌ها را کارآفرین بنامیم. خلاقیت از ویژگی‌های اساسی افراد کارآفرین است. آنان افرادی هستند که معمولاً کاری را برای اولین بار در منطقه خود آغاز نموده‌اند و یا ابداعی در نحوه انجام آن صورت داده‌اند.

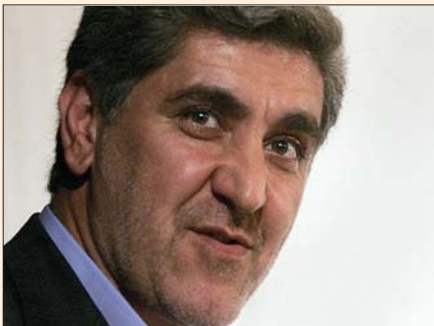
انجمن زنان کارآفرین به عنوان یک نهاد غیردولتی می‌تواند شرایطی را فراهم سازد تا از این طریق زنان کارآفرین با یکدیگر آشنا شده و نسبت به فعالیت‌های خلاقانه یکدیگر آگاه شوند.

**به طور مشخص انتظار دارید این همایش چه دستاوردهایی را در پی داشته باشد؟**

آشنا شدن افراد با یکدیگر و امکان تبادل ایده‌ها بسیار ارزنده خواهد بود. در بسیاری از نمایشگاه‌های صنعتی که در داخل کشور برگزار می‌شود، هدف آن است که شرکت کنندگان با تولیدات یکدیگر آشنا شوند، چه بسا در چنین موقعیتی هایی شرکت‌ها متوجه می‌شوند که کالای مورد نیاز آنها که همیشه از خارج تهیه می‌شده، در داخل کشور نیز تولید می‌شود. این

## آموزش اشتغال محور و تخصص محور

مجتبی آقایی  
- عکاس و عضو هیأت علمی جهاد دانشگاهی  
- عضو کمیته علمی همایش



این زمینه، امکانات و فرصت‌های موجود و... اطلاع داشته باشند. از این رو فارغ‌التحصیلان برای راه اندازی کسب و کار معمولاً با مشکلات زیادی مواجه می‌شوند.

مسئله دوم سیستم‌های جذب است. در حال حاضر در اکثر نهادها و ادارات دولتی به علت عدم توجه به معیارهای تخصصی از افراد غیر متخصص در حوزه عکاسی استفاده می‌کنند. و عموماً سیستم‌های جذب چندان تخصص محور نیست.

با توجه به بافت فرهنگی جامعه ما، به نظر می‌رسد که فرصت‌های زیادی در عرصه کسب و کار و کارآفرینی در رشته عکاسی برای زنان وجود دارد. به نظر شما چه اقداماتی برای ایجاد بستر مناسب برای حضور آن در عرصه عکاسی لازم است؟

بحث توانمندسازی جوانان برای ورود به عرصه کسب و کار در حوزه عکاسی، شامل دو محور اصلی است، اول آموزش است که باید هم اشتغال محور و هم تخصص محور باشد. از سال ۱۳۶۲ در نظام آکادمیک کشورمان، رشته عکاسی راه اندازی شد و اکنون این رشته تا مقطع کارشناسی ارشد ادامه یافته است. در این مدت بیش از پانزده هزار نفر از این رشته فارغ‌التحصیل شده‌اند که رقم بالایی است و می‌تواند به عنوان رکورد ثبت شود. اما اکثر آموزش‌ها تا کنون تخصص محور بوده و به بحث اشتغال توجه چندانی نشده است. حال آنکه فارغ‌التحصیلان برای ورود به بازار کار باید با مسائل متعددی در این رابطه آشنا باشند، به عنوان مثال باید از چگونگی اداره یک کارگاه یا آتلیه، قوانین اداره کار در





افرادی که به حوزه کسب و کار قدم می گذارند علاوه بر حمایت های مالی به برخی حمایت های مشورتی نیز نیاز دارند

گروه های مختلفی چون گروه فیلمنامه، گروه تولید، گروه گریم، گروه طراحی صحنه و لباس، دستیاران، گروه کارگردانی، عکاسی، لابراتوار، چاپ، مونتاژ، صدا در بخش تولید فعالیت می کنند. در تمام این حوزه ها، هم اکنون زنان بسیار موفقی حضور دارند. تنها حوزه فیلمبرداری است که به علت سنگین بودن کار، نشنیده ام که زنی وارد شود. در بخش صدا گذاری نیز زنان حضور فعالی ندارند هر چند که قادرند با ظرافت کامل از پس کار برآیند. به طور کلی در بخش تدوین و صدا به نیروی متخصص زیادی احتیاج است و امکان ایجاد کسب و کار در آن ها فراهم است.

در حوزه پخش نیز از تبلیغات گرفته تا طراحی و برقراری ارتباط با جشنواره های ملی و بین المللی و... فعالیت های متعددی می توان انجام داد. اما خاطر نشان کنم که هر چند سینما یکی از جذاب ترین حرفه های دنیا است، اما کار بسیار دشواری است و چنانچه کسی بخواهد به طور حرفه ای وارد این حوزه شود، لازم است حداقل ۳ سال وقت بگذارد تا دانش این کار را فراگیرد و سپس به کسب تجربه بپردازد تا آرام آرام حرفه ای شود.

این نگاه به بخش پشت صحنه وجود ندارد و عموماً در مورد بازیگری است که ریشه آن بر می گردد به فیلم هایی که پیش از انقلاب ساخته شد. من اکنون ادعا می کنم که سینما از سالم ترین حرفه های فعال در کشور است. به هر حال معضلات و ناهنجاری های اجتماعی همه جا وجود دارد، اما از نظر من در بخش های دیگر به مراتب از سینما بیشتر است. وقتی من، خانم بنی اعتماد یا آقای فراهانی فرزندانمان را به عنوان بازیگر وارد سینما می کنیم یعنی عمیقاً باور داریم که این محیط سالم است. به هر حال معمولاً زمان لازم است تا دیدگاه ها اصلاح شوند.

### از نظر شما چه فرصت های کسب و کار در حوزه سینما برای حضور جوانان علاقمند وجود دارد؟

واقعیت این است که در کشور ما سیستم ها به گونه ای نیست که به افراد فرصت داده شود تا خلاقیتشان را بروز دهند، حتی در مواقع بسیاری موانع بر راه شکوفایی استعدادها وجود دارد. از این رو افراد علاقمند موظفند که شخصاً این فرصت ها را برای خود به وجود آورند.

از طرفی در همین کشور امروزه بیش از صد فیلم سینمایی در سال تولید می شود. که اتفاق بسیار مهمی است. هر چه تولیدات بیشتر شود نیاز به نیروهای حرفه ای نیز افزایش می یابد.

یکی از مشکلات جوانان ما این است که عموماً دوست دارند سوپرستار شوند غافل از اینکه سینما صنعت بسیار بزرگی است، شامل بخش های متعدد: سینما از تولید شروع می شود و با پخش خاتمه می یابد.



# از جامه داری تا کارگردانی

منیژه حکمت: کارگردان سینما و عضو کمیته علمی همایش

باور دارم و اعتماد به نفس زیادی دارم از طرفی بسیار تلاش کرده‌ام و فکر می‌کنم توانسته‌ام سوار کار شوم و از مشکلات عبور کنم. تحمل، سواد و تلاش سه عاملی است که زن ایرانی را قادر می‌سازد تا بر موانع غلبه یابد.

## در حال حاضر شرایط را برای حضور زنان در عرصه کسب و کار فرهنگی چگونه می‌بینید؟

من همیشه گفته‌ام که اعتقاد دارم در دوران اصلاحات، فرصتی فراهم شد تا نهادها و تشکل‌های مدنی شکل بگیرند و مشارکت زنان در عرصه‌های فرهنگی اجتماعی افزایش یابد. از طرفی ما جدای از جامعه جهانی نیستیم و در حرکت کلی دنیا به سمت توسعه فرهنگی سهیم هستیم، هر چند ممکن است به خاطر مسائلی که داریم این مسیر را کندتر طی کنیم. در مورد حضور زنان به طور خاص، باید با نگاه تاریخی موضوع را بررسی کنیم شرایطی که الان حاکم است برآمده از یک سنت هزار ساله تاریخی است، باید بررسی کرد که زن در این فرآیند تاریخی چه جایگاهی داشته است. به هر حال به نظر می‌رسد هم اکنون زن ایرانی از خانه بیرون آمده و به دنبال شناخت هویت و ریشه خود است. و نمی‌توان این حضور را متوقف کرد. هر چند هنوز قوانین دست و پاگیری وجود دارد. ولی چنانچه زنان دارای خود باوری بوده و نسبت به کلیه قوانین آگاه باشند می‌توانند کسب و کارشان را

در سینما از ساده‌ترین کار یعنی جامه داری شروع کردم

و بعد از طی مسیر پرفراز و نشیب

اکنون موفق شدم

تادو شرکت را

راه اندازی کنم

طوری مدیریت کنند که این قوانین مانعی برای آنها نباشد.

به طور کلی در فرهنگ ما خانواده‌ها از حضور فرزندان‌شان در حوزه سینما استقبال زیادی نمی‌کنند و تا حدودی نگاه منفی نسبت به این حوزه وجود دارد شما به عنوان یک کارگردان زن و با تجارب خود در عرصه سینما فکر می‌کنید چطور می‌توان این نگاه را کم رنگ تر کرد؟

در سال ۱۳۴۱ تولدیافت، و پس از اخذ مدرک دیپلم، فعالیت هنری خود را در انجمن سینمایی اراک آغاز نمود. پس از ۳ سال وارد سینمای حرفه‌ای شد و در ساخت فیلم‌های متعددی در سمت‌های مختلفی چون منشی صحنه، دستیار کارگردان، تهیه‌کننده و مدیرتولید ایفای نقش کرد. او اولین فیلم بلند سینمایی خود را در سال ۱۳۷۸ کارگردانی نمود. گفتگویی با وی پیرامون چالش‌های زنان برای ورود به عرصه کارآفرینی فرهنگی انجام شد که در پی می‌آید:

## پیش از سؤال اصلی لطفاً ابتدا کمی در مورد نحوه ورود خود به حوزه فرهنگ و سینما بفرمایید.

من از ۱۵ سالگی به انجمن سینمای آزاد اراک وارد شده، کار خود را از آن دوران آغاز کردم. شانس بزرگ من این بود که آغاز کارم مصادف شد با انقلاب، دوران بسیار عجیبی بود دوران کشف و شهود؛ دست همه جوان‌ها کتاب، مجله و نشریه بود و همه به دنبال شناخت بودند. در همان زمان بود که من کتاب، موسیقی و فیلم را شناختم و در سینمای آزاد دوربین را کشف کردم. از دیگر شانس‌های من و هم نسلانم این بود که خیلی زود درگیر مسائل اجتماعی شدیم و با ابزارهایی که از طریق آن می‌توانستیم تفکرمان را به جهانیان عرضه کنیم آشنا شدیم. به طوریکه هم اکنون نیز هر روز با خواندن روزنامه‌ها و اخبار، سعی می‌کنم در جریان اتفاقات پیرامونم باشم و به عنوان یک انسان نسبت به تمام اتفاقات ناخوشایند اطرافم (چون افزایش آمار اعتیاد و...) احساس مسئولیت می‌کنم.

در سال ۵۹ به تهران آمدم و وارد سینمای حرفه‌ای شدم. در سینما از ساده‌ترین کار یعنی جامه داری شروع کردم و بعد از طی مسیر پرفراز و نشیب، اکنون موفق شدم تا دو شرکت بامداد فیلم و پرشین فیلم را راه اندازی کنم.

## چالش‌های شما برای حضور در عرصه فرهنگ چه بود؟

همان طور که گفتم دوران آغاز، دوران شیرینی بود. یاد نمی‌آید که آن سال‌ها بیش از دو-سه ساعت در شبانه روز خوابیده باشم چرا که مدام فکر می‌کردم از دنیا عقب هستم و تمام وقتم به خواندن کتاب و دیدن فیلم می‌گذشت. شروع کار در تهران برای دختری که تازه از شهرستان آمده بود آسان نبود به خصوص اینکه در آن زمان تعداد کمی فیلم در سال تولید می‌شد. من دوران اقتصادی سختی را گذراندم، اما همیشه به آینده فکر می‌کردم و به هر حال راه خود را باز کردم، شاید به این دلیل که خود را خیلی





دارد و صمیمیت و الفت خاصی میان بچه ها حاکم است. و حفظ این فضا برای من بیش از هر چیز اهمیت داشت.

### مسیر توسعه

در سال ۱۳۸۱ رئیس وقت سازمان میراث فرهنگی، با مشاهده فعالیت مؤسسه اطلاع رسانی مطبوعاتی و دریافت نظر مثبت نسبت به آن از یک سو و احساس ضعف اطلاع رسانی در حوزه میراث فرهنگی، پیشنهاد راه اندازی اطلاع رسانی فرهنگی را با وی مطرح نمود. سابقه این آشنایی به مصاحبه‌ای برمی گشت که او با رئیس سازمان میراث فرهنگی انجام داده بود. پس از انتشار مصاحبه، نظر رئیس سازمان جلب شده، از وی خواست تا برای اطلاع رسانی فرهنگی با آنها همکاری کند.

او می گوید: «ابتدا مطالعاتی در این حوزه انجام دادم و به این نتیجه رسیدم که در ایران هم می توان چون دیگر نقاط دنیا روزنامه نگاری تخصصی دائر نموده و خبرنگاران را طوری تربیت کرد که استعدادشان را در آن مسیر تخصصی (مثلاً فرهنگ) به کار برند.» وی ابتدا با تأسیس یک سایت خبری، کار را آغاز کرده پس از چندی آن را به خبرگزاری تبدیل نمود. مؤسسه اطلاع رسانی مطبوعاتی نیز به عنوان بخشی از خبرگزاری همچنان به فعالیت خود ادامه می دهد. برای راه اندازی میراث خبر، سازمان میراث فرهنگی علاوه بر در اختیار گذاشتن مکانی به مدت شش

ماه، دو قرارداد کاری نیز با وی بست، پس از ۶ ماه خبرگزاری میراث خبر، مکانی اجاره نمود و با فعال کردن بخش های انفورماتیک، گرافیک، دریافت تبلیغات و انتشار ۲ نشریه در حوزه های گردشگری و سینما، توانست برای خود درآمد ایجاد نماید.

او بزرگ ترین چالش آن دوران را برخوردهای غیر منصفانه همکاران می داند. و می گوید: برخی، از قراردادهای ما با میراث فرهنگی به عنوان رانت نام می بردند. و این حرف ها بیش از هر عملی مرا آزار می داد.

وی تأثیر بحث های غیر حرفه ای را در روند کار بسیار مشکل زا می داند و می گوید: «هرگز نشد که به خاطر تخصص، نوع مدیریت و حرکت های فرهنگی زیر سؤال بروم و معمولاً انتقادهای به خاطر کاری است که انجام نداده ام.»

وی برخی از موانع موجود را ناشی از جنسیت خود می داند و می گوید: «در جامعه ای که وزیر ارشد، تمام مدیران عامل خبرگزاری ها، مدیران مسئول روزنامه ها و... مرد هستند، ناچارم محتاطانه عمل کنم.» و می افزاید: چنین مشکلاتی بیش از هر چیز از من انرژی برده است.

چون مشکلات واقعی قابل حل هستند، ولی این مسائل غیر واقعی به دشواری رفع می شوند.» او در عین حال اذعان می کند: در مجموع از فعالیتی که آغاز کرده ام، علیرغم تمام سختی ها بسیار خشنودم زیرا که در درجه نخست مستقل کار کردن خود مدرسه بزرگی است که ضمن اینکه تمام کارهای یدی و عملی را در آن می آموزی، به تو یاد می دهد که چطور به یک نیروی غیر انسانی تکیه کنی، و دوم آنکه این کار سبب راه افتادن جریان های مؤثری در جامعه شده است.»

وی در حال حاضر مؤسسه خود را به یک شرکت مادر تبدیل نموده و در کنار خبرگزاری بخش هایی چون انتشارات، اطلاع رسانی، واحد انفورماتیک، واحد گردشگری، سازمان آگهی ها را فعال نموده است.

وی دانش تخصصی و هدفمند بودن را از عوامل اصلی موفقیت خود می داند، به مشورت با دیگران بسیار اعتقاد دارد و می گوید هیچ وقت فکر نمی کنم که مشکلات منجر به اتفاق ناگواری خواهد شد و مطمئن هستم که قادر به حل کردن آنها هستیم.

# از اطلاع رسانی مطبوعاتی تا خبرگزاری

مرجان شیخ الاسلامی: موسس و مدیرعامل خبرگزاری میراث خبر



جوانی را با روزنامه نگاری آغاز کرد. همواره دغدغه آن را داشت تا اطلاع رسانی را در سطح حرفه ای سامان دهد و بر آن شد تا ایده ای را به کسب و کار تبدیل کند. مسیر را با سایت خبری آغاز و سپس به خبرگزاری تبدیل کرد. گو اینکه به عنوان نخستین زن این عرصه مسیر پرچالشی را طی کرد اما همت او چنان بود که چندین فعالیت را همزمان در موسسه مادر سامان داد.

## کودکی و نوجوانی

مرجان شیخ الاسلامی در سال ۱۳۵۰ در کرمانشاه متولد شد، وی از چهارسالگی به همراه خانواده اش به اصفهان عزیمت کرد. از کودکی به خواندن و نوشتن علاقمند بود به نحوی که از سال های پایان دبستان داستان های مصور می نوشت. در دوران دبیرستان و دانشگاه نیز همواره به علت قلم خوبی که داشت مورد تشویق معلمان و اساتیدش قرار می گرفت.

پس از دبیرستان در رشته علوم آزمایشگاهی مشغول به تحصیل شد. وی می گوید: «فارغ از علاقه، هرگاه کاری را شروع می کردم، تا پایان آن را ادامه می دادم، پس از شروع به تحصیل در رشته علوم آزمایشگاهی نیز به شدت به آن علاقمند شدم و با اساتید پروژه های تحقیقاتی انجام می دادم.» هنگام گذراندن طرح در یکی از روستاهای اطراف اصفهان برای دانش آموزان مقطع راهنمایی و دبیرستان کلاس فوق العاده داستان نویسی و نقاشی دایر نمود و علاقه خود به حوزه علوم انسانی را پی گرفت.

وی پس از اخذ مدرک کاردانی در رشته علوم آزمایشگاهی، رشته علوم ارتباطات را برای ادامه تحصیل انتخاب کرده و تا مقطع کارشناسی ارشد ادامه داد.

## دغدغه ها و چالش ها در شکل گیری ایده

در سال ۱۳۷۳ به عنوان دانشجوی رشته ارتباطات به دانشگاه علامه وارد شد و از سال ۱۳۷۴ کار حرفه ای خود را به عنوان روزنامه نگار آغاز کرد. وی سپس به فعالیت حرفه ای خود تحت عناوینی چون دبیر سرویس و سردبیر نشریه در نشریاتی چون ایران و زنان ادامه داد. دو سال بعد در حالیکه هنوز دوره تحصیلی خود را به پایان نرسانده بود نسبت به راه اندازی یک مؤسسه اطلاع رسانی مطبوعاتی

اقدام کرد. وی در این باره می گوید: «همیشه این دغدغه با من بود که مجموعه ای را که هم جوابگوی نیاز جامعه خبری باشد و هم محیط کاری مناسبی از جهت روابط انسانی داشته باشد، راه اندازی نمایم.»

وی تصمیم راه اندازی مؤسسه را با معاونت مطبوعاتی وقت وزارت ارشاد مطرح کرد. اما از آنجایی که چنین کاری تا کنون در کشور ما نشده بود، آنها از وی خواستند که آئین نامه مؤسسه را تهیه نماید، تا بتوانند براساس آئین نامه مجوز فعالیت صادر کنند. او آئین نامه مربوطه را تهیه و مجوز فعالیت را دریافت نمود. بر این اساس مؤسسه

اطلاع رسانی مطبوعاتی از سال ۱۳۷۶ با ۳ نفر کارمند فعالیت خود را آغاز کرد. او اجاره دفتر موسسه، را از محل دستمزدی که از فعالیت مطبوعاتی خود بدست می آورد پرداخت می کرد. او می گوید: «به طور همزمان در چند جا کار می کردم و مکان را از یک آشنا با اجاره کمتری اجاره کردم. اما در ابتدا هیچگونه تجهیزاتی حتی کامپیوتر

و فکس نیز نداشتیم و تمام امکانات را به تدریج از محل درآمد مؤسسه تأمین کرده، توانستیم مکان بهتری نیز اجاره کنیم.»

این مؤسسه به طور حرفه ای در حوزه تخصصی علوم ارتباطات فعالیت می کرد و پس از ۵ سال در حدود ۱۵ نیروی تمام وقت و چند نفر پاره وقت را در اختیار گرفت و پروژه های موفق چون تهیه استراتژی برای روابط عمومی سازمان های دولتی، بررسی نشریات سازمان های دولتی از منظر تخصصی را به انجام رساند. او در مورد چالش های دوران آغاز می گوید: «کار کردن سخت است و بالا و پایین زیادی دارد و من فکر می کنم یا کسی نباید کاری را شروع کند، یا اگر شروع کرد باید پای سختی های آن هم بایستد.» او می افزاید: آنچه برای من خیلی اهمیت داشت این بود که نمی خواستم مجموعه ای را که جمع کرده ام از هم بپاشد. محیط کار ما فضای منحصر به فردی

همیشه این دغدغه با من بود که مجموعه ای را که هم جوابگوی نیاز جامعه خبری باشد و هم محیط کاری مناسبی از جهت روابط انسانی داشته باشد راه اندازی نمایم



## خانم سروت عسگری رانکوهی عضو انجمن و کمیته اجرائی همایش

ظاهراً علاقه شما به توسعه فرهنگ ایرانی و به ویژه فرهنگ محلی، سبب شده تا کسب و کار خود را در این مسیر شکل دهید. لطفاً مختصری در این باره توضیح فرمایید.

به باور من غذا جزئی از فرهنگ یک ملت است و حفظ غذاهای سنتی پاسداری از فرهنگ است. آشپزی ایرانی به عنوان یکی از وجوه مهم فرهنگ خاورمیانه شناخته می‌شود که دو شاخه مهم آشپزی جهان امروز «آشپزی هندی» و «آشپزی ترکی و عربی» از تنه آن روییده‌اند و توانسته یکی از سه «مکتب مادر» آشپزی در جهان را پدید آورد. با توجه به اهمیت آشپزی در دوران گذشته و اینکه وقت قابل توجهی از روز را به خود اختصاص می‌داد می‌توان آن را در کنار دیگر هنرهای سنتی این سرزمین مانند فرش‌بافی، شعر و تهذیب قرار داد و به عنوان یکی از وجوه دوام و بقای هویت ملی ایرانیان به آن نگریست.

اما همانطور که استحضار دارید، صنعتی شدن و رشد شهرنشینی موجب دگرگونی‌های اقتصادی- اجتماعی سیاسی و فرهنگی در جوامع شده است. که جدایی محل کار و خانه و شکل‌گیری نهادهای جدید از آن جمله است. برخی از این نهادهای جدید کارکردهای خانواده را به خود اختصاص داده‌اند مانند تربیت فرزندان که امروزه عموماً به آموزش‌های رسمی و غیررسمی سپرده شده است.

غذا خوردن در خانه نیز از مواردی است که تحت تأثیر این پدیده قرار گرفته امروزه خوردن غذاهای حاضری و آماده داخل یا بیرون از خانه به امری به هنجار و عادی تبدیل شده است که در واقع حاکی از تحولی اساسی در فرهنگ ایرانی است. و به همین ترتیب کارکرد خانواده به مرور در حال تضعیف است.

از این رو ما درصدد شدیم با تهیه مواد اولیه قابل طبخ غذاهای بومی و غیربومی، جایگزین مناسبی برای شرایط جدید فراهم نماییم.

حضور مستمر این کسب و کار بعد از گذشت ۲ سال از آغاز آن نشان از اقبال عمومی به این امر بوده است.

## آزاده داننده

### عضو انجمن و کمیته اجرائی همایش

شما از اعضا نسبتاً جدید انجمن هستید، بفرمایید انتظار شما از این همایش چیست؟

من امیدوارم که این همایش فرصتی را فراهم کند تا ظرفیت‌های زنان کارآفرین به نمایش درآید، و از طرفی امکانی باشد برای ایجاد ارتباطات گسترده میان زنان کارآفرین تا از این طریق سرنخ‌هایی برای توسعه کسب و کار خود بدست آورند.

از نظر من مخاطبین اصلی همایش زنانی هستند که پتانسیل کارآفرین شدن را دارند و از این طریق فرصتی می‌یابند تا قابلیت‌های پنهان خود را به فعل درآورند. مهم آن است که این ظرفیت‌ها در قالب یک تشکل ظهور یابد.

نقش انجمن زنان کارآفرین در این حوزه چیست؟

انجمن نقش بسیار مهمی در اطلاع رسانی و ایجاد ارتباط میان زنان کارآفرین دارد. چراکه آنان از این طریق با فعالیت‌های یکدیگر آشنا شده و نیز از ابتکارات و نوآوری‌های یکدیگر در زمینه کسب و کار آگاهی می‌یابند. از طرفی زنان کارآفرین علاوه برداشتن نقش اقتصادی پیشین با عضویت در انجمن می‌توانند در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز ایفای نقش نمایند. از جمله امکانات دیگر انجمن ارائه مشاوره‌های حقوقی، اقتصادی به کارآفرینان و کمک به نوکارآفرینان در تهیه طرح‌های تجاری است.

## راما وزیری

### عضو انجمن و کمیته اجرائی همایش

در تیم اجرایی برنامه همایش ظاهراً شما در آرایش مکان همایش نقش فعالی دارید. لطفاً بفرمایید با چه هدف و انگیزه‌ای این مسئولیت را به عهده گرفتید؟

با توجه به اینکه زمینه کاری خود من دکوراسیون و طراحی داخلی است. فکر کردم می‌توانم در این حوزه کمک کنم. زیرا باور دارم که فرقی نمی‌کند یک هنرمند، منزل را دکور کند یا محل کار یا یک سالن همایش را، بلکه مهم آن است که شخص با دید هنری به موضوع نگاه کند و ارزش کار هنری همه جا یکسان است.

به نظر شما چطور می‌شود سنت‌های فرهنگی را در قالب کسب و کار دوباره احیاء کرد؟

وقتی از کسب و کار صحبت می‌کنیم یعنی باید درآمد وجود داشته باشد که لازمه آن وجود بازار است. بازار را نیز سلیقه مشتری تعیین می‌کند. پس قبل از هر چیز باید سلیقه مشتری را شناخت.

در حال حاضر بسیاری از هنرهای سنتی و صنایع دستی ما به صورت کلیشه‌ای است. و برای خروج آن از کلیشه نوآوری و خلاقیت لازم است. با ابتکار عمل و خلاقیت می‌توان هم مشتری را جذب کرد و هم هنرهای سنتی را حفظ نمود.



## گفتگو با سایر همکاران همایش

### شب‌نیم بهرامی

#### مسئول گروه ارتباطات انجمن و عضو کمیته اجرایی همایش

#### شما در برگزاری این همایش چه نقشی دارید؟

در تقسیم کار انجام شده در کمیته اجرایی من مسئولیت فعالیت‌های رسانه‌ای همایش و نیز هماهنگی‌های لازم جهت پذیرائی را به عهده گرفته‌ام.

**ظاهراً بخشی از فعالیت‌های حرفه‌ای شما به خبرنگاری اختصاص دارد. این حوزه نزدیک به موضوع همایش امسال انجمن یعنی کارآفرینی فرهنگی است، لطفاً مختصری از فعالیت‌های خود در این زمینه و تأثیر آن بر سایر فعالیت‌های خود را بیان فرمائید.**

من فارغ التحصیل کارشناسی ارشد ارتباطات هستم و کار روزنامه‌نگاری را از دوران دانشگاه آغاز کردم. خبرنگاری در روزنامه‌های مختلف این امکان را در اختیارم گذاشت تا به برخی از کشورها به ویژه جنوب شرق آسیا و نیز بسیاری از استان‌های کشور سفر کنم و با فعالیت‌های اقتصادی زنان در عرصه‌های اقتصاد و کارآفرینی آشنا شوم.

با انجام تحقیق بر روی بیش از ۱۰۰ سازمان غیردولتی فعال در امور زنان به این نتیجه رسیدم که فعالیت‌های همه آنان به نوعی مرتبط با مسائل اجتماعی و امور خانوادگی است و هیچ‌یک در ارتباط با فعالیت‌های اقتصادی زنان تمرکز ندارند. با تعدادی از خانم‌های بازرگان عضو اتاق تهران در این زمینه صحبت کردم و طرحی را حاضر کرده که پس از مدت‌های مدید پی‌گیری به عنوان شورای بانوان بازرگان اتاق تهران در اسفندماه ۱۳۸۳ راه اندازی شد. پس از آغاز به کار شورا من نیز به دلیل فعالیت‌هایم در حرفه روزنامه‌نگاری به عنوان مسئول روابط عمومی اتاق تهران و همچنین هماهنگ‌کننده امور شورای بانوان بازرگان منصوب شدم و از حرفه خبرنگاری به کار اجرایی روی آوردم. به تدریج به این باور رسیدم که بیشترین احتمال رسیدن یک زن به یک جایگاه شغلی قدرتمند زمانی است که خود بنیانگذار یا وارث یک شرکت تجاری باشد به همین دلیل تصمیم گرفتم، این بار به جای یک فرد جویای کار خود یک کارآفرین باشم تا بتوانم در زمینه کاری مرتبط با زنان در آینده مؤثرتر، جدی‌تر و موفق‌تر عمل نمایم. هم‌زمان در دی ماه ۱۳۸۵ مسئولیت امور زنان بازرگان اتاق تهران را عهده دار شدم. با اطلاع رسانی موثر انجام شده و تشکیل جلسات متعدد موفق به افزایش تعداد زنان بازرگان از ۷۰۰ نفر به بیش از ۱۴۰۰ نفر شده‌ایم که این میزان آمار در ارتباط با تعداد حضور زنان در اتاق‌های بازرگانی بی سابقه است و روند به وجود آمده همچنان ادامه دارد. هم‌زمان از نزدیک با فعالیت‌های انجمن زنان مدیر کارآفرین آشنا شده و به عضویت آن در آمدم. و اخیراً مسئولیت کمیته ارتباطات انجمن را عهده دار شدم. امیدوارم در این انجمن نیز بتوانم نقش مؤثری ایفا کنم.



### زهرا اصغری

#### عضو انجمن و کمیته اجرایی همایش

**از آنجا که شما به عنوان یکی از کارآفرینان برتر استان خراسان جنوبی شناخته شده‌اید به نظر شما به طور کلی چه فرصت‌هایی برای حضور زنان در عرصه کارآفرینی فرهنگی در منطقه وجود دارد؟**

فرصت‌های کسب و کار فرهنگی زنان را در استان خراسان جنوبی از سه منظر می‌توان بررسی کرد. نخست آنکه با توجه به اهمیت سنت‌های منطقه می‌توان نسبت به بازتولید و احیاء محصولات خانگی و صنایع دستی از قبیل نان خانگی، شیرینی، ترشی و مرباجات، گل‌سازی، فرش بافی، گلیم بافی، حجیم بافی، حوله بافی، گلدوزی و خیاطی و کوزه‌گری و... اقدام نمود. البته باید توجه داشت که برای استقبال بازار از هنرهای سنتی باز تولید شده، توجه به نیاز مشتری و استفاده از تکنولوژی روز و مدیریت صحیح کسب و کار اهمیت دارد. دوم آنکه لازم است تا زنان منطقه با هویت فرهنگی خود آشنا شده و توانمندی‌های خود را در جهت پاسخ به انتظارات جامعه افزایش دهند و سوم آنکه از طریق آموزش و افزایش اطلاعات و دانش تخصصی جایگاه خود را در اجتماع استوار سازند.

**نقش نهادها و انجمن‌های مرتبط چون انجمن زنان کارآفرین را در این حوزه چه می‌دانید؟**

این انجمن‌ها دو رسالت اصلی به عهده دارند که عبارتند از: اول تشویق و ترغیب زنان به حضور در عرصه کسب و کار و راه اندازی فعالیت‌های جدید، از طریق انگیزه بخشی و ایجاد خودباوری در آنان. دوم تلاش برای ایجاد فضایی مناسب در سطح جامعه به نحوی که زنان کارآفرین به عنوان عناصر فعال در حوزه اجتماعی و اقتصادی مورد پذیرش قرار گیرند.





## شکست ناپذیری و خستگی ناپذیری مهمترین عوامل رشد

چیستا یثربی: کارگردان تئاتر

را برای کارگردانی به فرد دیگری ارائه دهم. در سال های اولیه شرایط تمرین بسیار دشوار بود، و ناچار بودیم در اتاق های ۳در۴ منازل اعضاء گروه تمرین کنیم و نمایش ها را رایگان اجرا نماییم.

من فکر می کنم شکست ناپذیری و خستگی ناپذیری دو عامل بسیار اصلی در مسیر رشد من بود تا اینکه با پشتکار فراوان توانستم مسئولان را نسبت به تماشای یکی از کارهای خود قانع کنم و این مشاهده سبب شد تا مجوز ورود به جشنواره تئاتر فجر را بگیرم و در نهایت کسب جوایز متعدد در همان جشنواره منجر به پذیرفتن من به عنوان یک کارگردان تئاتر شد.

### از نظر شما در حال حاضر چه فرصت های کاری برای علاقمنده به حوزه تئاتر وجود دارد؟

من فکر می کنم در حال حاضر نسبت به گذشته شرایط حضور زنان در این عرصه از یک طرف مهیاتر و از دیگر سو محدودتر شده است. فضای امروز بیشتر پذیرای حضور زنان است و اگر فردی با دانش و مهارت کافی پا به این عرصه بگذارد و کار کیفی ارائه دهد امکانات رشد برایش مهیا است. اما همین بازتر شدن فضا نسبت به گذشته خود سبب افزایش فعالان این حوزه شده و رقابت را دشوارتر ساخته است. از طرفی احاطه نهادها و گروه های مختلف بر حوزه تئاتر، مستقل کار کردن را تقریباً امکان ناپذیر کرده و افراد برای ورود به این حوزه ناگزیر از شروع همکاری با گروه های شناخته شده هستند.

در مجموع در تئاتر فرصت های کاری متعددی مانند طراحی لباس، طراحی صحنه، گریم، ساخت عروسک، بازیگری، کارگردانی و ... برای زنان وجود دارد و چنانچه آنان به توانایی خود اعتماد داشته و با انگیزه در این راه قدم بگذارند می توانند به موفقیت هایی دست یابند.

او در سال ۱۳۴۷ در خانواده ای فرهنگی متولد شد، وی از کارگردانان موفق کنونی در حوزه تئاتر است. گفتگویی در زمینه چالش ها و فرصت های کارآفرینی فرهنگی با وی انجام شده که در پی می آید:

### خانم یثربی شما از اهالی جوان حوزه تئاتر هستید، با توجه به تحصیلات دانشگاهی خود، چه شد که به این حوزه وارد شدید؟

من از کودکی علاقه فراوانی به نمایش داشتم و از همان دوران در مدرسه به اجرای نمایش می پرداختم، اما از ابتدا تصمیم قطعی من برای انتخاب رشته روانشناسی بود، از همین جهت با وجود علاقه فراوانی که به تئاتر داشتم، روانشناسی را به عنوان رشته دانشگاهی خود برگزیدم و تا آخرین مقطع نیز ادامه دادم. برای اتصال دو حوزه مورد علاقه ام نسبت به تأسیس مرکز تئاتر درمانی در دانشگاه الزهرا اقدام کردم. از طرفی از همان دوران دانشجویی به عنوان منتقد و نویسنده با مطبوعات همکاری می کردم و بعد از ظهرها که در دانشکده کلاس نداشتم به تئاتر شهر و یا دیگر سالن های تمرین تئاتر رفته از نزدیک با نحوه کارگردانی و تمرین تئاتر آشنا می شدم و چون آن زمان مرا به عنوان منتقد می شناختند اجازه می دادند در تمرین ها به عنوان ناظر حضور داشته باشم.

### از چه زمانی کار حرفه ای را در حوزه تئاتر شروع کردید، چالش های اولیه شما برای ورود به این حوزه چه بود؟

من از سال ۱۳۶۸ به عنوان منتقد و نویسنده فعالیت می کردم از همان سال نمایشنامه هایم به صورت تئاتر اجرا می شد اما ۵ سال طول کشید تا به عنوان کارگردان پذیرفته شوم. در تمام این ۵ سال نیز درخواست کارگردانی نمایشنامه هایم را داشتم اما همگی آنها رد شد و علت رد شدن را عدم توان من در اجرای نمایشنامه ها عنوان می کردند و از من می خواستند تا نمایشنامه ها





**چه پیشنهادی برای علاقمندان به حوزه معماری و شهرسازی برای شروع کار دارید و از نظر شما اکنون چه فرصت‌های کسب و کار در این حوزه برای تازه واردین وجود دارد؟**

من شخصاً تمام کارمندهای خود را از دانشجویان انتخاب کرده‌ام به نحوی که اکثر کارمندانم کارشناسی و کارشناسی ارشد خود را در طول کار گرفته‌اند. از آنجا که به ایجاد فرصت برای جوانان بسیار اعتقاد دارم، کارآموزان زیادی را می‌پذیرم و هرچند هیچ عمدی در کار نبوده اکنون اکثر کارمندان ما خانم هستند چرا که خانم‌ها با دقت بیشتری کار می‌کنند و من شخصاً سلیقه آنها را در طراحی بسیار می‌پسندم اما برای تأسیس کسب و کار اولاً فکر می‌کنم هر فرد پیش از شروع کار مستقل باید تجربه و مهارت کافی را کسب کرده باشد و از دیگر سو متأسفانه از نظر فضای اقتصادی-اجتماعی شرایط سال‌های اخیر را مساعد نمی‌بینم و از این رو برای ورود به بازار ریسک بیشتری نیاز است.

### **خانم مهناز بهرامی مسئول دفتر انجمن همایش**

**شما برای برگزاری همایش کارآفرینی فرهنگی زنان زحمت زیادی کشیده‌اید تا چه اندازه به کار خود علاقمندید؟ از آنجایی که اولین تجربه کاری خود را در همین انجمن آغاز کردم، امکان مقایسه نوع کار برایم میسر نیست. اما به شخصه فعالیت‌های انجمن را دوست دارم.**

**شما به عنوان فردی که در انجمن ارتباط زیادی با زنان کارآفرین دارید، چه ویژگی‌های خاصی در آنان می‌بینید؟** آنچه بیش از همه توجه مرا به خود جلب کرده فعالیت زیاد و پرکاری این افراد است. به نحوی که خسته نمی‌شوند. و انرژی و زمان زیادی برای کارشان صرف می‌کنند.

**کتایون سپهری  
عضو انجمن و کمیته اجرایی همایش**  
**به نظر شما برای پویایی اهداف همایش، انجمن چه نقشی باید ایفا کند؟**

پرسش کاملاً به جایی است، چون در بسیاری مواقع صحبت‌ها و مطالب ارزنده بدون پیگیری رها می‌شوند و به نتیجه عملی نمی‌رسند، من خود نسبت به این موضوع بسیار حساسم و فکر می‌کنم در قطعنامه نهایی همایش که حاصل جمع بندی صحبت‌های ارائه شده در سخنرانی‌ها و مشکلات بررسی شده در میزگرد است، برنامه‌های عملی مشخص شوند و سپس تیمی مسئولیت پیگیری آنها را به عهده گیرد. برنامه‌ها می‌توانند حاوی یک سری مذاکرات با مسئولین مربوطه، پیگیری اجرای طرح‌های تحقیقاتی و پروژه‌های پژوهشی باشند و کمیته پیگیری تلاش کند تا برنامه‌های تعیین شده، در زمان مشخص به اجرا رسند. بدین ترتیب می‌توان امیدوار بود که از این همایش دست‌آوردهایی حاصل شود.

### **بهنوش باختری عضو انجمن و کمیته اجرایی همایش**

**با توجه به اینکه حوزه فعالیت‌های شما از جمله محورهای همایش اخیر است، لطفاً مختصری در ارتباط با کسب و کار خود توضیح دهید.**

من فارغ التحصیل کارشناسی ارشد شهرسازی از انگلستان هستم. پس از اتمام تحصیل و به همراه همسر با هدف کمک به بازسازی کشورمان در دوران جنگ به ایران برگشتیم. پس از چندی در سمت مدیر بخش طراحی در وزارت نیرو کار خود را پی گرفتیم. در اواخر دهه هفتاد با خروج از بخش دولتی نسبت به تأسیس دفتر کارا اقدام کردم که در زمینه دکوراسیون داخلی، معماری، برگزاری نمایشگاه، امور چاپی و... فعالیت می‌کنم.



## چالش‌ها و راهکارها

به باور او هر چند در فرهنگ ما محدودیت‌هایی برای زنان وجود دارد، اما باید دانست که در عین محدودیت، احترام ویژه‌ای به آنان گذاشته می‌شود. او می‌گوید: «در ابتدای کار امکان ورود من به عنوان یک زن در برخی حوزه‌ها میسر نبود، اما در حوزه‌هایی که وارد شده و نقش خود را درست و حرفه‌ای انجام می‌دادم، احترام مضاعفی گذاشته می‌شد. یعنی گاه برخی درها به روی من گشوده بود که برای دیگران بسته بود.» وی جدیت، میزان تسلط بر کار، دانش حرفه‌ای، تجربه و آراستگی ظاهر را از شروط لازم برای پذیرفته شدن در مجامع حرفه‌ای می‌داند و می‌گوید: «هر چه زنان موازین جامعه را رعایت کرده و مطابق آنها حرکت کنند، بیشتر مورد پذیرش قرار خواهند گرفت.» وی با اشاره به عوامل موفقیت خود می‌گوید: «چون اکثر جامعه، زنان را به خوش سلیقه‌گی می‌شناسند، چنانچه ثابت کنیم دید حرفه‌ای نیز در کنار سلیقه وجود دارد. اعتماد مشتریان جلب خواهد شد.»

او عمده‌ترین مشکل شرکت‌های تبلیغاتی را نداشتن مشتریان مداوم می‌داند و می‌گوید: متأسفانه در کشور ما با تغییر مدیریت تمام استراتژی‌های شرکت شامل روش‌های بازاریابی و تبلیغات و... تغییر می‌کند و از این رو گاه شرکت‌های تبلیغاتی نوپا به شدت ضربه می‌خورند.

او وجه تمایز خود را با شرکت‌های مشابه، در استفاده از مشاوران و تمکین از نصایح آنان می‌داند و می‌گوید: شرکت ما از روز اول که جثه کوچکی داشت، مشاوران کوچکی داشت و اکنون که بزرگ شده از مشاوران نام‌آور استفاده می‌کند. چرا که از ابتدا می‌دانستم با بسیاری از مسائل مربوط به مدیریت آشنایی ندارم و لازم است از نظرات اهل فن استفاده کنم. وی نگاه به آینده و پیشرو بودن در استفاده از تکنولوژی‌ها و دانش جدید را از دلایل موفقیت خود برمی‌شمارد. از نظر وی هم اکنون در حوزه تبلیغات شرایط کاری مناسبی برای تازه واردان فراهم است. و چنانچه جوانان علاقمند نسبت به بالا بردن سطح دانش و آگاهی تخصصی خود بکوشند و بر مهارت‌های شخصیتی چون صبر و شکیبایی، کنترل خشم و... بیفزایند، می‌توانند در این حوزه موفق شوند.

زندگی خانوادگی مسلماً اولین مسئله‌ای است که هر زن شاغل با آن روبرو است. وقتی فرد شاغل از خانه خارج می‌شود، می‌تواند مسائل مربوط به خانه را برای مدتی کنار بگذارد و وقتی به خانه برمی‌گردد، مسائل کاری را فراموش می‌کند. ولی ایفای همزمان دو نقش در یک مکان کار دشواری بود. به خصوص اینکه دخترم که در آن زمان تازه به مدرسه رفته بود پس از بازگشت از مدرسه علاوه بر احتیاج به فضایی برای بازی از من انتظار داشت که با او در خواندن درس‌هایش همراهی کنم.

در آن زمان وی یک همکار داشت و یک نفر هم به عنوان پیک با آنها همکاری می‌کرد. پس از حدود ۸ ماه موفق شد تا محلی را به عنوان دفتر خریداری کند. دفتر جدید زیر زمین کوچکی بود که به علت مشکلات عدیده آن مکان پس از گذشت یک سال و نیم به اجبار ناچار به جابه‌جایی شد.

## مسیر توسعه

به تدریج امکان مالی شرکت به حدی رسید که قادر به اجاره دفتری برای خود باشد. در آن دوران شریک اصلی او که تاکنون نیز وی را همراهی کرده به شرکت پیوست. وی می‌گوید: «در سال ۷۴ زیرزمینی را برای شرکت اجاره کرده به آنجا نقل مکان کردیم، و در محل جدید به واقع بنای توسعه شرکت داروگ پایه ریزی شد چراکه با حدود ۷ نفر وارد آن محل شده و با نزدیک به ۲۰ نفر از آنجا خارج شدیم.» رفته رفته این شرکت توانست خود را به عنوان یکی از مطرح‌ترین موسسات تبلیغاتی کشور اثبات کند. و در حال حاضر یکی از بزرگترین آژانس‌های تبلیغاتی با خدمات کامل در ایران است. که کلیه مراحل مربوط به ایجاد، احیا و تداوم نام‌های تجاری سازمان‌های مختلف را انجام می‌دهد.

بالاخره در سال گذشته با مشارکت شریک خود و با استفاده از امکان وام، دفتر جدیدی را خریداری نمود. در حال حاضر ۶۰ نفر کارمند تمام وقت و پاره وقت در این شرکت فعالیت می‌کنند. در سال ۲۰۰۲ بخشی از سهام شرکت به وسیله یک گروه بین‌المللی خریداری شد، بدین وسیله اکنون عضو یک شبکه بزرگ بین‌المللی است. او علاوه بر فعالیت در کسب و کار خود، مدرس و مشاور انجمن صنفی طراحان گرافیک است و حدود ۱۵ مقاله تخصصی نیز به چاپ رسانده است.

## علاقه‌مندان به مطالعه مقالات و تجارب نمونه‌های موفق کارآفرینی زنان

در همایش‌های قبلی به سایت انجمن [www.ea.wenet.ir](http://www.ea.wenet.ir)

مراجعه فرمایند

۱- همایش کارآفرینی زنان و چالش‌های پیش‌رو - اسفند ماه ۱۳۸۳ - سالن تلاش وزارت کار

۲- همایش کارآفرینی زنان و راهکارهای توسعه کارآفرینی - بهمن ماه ۱۳۸۴ - سالن تلاش وزارت کار

۳- همایش کارآفرینی زنان دانش‌آموخته دانشگاهی - اسفند ماه ۱۳۸۵ - سالن جابر ابن حیان دانشگاه صنعتی شریف





# آینده نگری و دانش حرفه ای مهمترین عوامل موفقیت

شهروزاد اسفراجانی: موسس و رئیس هیات مدیره شرکت تبلیغاتی داروگ



از جوانی با هدف یادگیری، سختی را بی هیچ ادعا تحمل کرد تا سرانجام اولین شرکت تبلیغاتی بین المللی را بنا نهاد. همراه با نوآوری خود را در حرفه از منظر علم و عمل مجرب ساخت. بالغ بر ده سال است که در نقش مدرس در دانشگاه نیز حضوری فعال دارد.

## از کودکی تا جوانی

او در سال ۱۳۴۰ متولد شد، پدرش از بنیان گذاران صنعت چاپ و از اساتید معروف مینیاتور بود. سابقه فرهنگی خانواده سبب شد تا وی نیز به حوزه هنر علاقمند شود. از این رو در سال ۱۳۵۷ برای تحصیل در رشته نقاشی وارد دانشگاه شد. ورود او به آموزش عالی همزمان با انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها شد، وی در آن زمان از دواج کرده و اولین فرزندش به دنیا آمد. پس از بازگشایی دانشگاه تصمیم گرفت در رشته‌ای کاربردی تحصیل کند که امکان کسب اقتصادی نیز در آن فراهم باشد، از این رو به رشته گرافیک روی آورد. او پایان نامه خود را با موضوع بسته بندی انتخاب کرد. وی در این رابطه می گوید: هر چند موضوع بسته بندی در سالهای جنگ اصلاً مطرح نبود، اما حضور من از کودکی در کنار دستگاه های چاپ و بسته بندی پدرم، و دسترسی به کاتالوگ ها و اطلاعات مرتبط با آنها، مرا به این موضوع بسیار علاقمند کرده بود و دوست داشتم کاری در این زمینه انجام دهم.

## آغاز راه

پروژه بسته بندی بهانه ای برای آشنایی او با مدیرعامل شرکت تبلیغاتی «کاری» شد. ماحصل آشنایی شروع به کار او در شرکت تبلیغاتی کاری بود. او در سال ۱۳۶۶ کار خود را آغاز نمود و ابتدا به صورت رایگان با شرکت همکاری کرده پس از شش ماه استخدام شد و تا ۵ سال به این همکاری ادامه داد. او می گوید: «۵ سال ما بین فارغ التحصیلی تا راه اندازی کسب و کار شخصی که در شرکت تبلیغاتی کاری گذشت

شرکت ما از روز اول که جثه کوچکی داشت، مشاوران کوچکی داشت و اکنون که بزرگ شده از مشاوران نام آور استفاده می کند. چرا که از ابتدای دانستم با بسیاری از مسائل مربوط به مدیریت آشنایی ندارم و لازم است از نظرات اهل فن استفاده کنم

همان دورانی است که به اصطلاح به آن دوران یاد گرفتن فوت کوزه گری می گویند» به زعم وی علت عدم موفقیت جوانانی که بلافاصله پس از فارغ التحصیلی نسبت به راه اندازی کسب و کار اقدام می کنند این است که آشنایی حرفه ای با فرآیند گردش کار و چگونگی انجام فعالیت ها ندارند. وی می گوید: «من در آن ۵ سال، طلبگی می کردم. طلبگی با کار کردن

متفاوت است. طلبه تنها با هدف یادگیری کار می کند و سختی ها را بی هیچ ادعایی تحمل می کند.

پس از مدتی او بر نحوه انجام کار در حدی مسلط شد که مدیریت آتلیه شرکت را بر عهده گرفت. تسلط او بر کار از یک سو و تغییر استراتژی کلان شرکت به سمت تبلیغات بیلبوردی از دیگر سو سبب شد تا وی تصمیم بگیرد کسب و کار مستقلی راه اندازی کرده و در همان بخش مورد علاقه خود یعنی سازماندهی و برنامه ریزی تبلیغات، فعالیت نماید. او تصمیم خود را با رئیسش در میان گذارد و در سال ۱۳۷۱ برای راه اندازی کسب و کار جدید مبلغی در حدود یک میلیون و هشتصد هزار تومان از اعضاء خانواده اش قرض نموده و توسط آن سه دستگاه کامپیوتر کاملاً مجهز تهیه کرد.

از آنجا که در ابتدای راه تنها دارایی او تجهیزات کامپیوتری بود، وی تمام آن ها را در بزرگترین اتاق خانه مستقر کرد، آنجا را تبدیل به دفتر کار خود نمود. با تبدیل حمام کنار اتاق به تاریخانه، دفتر کوچک به لابراتوار نیز مجهز شد. اولین مشتریان این دفتر نوپا برخی مشتریان شرکت قبلی بودند که با توافق رئیس آن شرکت کارهای خود را به وی سفارش دادند.

او در این باره می گوید: از آنجا که کارهای این مشتریان را من انجام می دادم و آنها دوست داشتند که خودم کار را ادامه دهم به سراغ آتلیه کوچک ما آمدند و بدین ترتیب هسته اولیه شرکت داروگ در سال ۱۳۷۰ شکل گرفت.

او از دوره ای که آتلیه را در خانه مستقر کرده بود، به عنوان یکی از سخت ترین دوره های کاری خود نام برده می گوید: حفظ تعادل میان کار و





سرپرست خانوار همچنان در اصفهان ماند و به توصیه پزشکان کار بیرون از منزل را آغاز کرد. در شروع کار برای اخذ مدرک مهارت گلیم و فرش به سازمان فنی و حرفه ای اصفهان مراجعه کرده، اما از آنجا که مهارت کافی داشت با شرکت در آزمون مدرک مربیگری گرفت و از همان سال تدریس در منزل و مرکز فنی حرفه ای را آغاز کرد.

### ایفای نقش در سه حوزه اقتصاد - فرهنگ - خانواده

پس از دو سال با راهنمایی برخی دوستان تصمیم به راه اندازی تعاونی تولیدی نمود. او می گوید: « چون علاقه زیادی به اشاعه هنر و فرهنگ اصیل ایرانی عشایری و قشقایی داشتم و احساس کردم که هنر اصیل در منطقه بسیار ضعیف در معرض نابودی قرار گرفته و جای خود را به بافته های تقلبی و تجاری توسط واسطه گران داده است، تعاونی را با تعدادی از دوستان دائر نمودم.

تعاونی گزل بافت با ۲۵ نفر عضو و ۷۵۰ هزار تومان سرمایه اولیه در آبان ماه ۱۳۷۸ به ثبت رسید. این تعاونی اشتغال زایی برای زنان به خصوص زنان سرپرست خانواده و برقراری ارتباط نزدیک با هنرمندان کهنسال که تجربه و استعداد هنری آنان در معرض نابودی است و نیز ایجاد ارتباط میان بافندگان محروم روستایی با مراکز استان را از جمله اهداف خود تعریف کرد. وی تا چندی پیش علاوه بر مسئولیت در شرکت تعاونی، همچنان به آموزش در سازمان فنی و حرفه ای نیز ادامه داد. اما از سال ۱۳۸۱ به علت مشغله فراوان آموزش در سازمان را رها نموده، در محل تعاونی شروع به آموزش مبتدیان و دیگر اعضا کرد. در سال ۱۳۸۲ به دعوت دانشگاه هنر اصفهان به آموزش طراحی گلیم

و سایر زیراندازهای سنتی در دانشکده هنرهای تجسمی مشغول شد. فعالیت اصلی وی در آن زمان تهیه و تدارک مواد اولیه انواع گلیم و گبه و توزیع آن میان بافنده ها و جمع آوری تولیدات شرکت از بافنده ها بود. او می گوید: « فروش ما اوایل تنها به نمایشگاه های بین المللی محدود می شد. » از جمله چالش های ابتدای کار وابستگی تعاونی به تسهیلات صندوق تعاون، نداشتن مکان ثابت برای دفتر، کارگاه تولید و انبار بود که وی همچنان با آنها دست به گریبان است. همچنین عدم حمایت کافی ادارات ذیربط و ناهماهنگی میان خود ادارات در حل مسائل و مشکلات صنایع دستی، مشکلات موجود را مضاعف کرده است.

این تعاونی به طور متوسط هر سال در ۲ یا ۳ نمایشگاه داخلی و بین المللی شرکت کرده است. از جمله این نمایشگاه ها می توان به برپایی نمایشگاهی در هندوستان به مناسبت جشن پنجاهمین سال تأسیس خانه فرهنگ ایران و هندوستان اشاره کرد.

هم اکنون در حدود ۱۰۰ نفر از زنان که بسیاری از آنان سرپرست خانوار هستند، در خانه با این تعاونی همکاری می کنند و با هماهنگی ای که از جانب تعاونی صورت گرفته و همکاری سازمان صنایع دستی استان اکثراً مدرک مهارت گلیم بافی دریافت کرده اند.

از جمله ابتکارات این تعاونی احیا گلیم سوزنی قشقایی، احیا قالی بری قشقایی، احیا مشکل ترین جاجیم بافی قشقایی به عنوان اویی، گچمه، کلک است.

او می گوید: «در کنار فعالیت های کاری گوناگونی که داشتیم، مهمتر از همه تربیت فرزندانمان بوده چرا که به عنوان یک زن سرپرست خانواده لازم بود هم مهر مادری و هم نقش پدر را ایفا نمایم و احساس می کنم با لطف و عنایت خدا از این کار سربلند بیرون آمده ام.»

# حس مسئولیت توام با احیاء هنر



فاطمه نره‌ای: گلیم باف و مدیر عامل شرکت تعاونی گزل بافت

وردشت سمیرم و زمستان را در شهر اصفهان زندگی می‌کرد.

## مسئولیت جدید: سرپرست خانواده

او پس از ازدواج نیز علاوه بر خانه داری و تربیت فرزندان به تهیه مواد اولیه و بافندگی می‌پرداخت. او می‌گوید: «رنگ آمیزی پشم و کرک را خودم انجام می‌دادم و دختران فامیل و آشنایان را به کار تشویق نموده برای آنها از شهر مواد اولیه تهیه می‌کردم و به آنها آموزش می‌دادم.» بافت روتختی، رومبلی، رومیزی و کوسن با گلیم و جاجیم از ابتکارات وی در آن دوران بود، در سال ۱۳۷۲ به علت ورشکستگی همسر، بیشتر بار زندگی و مشکلات آن بر دوش وی افتاد، هرچند پس از چندسال با

درکنار فعالیت‌های گوناگونی که داشتم  
مهمتر از همه تربیت فرزندانم بوده چراکه به عنوان یک زن  
سرپرست خانواده لازم بود هم مهر مادری  
و هم نقش پدر را ایفا نمایم و احساس می‌کنم با لطف  
و عنایت خدا از این کار سربلند بیرون آمده‌ام

تلاش مداوم خود و همسرش موفق به حل برخی مشکلات شد، اما در سال ۱۳۷۶ با فوت همسر درپی یک سانحه رانندگی، دوران سخت‌تری آغاز شد.

او در این باره می‌گوید: «به یکباره با یک پسر و دو دخترم تنها ماندم و از نظر اقتصادی شرایط بسیار بدی داشتم و دچار افسردگی و سردرگمی شده بودم.» به خاطر محدودیت‌های اجتماعی موجود در روستا برای زنان

در دامن طبیعت و در میان اهل عشایر چشم را که به جهان گشود و آنگاه که خود را در آغوش مادر یافت، نخست هنر آموخت. در مسیر زندگی کوچ نشینی بافنده‌ای زبده شد. تقدیر چنین رقم زد که در جوانی سرپرست خانواده شود. کسب و کار را بر پایه هنر بنا نمود. چه، احیاء هنر اصیل قشقایی دغدغه دیرینه اش است.

## کودکی تا جوانی در عشایر

در سال ۱۳۳۹ در روستای هوک به دنیا آمد، وی کودکی را در ایل قشقای به همراه پدر و مادرش سپری کرد و دوران ابتدایی را در مدرسه سیار عشایری گذراند. هنگامی که به مقطع راهنمایی رسید، پدرش که از معتمدین ایل قشقای بود، به علت تحصیل فرزندان در شهر (شهرضا) ساکن شد، هرچند خانواده همچنان تابستان‌ها را در کنار ایل سپری می‌کرد.

او دیپلم خود را در رشته اقتصاد اجتماعی گرفته با وجود علاقه فراوانش به ادامه تحصیل به خاطر مواجه شدن با انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها از این کار بازماند.

در کودکی بافندگی را از مادرش که از هنرمندان ماهر هنرهای اصیل قشقای بود فراگرفت و از ۱۲ سالگی در کنار درس به بافندگی نیز می‌پرداخت.

او می‌گوید: «زمستان‌ها در شهر درس می‌خواندم و تابستان‌ها بافندگی می‌کردم به طوری که کلیه بافت‌های قشقای اعم از جاجیم بافی - گلیم بافی - گبه بافی - فرش بافی و کاربردهای مختلف آنها را یاد گرفته بودم و همیشه سعی بر آن داشتم که در بافته‌های خود تنوع و ابتکار جدیدی هم در رنگ و هم در نقش و هم در کاربرد داشته باشم.»  
در سال ۱۳۶۳ ازدواج کرد، پس از ازدواج تابستان در روستای مروک از



تقاضای انتشار نشریه ادبی شوکران را دادم. البته چهار سال طول کشید تا مجوز نشریه را بگیرم.

## راه جدید

او از ۱۸ سالگی اولین درآمد خود را از طریق خیاطی به دست آورد. مادرش به طور حرفه ای به کار خیاطی می پرداخت و او نیز گاه در کارها به مادر کمک می کرد. از دوران دانشجویی همکاری خود را با برخی از مجلات به صورت حق التحریری آغاز کرد. او می گوید: «منبع درآمد اصلی من تا ۳ سال پیش از محل خیاطی بود. و درآمد حاصل از آن را برای انتشار مجله و جبران ضررهای آن صرف می کردم.»

پس از ۴ سال تأخیر، مجله شوکران مجوز انتشار گرفت، او به زعم خود در طی آن ۴ سال بیکار ننشسته و به عنوان نویسنده و خبرنگار با روزنامه ها و نشریات مختلف همکاری می کرد و به نحوی ارتباطات خود را گسترش داده بود که در سال ۱۳۸۱، اولین شماره نشریه شوکران را با مقالات و نوشته های بزرگان حوزه ادب و هنر منتشر ساخت.

وی مشکلات مالی را اصلی ترین چالش دوران شروع کار حرفه ای خود می داند و می گوید: گاه برای پاس شدن یک چک، شبانه روز خیاطی می کردم. بعضی اوقات، توپ های پارچه را از بازار می خریدم و یک تنه سری دوزی می کردم. اما بعد از این که مجله منتشر می شد، نفس راحتی می کشیدم و انرژی رفته خود را بازمی یافتم. «او استقامت و پشتکار خود را اصلی ترین عامل موفقیت خود می داند و در کار بسیار فعال و پرنرزی است.

## مسیر توسعه

پس از چندی، مجله شوکران به یکی از مجلات مطرح عرصه فرهنگ و ادب تبدیل شد. او تلاش بسیاری برای حفظ سطح ادبی مجله کرده است. او می گوید: «از ابتدا نگره داشتن مجله در سطح حرفه ای برایم بسیار اهمیت داشت.»

هم اکنون پس از گذشت ۶ سال از آغاز انتشار، مجله شوکران به تیراژ قابل توجهی دست یافته به طوری که صاحبان صنایع و ناشران برای چاپ آگهی با دفتر مجله تماس می گیرند، و به سطح قابل قبولی از درآمدزایی رسیده است.

او دو سال پس از آغاز انتشار مجله، نسبت به تأسیس یک موسسه انتشاراتی ترغیب شد، و در سال ۸۳ نشر «امرو» راه اندازی کرد. این انتشارات تاکنون ۱۰ عنوان کتاب را به چاپ رسانده است.

او در این رابطه می گوید: «نقطه ضعف من این است که به علت وسواسی که در کیفیت انجام کار دارم، به راحتی نمی توانم با دیگران کار کنم. به ویژه این که به خاطر تجربه حرفه ای خود، بر روال انجام امور با هزینه کم و کیفیت مناسب مسلط هستم و قادرم کار را به نحو احسن

انجام دهم. از دیگر سو، هنوز توان مالی مجله به حدی نرسیده که بتواند کارمندان زیادی را استخدام کند.» و در حال حاضر چند نفر به صورت پاره وقت برخی کارهای مربوط به تایپ و حمل و نقل و غیره را برای مجله انجام می دهند.

وی عقیده دارد درآمد حاصل از کار فرهنگی باید در حوزه فرهنگ سرمایه گذاری شود و از این رو در نشر امروز می کوشد تا از آثار هنرمندان بالاستعدادی که سرمایه مالی ندارند حمایت کند.

## چالش ها و ابتکارات

او همزمان دبیر سرویس ادب و هنر و مدیر فنی روزنامه همبستگی نیز است و می گوید، حضور در روزنامه وقت زیادی از من می گیرد. وی در بلندمدت قصد دارد با تقویت بنیه مالی، همه توان خود را بر روی دو موسسه گذارده، فعالیت های داخلی و خارجی آنان را گسترش دهد.

به عقیده وی تنگنای مالی و مشکلات حاکم بر اوضاع فرهنگی جامعه دو مانع اصلی بر سر راه توسعه فعالیت های فرهنگی است. به باور وی در حال حاضر نشر در وضعیت بدی قرار دارد و طراحی برنامه های بلندمدت برای فعالان این حوزه غیرممکن است.

وی در ابتدا برای برقراری ارتباط با برخی مشاغل مرتبط با حوزه کار خود مانند چاپخانه ها، کاغذفروشی ها و ... به عنوان یک دختر جوان مشکلاتی داشته به نحوی که اکثراً او را جدی نمی گرفتند، اما با استقامت و برخورد حرفه ای که از او همواره مشاهده می شود توانسته به سرعت ارتباط

منبع درآمد اصلی من تا ۳ سال پیش از محل خیاطی بود و درآمد حاصل از آن را برای انتشار مجله و جبران ضررهای آن صرف می کردم

مناسبی با همکاران مرتبط با حوزه نشر برقرار نماید. وی می گوید: تلاش نمودم تا توانایی خود را از نظر حرفه ای اثبات کنم و در حساب و کتاب های مالی، خوش حساب باشم. این دو عامل کمک کرد تا رفته رفته در محیط های مردانه نیز پذیرفته شوم.

به عقیده وی در حوزه فرهنگ فرصت های کاری فراوانی برای علاقمندان وجود دارد و اگر کسی می خواهد در این حوزه موفق شود باید به مهارت و تخصص خود بیافزاید به نحوی که یک سرگردن از بقیه بالاتر باشد. او دانستن زبان خارجی را برای پیشرفت در حوزه فرهنگ بسیار ضروری می داند. به زبان انگلیسی و ترکی مسلط است و تا حدودی فرانسه و عربی نیز می داند. وی که اکنون مشاور رسمی مرکز اسلامی - عربی کره است در زمینه فعالیت های فرهنگی خود در خارج از کشور می گوید: این مسئولیت تازه امکان آن را به من می دهد تا نهادهای فرهنگی کشورمان را به این مرکز بین المللی که کشورهای جهان اسلام عضو آن هستند متصل کنم و امیدوارم در جهانی شدن ادبیات و هنر ایرانی از طریق مرکز کره ای سهیم باشم. وی می گوید: «آنچه برای من بیش از هر چیز اهمیت دارد، تزکیه نفس و روح است و دوست ندارم به کسب و کارم وابسته باشم، ماندگاری را در درون خود جستجو می کنم و هر لحظه که فکر کنم مطبوعات و حتی شعر مرا به تعالی نمی رساند حاضرم همه آن ها را کنار بگذارم و از نو شروع کنم.»



## باور به تعالی مسیر



پونه ندائی  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول مجله شوکران و موسس انتشارات امروز

او می گوید: «با خوشحالی از تهیه این مجله و بی خبر از همه جا، در مقابل دانشکده شروع به فروش آنها کردم، غافل از این که کار من غیرقانونی است و از این رو بازخواست و سرزنش شدم.»  
در آن زمان هیچ قانونی برای مطبوعات دانشجویی وجود نداشت، او از طریق گفت‌وگو با مسئولان دانشگاه آنان را متقاعد به تهیه آیین نامه نشریات دانشجویی کرد. وی می گوید: «تمام شماره‌های نشریه اول به سرعت به فروش رسید و توجه دانشجویان را به سمت خود جلب کرد. نماینده مقام معظم رهبری در دانشگاه از این نشریه استقبال کرد زیرا این اطمینان را داشت که من کار علمی و دانشجویی را بر جنجال‌ها ترجیح می‌دهم.»

او می گوید: «این مجله نخستین نشریه تمام دانشجویی بعد از انقلاب است.» در دوران دانشجویی ۱۸ شماره نشریه با نام «نگاه تازه» را در دانشگاه به انتشار رساند و چند شماره آخر این نشریه را در ۲۰۰ صفحه و دوزبانه، به صورت فارسی و انگلیسی چاپ نمود. تجربه انتشار نشریه دانشجویی باعث آشنایی ندائی با نحوه انتشار مجله از نظر فنی و هنری شد و منجر به آشنایی او با نام‌آوران حوزه ادبیات گشت.  
بعد از اتمام دوره دانشجویی، از آنجا که او دیگر دانشجو نبود و نمی‌توانست سردبیر نشریه دانشجویی باشد و از طرفی فضای دانشگاه را

در حال حاضر نشر در وضعیت بدی قرار دارد  
و طراحی برنامه‌های بلندمدت  
برای فعالان این حوزه  
غیرممکن است

برای خود کوچک می‌دید درصدد راه اندازی یک نشریه ادبی-هنری مستقل برآمد. وی می گوید: در سال ۱۳۷۶ و به محض اینکه مدرک فارغ التحصیلی خود را گرفتیم به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رفتیم و

شعر و هنر آموزه‌های دوران کودکی‌اش بود. در هیجان سن هیجده سالگی سرودن شعر را آغاز کرد. در تب و تاب دوران دانشجویی، اندیشه تاسیس نشریه را تحقق بخشید و در گام بعدی به شوکران رسید. سخت کوشی او را به عرصه نشر نیز کشانید و ایده‌اش را در این صنعت نیز به نهادی نو تبدیل ساخت.

### مسیر کودکی تا حضور در دانشگاه

در سال ۱۳۵۳ در تهران متولد شد. او تنها فرزند خانواده است. از دوران کودکی توسط پدرش با اشعار شاعران کهن و نو آشنا شد، از نوجوانی نقاشی می‌کرد و از همان دوران بسیار کتاب می‌خواند.  
در رشته زبان و ادبیات انگلیسی در دانشگاه شهید بهشتی درس خوانده است. او از ۱۸ سالگی چنان به سرودن شعر گرایش پیدا کرد که از نقاشی صرف نظر کرد. او می گوید: «حس کردم می‌توانم با کلمات نقاشی بکشم و هنوز هم تصویر در اشعارم جایگاه مهمی دارد.»

ندائی در دوران تحصیل در دانشگاه درصدد انتشار یک مجله دانشجویی برآمد. خود در این باره می گوید: «یک روز پاییزی هنگام گذر از زیر درختان سپیدار پاییز زده دانشگاه به پوستر یک کانون ادبی دانشجویی برخورد کردم که در آن از دانشجویان دعوت شده بود تا برای ترجمه کتاب‌های مهدی آذریزدی به گروه ترجمه بپیوندند. آشنایی با این کانون مرا به فکر تأسیس نشریه‌ای ادبی که دانشجویان آن را اداره کنند، انداخت.»  
او ایده خود را با همکلاسی‌هایش در میان گذارد اما کسی از او استقبال نکرد گویی کسی باور نداشت که دانشجویان هم می‌توانند نشریه چاپ کنند. از این رو به صرافت افتاد تا شخصاً نشریه‌ای منتشر کند.

در مهرماه ۱۳۷۴، ویژه‌نامه‌ای برای سهراب سپهری تهیه نمود و اسم نشریه را نگاه تازه گذاشت. او می گوید: «تمام مطالب را خودم تهیه کردم اما برای این که همه آن‌ها به نام خودم نباشد با هماهنگی همکلاسی‌هایم نام آنها را در پای برخی مقالات گذاشتم» وی کار تایپ و صفحه بندی مطالب را شخصاً انجام داد، در نهایت ورق‌های فتوکپی شده مجله را منگنه کرد و در دانشکده ادبیات هر کدام را به قیمت ۱۰۰ تومان به فروش رساند.



# گام جمعی



مژگان والی پور  
عضو هیات مدیره گالری ماه مهر

## چون همانطور که می‌دانید کار گروهی در کشور، چندان مورد اقبال نیست.

نه تنها در ایران، بلکه در اکثر جاهای دنیا کار گروهی مشکلات خاصی دارد، کسی که به این حوزه قدم می‌گذارد باید صبور و پرتحمل باشد و به ایده‌ها و تفکرات همکارانش احترام بگذارد. از طرفی تردیدی نیست که مشارکت در توسعه کار بسیار اثرگذار است. مطرح شدن نظرات و ایده‌های جدید، هم‌افزایی انرژی و سرمایه همه از ویژگی‌های مثبت کار گروهی است.

اما پیش از آغاز یک کار گروهی هر یک از افراد باید به دو مسأله توجه داشته باشند: اول اینکه با فضای فکری کاری که می‌خواهند شروع کنند آشنایی داشته باشند و دوم اینکه هدف خود را از انجام آن کار بدانند. در مورد ما، چون هر سه نفر نگارخانه داشتیم، با فضای فرهنگی - هنری حاکم بر جامعه آشنا بودیم و در ضمن نیاز به وجود چنین موسسه‌ای را حس می‌کردیم و تجربیات همکاری موفق نیز در برپایی نمایشگاه‌های داخلی و خارجی داشتیم.

## هزینه اولیه راه‌اندازی را چگونه فراهم کردید؟

به هر حال ما سه نفر فعالیت اصلی خود را در نگارخانه‌هایمان داشتیم و از محل درآمد خود این مکان را اجاره کردیم. مهمترین سرمایه‌ای که در این کار لازم است عشق و علاقه فردی است، چرا که تاکنون همه ما تمام درآمد خود را وارد این کار کرده‌ایم و اگر عشق و علاقه نبود هرگز این کار را نمی‌کردیم.

همین حالا بعضی وقتها از این همه وقت و انرژی که می‌گذارم گاه خسته می‌شوم و فکر می‌کنم اکنون که موسسه راه افتاده، ادامه کار را به فرد دیگری بسپارم اما واقعیت این است که اکنون دیگر هیچکدام از ما سه نفر به تنهایی مطرح نیستیم بلکه جریانی راه انداخته‌ایم و احساس می‌کنیم در قبال تمام مخاطبانمان مسئول هستیم.

## لطفاً بفرمایید که با چه انگیزه‌ای در صدد راه‌اندازی گالری ماه مهر برآمدید؟

همانطور که اطلاع دارید هر سه نفر ( الهه جواهری - آریا اقبال - مژگان والی پور ) ما پیش از این نیز گالری دارهای مستقلی بودیم و فعالیت‌های فرهنگی - هنری در داخل و خارج از کشور انجام می‌دادیم. اما آنچه باعث شد به فکر تأسیس این موسسه بیافتیم نیازهای بی‌پاسخ موجود در جامعه بود، چرا که حس می‌کردیم درصد بالایی از فارغ التحصیلان رشته‌های هنری سردرگم هستند. ما بر آن شدیم که با تأسیس موسسه‌ای که نسبت به موسسات علمی صرف، نقش تکمیلی داشته باشد، راه توسعه را برای مخاطبین و علاقمندان هنر هموار سازیم. اما آنچه به ما جسارت شروع کار به صورت گروهی را داد، برگزاری نمایشگاهی در تالار وحدت بود. آن نمایشگاه که زیر نظر مرکز هنرهای تجسمی برپا شد، به صورت گروهی اداره شد و طی آن متوجه شدیم که فعالیت مشارکتی، چنانچه بر مبنای مدیریت صحیح باشد، به مراتب تأثیر بیشتری از فعالیت‌های انفرادی دارد و از آنجا که مجوز این موسسه را داشتیم هر سه نفر عزم خود را برای راه‌اندازی این موسسه جزم کردیم.

## در حال حاضر اداره موسسه توسط یک نفر صورت می‌گیرد؟

خیر، از لحاظ قانونی نام یک نفر به عنوان مدیرعامل درج شده است، در تقسیم کار صورت گرفته، مسئولیت هر بخش با یکی از اعضا است، ولی کلیه اقدامات اصلی با مشارکت هر سه نفر انجام می‌شود، یعنی سیاست‌گذاری‌ها را سه نفره انجام می‌دهیم، سپس هر کس در حوزه مسئولیت خود به امور اجرایی می‌پردازد. هنگام شروع کار ما تنها یک کارمند داشتیم، ولی امروز هفت نفر کارمند ثابت و تعدادی کارمند پاره وقت داریم.

کمی در مورد تجربه خود از کار گروهی توضیح دهید.



## گفتگو با گالری دار جوان

یاسمن نیکزاد: نقاش و گالری دار

می‌گوید: «مکان را در اختیار داشتم ولی برای مناسب سازی آن از نظر رنگ دیوارها و نورپردازی، تعمیراتی لازم بود که هزینه تعمیرات را از محل درآمدهای قبلی خود و کمک پدر و مادرم تأمین کردم.»  
او می‌گوید: «مزیت تأسیس گالری نسبت به شرکت‌های تجاری در این است که از لحاظ قانونی از دادن مالیات معاف است و یا به طور مثال تعرفه برق آن نیز نصف تعرفه برق معمول است و از همین رو در هزینه‌ها کمی صرفه‌جویی می‌شود.» در نهایت گالری نیکزاد در شهریور ماه گذشته با نقاشی‌های وی افتتاح شد.

### مسیر پیش رو

در حال حاضر او مسئولیت برقراری ارتباطات و خرید و فروش آثار هنری را به عهده دارد، مادرش مسئول هماهنگی امور مالی است و یک کارمند هم در زمان برپایی نمایشگاه در گالری حضور دارد.  
حضور وی در انجمن نقاشان و انجمن هنرهای تجسمی همچنین ارتباطات خوب با اساتید نقاشی، سبب شده که با وجود جوانی خود و نوپا بودن گالری، هم اکنون گالری نیکزاد از نظر مرکز هنرهای تجسمی به عنوان یکی از ده گالری برتر شناخته شود. وی وجه تمایز خود را با هم سالانش، فعالیت زیاد می‌داند. و می‌گوید: «چون از ابتدا می‌دانستم باید قادر باشم روی پای خود بایستم درسم را چهارساله تمام کرده و از همان اوایل با انجام کار پاره وقت، نسبت به کسب درآمد اقدام نمودم.»  
به واسطه همکاری با سازمان ایرانیان فرامرزی، در هماهنگی برای برپایی نمایشگاه نقاشان ایرانی، توانست ارتباطات بین‌المللی خوبی برقرار کند خانواده همسر او ساکن اسپانیا هستند و به واسطه سفرهایش به آن کشور توانسته با گالری داران جوان آن کشور ارتباط برقرار کند، وی می‌گوید: «برقراری ارتباط با گالری داران خارجی چندان کار سختی نیست، از طریق ایمیل و گاه حضوری، خود را معرفی می‌کنم و در مورد فعالیت‌هایم توضیح می‌دهم.» در حال حاضر همچنین با برخی گالری داران در کشورهای دبی، انگلستان، دانمارک همکاری کرده نسبت به فرستادن آثار هنری به آن کشورها اقدام می‌کند.  
وی می‌افزاید: «چون خودم جوان هستم و با مشکلات جوانان آشنایی دارم، دوست دارم حال که راهی برای من باز شده برای دیگر جوانانی که در این عرصه هستند نیز فرصت حضور را فراهم کنم. و از این رو تلاش می‌کنم آثار هنری آنان را در داخل یا خارج از ایران به فروش رسانم.»

یاسمن نیکزاد در سال ۱۳۶۱ متولد شد وی که دومین دختر خانواده است، از ابتدا به قید و بند سختگیرانه مدرسه علاقه چندانی نداشت، حرکت برخلاف قانونمندی موجود و صرف وقت برای آموختن علاقمندی‌های واقعی‌اش را از جمله دلایل موفقیت خود می‌داند. او می‌گوید: «پس از پایان دوران راهنمایی، برای فرار از فضای خشک دبیرستان وارد هنرستان نقاشی شدم.» همزمان با ورود به هنرستان نقاشی، فراگیری نقاشی را نزد اساتید بنام این حرفه آغاز کرد. پس از پایان دوران هنرستان وارد دانشگاه آزاد شده به تحصیل رشته نقاشی پرداخت. وی می‌گوید: «اساتیدم در دانشگاه مرا نسبت به ادامه تحصیل تشویق می‌کردند، و این امکان برایم فراهم بود که همزمان با تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد، در همان دانشگاه تدریس نمایم. اما از آنجا خود علاقه چندانی به ادامه تحصیل نداشتم و بیشتر مشتاق به شروع کار بودم. از این رو با اخذ مدرک کارشناسی، وارد دنیای کسب و کار شدم.»

### آغاز راه

او از ۱۶ سالگی به واسطه تسلط بر زبان انگلیسی و کامپیوتر شروع به کار کرد و در ابتدا کارهای ترجمه و جستجو در اینترنت را انجام می‌داد.  
پس از پایان دانشگاه دغدغه او پرداختن به نقاشی به عنوان حرفه اصلی بود. وی در این باره می‌گوید: «می‌دانستم چنانچه به کار در رشته‌های دیگر ادامه دهم، ناچارم نقاشی را کنار بگذارم، و از دیگر سو چون تجربه علمی در آن رشته‌ها نداشتم، امکان اشتغال نیز برایم میسر نبود، از طرفی دوست داشتم مستقل بوده و آزادی خود را داشته باشم.»  
نگرانی وی درباره کسب و کار آینده سبب شد تا مادرش او را نسبت به تأسیس یک گالری ترغیب نماید. طبقه پایین منزل مسکونی پیش از آن به عنوان آتلیه نقاشی در اختیار او قرار داشت. و بنا بر پیشنهاد مادر قرار شد با انجام تعمیراتی آن مکان به گالری تبدیل شود از همین رو برای گرفتن مجوز گالری اقدام کرد.  
با آنکه در آن زمان هنوز به سن قانونی برای گرفتن مجوز نرسیده بود، توانست به سرعت مجوز را کسب نماید. خود می‌گوید: «از آنجا که هم کار نقاشی‌ام طوری بود که مورد پسند خیلی‌ها قرار می‌گرفت و هم به عضویت انجمن نقاشان درآمده بودم و نیز به خاطر حمایت اساتیدم توانسته بودم ارتباطات بسیاری برقرار کنم، از طرفی محل گالری نیز بسیار مناسب بود. و همه این عوامل در کنار هم سبب شد تا علیرغم سن پایین مجوز را دریافت کنم. وی در مورد هزینه‌های اولیه راه‌اندازی گالری



# برخی مشاغل و کسب و کارهای فرهنگی و هنری

برای آشنائی علاقمندان، برخی از مشاغل و کسب و کارهای مربوط به صنعت سینما و صنایع دستی جمع آوری شده است. فرصت برای تکمیل اندک بود. امید آنکه با مشتاقان این حوزه بتوان آن را کامل نمود.

## سینما

### ■ گروه کارگردانی

- کارگردان
- دستیار اول کارگردان
- دستیار دوم کارگردان
- دستیار کارگردان
- مشاور کارگردان
- بازیگردان
- انتخاب بازیگر
- مدیر روابط عمومی
- مدیر برنامه ریزی
- برنامه ریز
- دستیار برنامه ریز
- مشاور هنری
- مسئول هنروران
- منشی صحنه
- دستیار منشی صحنه

### ■ گروه فیلمنامه

- نویسنده
- بازنویس فیلمنامه
- مشاور فیلمنامه
- مشاور حقوقی فیلمنامه
- مشاور تحقیق
- مشاور پزشکی
- گروه تدارکات
- مدیر تدارکات
- جانشین مدیر تدارکات
- مسئول تدارکات
- دستیار تدارکات

### ■ گروه بازیگران

- بازیگر
- عروسک گردان
- بازیگران عروسکی
- بدلکار
- گروه تدوین
- تدوینگر
- دستیار تدوین

### ■ گروه تهیه و تولید

- تهیه کننده
- مجری طرح
- مدیر تهیه
- مدیر تولید
- مشاور تولید
- سرمایه گذار
- شرکای تولید
- جانشین مدیر تولید
- جانشین تهیه کننده
- نماینده تهیه کننده
- مسئول هماهنگی
- دستیار تهیه کننده
- دستیار تولید
- کاربری تولید
- مدیر مالی
- مدیر اداری

### ■ گروه موسیقی

- آهنگساز
- نوازنده
- صدابردار موسیقی
- ناظر ضبط موسیقی
- خوانندگان و نوازندگان صحنه
- سرپرست نوازندگان
- نوازنده
- تنظیم موسیقی
- آهنگساز ترانه
- دستیار آهنگساز
- ترانه سرا
- خواننده
- سازنده تصنیف



# اولین ها

## آیا می دانید؟

خود افزود. سپس راهی فرانسه شد. وی سالها به عنوان استاد و سپس مدیریت گروه موسیقی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران (به عنوان اولین زن) فعالیت داشت.

◀ اولین زن ایرانی که به عنوان مدیر موزه در خارج از کشور فعالیت دارد ماندانا برکشلی (۱۳۳۸) است. وی نخستین زن در قاره آسیا است. که دکترای مرمت و نگهداری آثار موزه ای را دریافت کرد و همچنین کاشف رمز مانایی رنگ سبز زنگاری در نگاره های ایرانی است.

◀ اولین مجسمه ساز و اولین استاد زن دانشگاه هنرهای تزئینی لیلی تریان است. تریان وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد. وی به پاریس رفت و در دانشگاه بوزا به تحصیل خود ادامه داد.

◀ نخستین زن گرافیست لیلا تقی پور (۱۲۹۹) است. وی در سال ۱۳۲۵ وی تحصیلات خود را در دانشکده هنرهای زیبا به پایان برد.

◀ اولین سفالگر و ابداع کننده شیوه ای جدید در تلفیق خط و نقاشی منصوره حسینی (۱۳۱۵) است.

◀ لرتا هایراپتیان (۱۲۹۰) اولین زنی بود که در ایران پایه صحنه تئاتر گذاشت. او علاوه بر کارگردانی تئاتر، هفت فیلم در کارنامه سینمایی خود نیز به جای گذاشته است. او در سال ۱۳۷۷ با جهان هستی وداع گفت.

◀ اولین نشریه زنان با نام نشریه دانش توسط سمیه کحال (۱۲۸۸) تاسیس و منتشر شد.

◀ نخستین کارگردان انیمیشن ایران نفیسه ریاحی (۱۳۲۲) است. رشته هنرهای تزئینی از ایستورن انگلیس و نقاشی و مجسمه سازی را در هنرهای زیبای ژنو به پایان برد.

◀ نخستین گالری دار زن در ایران معصومه سیحون (۱۳۱۳) است. وی فارغ التحصیل دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است.

◀ نخستین نقاش پشت شیشه در ایران مهین دخت عظیمیا (۱۳۰۸) است. وی بیش از ۱۰۰ اثر به وجود آورده است.

◀ نخستین نشریه مصور زنان به نام شکوفه را مریم عمید در سال ۱۲۹۸ منتشر ساخت.

◀ اولین جشن روز ۸ مارس (روز بین المللی زنان) توسط جمعیت «پیک سعادت نسوان» در رشت برپا شد. موسسین این جمعیت روشنگر نوعدوست، جمیله صدیقی، سکینه شیرنگ و اورانوس پایاب بودند.

مواخذ:

- ۱- اولین زنان، یژوهشگر و نویسنده عدرا دژم، تهران، علم، ۱۳۸۴
- ۲- سالنمای زنان ایران و جهان، به کوشش احمدی خراسانی، ۱۳۷۹
- ۳- زنان نمایشنامه نویس ایران از انقلاب مشروطه تا ۱۳۵۷، گل مهر کازری، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۴

◀ اولین نشریه زنان به نام «زبان زنان» توسط صدیقه دولت آبادی در اصفهان به چاپ رسید. این نشریه فقط مقاله ها و مطالب زنان را منتشر و تنها به زنان حق التالیف پرداخت می کرد.

◀ اولین زن دارای تحصیلات آکادمیک در آواز، پری آقابایف (۱۲۷۹) بود که برای تحصیل موسیقی و آواز به کنسرواتوار شارلتنبورک برلین رفت. در آغاز جنگ جهانی دوم برای ادامه تحصیل در موسیقی و آواز و باله و تئاتر در کنسرواتوار سلطنتی مسکو، رم و فرانسه رفته و سپس به ایران آمد و در جمعیت های آرامنه خوانندگی کرد و پس از آن به تئاتر روی آورد.

◀ نخستین ناشر زن پس از انقلاب، شهلا لاهیجی است که در نشر آثار زنان فعالیت چشمگیری داشته است. او کار نشر را در سال ۱۳۶۳ آغاز کرد.

◀ اولین نماینده ایران در کمیسیون زن سازمان ملل متحد، صفیه فیروز در سال ۱۳۴۰ بود. وی در سال ۱۳۳۰ مجله زنان را منتشر کرد.

◀ اولین زن ایرانی که جایزه یونسکو را کسب کرد نیره سعیدی بود. وی مجله بانو را در سال ۱۳۲۳ منتشر کرد.

◀ اولین زن معمار ایرانی نکتار پاپازیان آندروف است. وی اولین دختری بود که در ایران دیپلم ریاضی گرفت و شاگرد اول رشته خود شد.

◀ نخستین زن مینیاتوربست ایران کلارا آبکار (۱۳۰۲) در تهران در خانواده ای از آرامنه اصفهان چشم به جهان گشود. از سال ۱۳۷۲ در مجموعه فرهنگی موزه سعد آباد موزه ای به نام او تاسیس شده و آثار این استاد در آن نگهداری می شود.

◀ اولین زنی که به طور حرفه ای و با بهره گیری از تحصیلات آکادمیک به عکاسی پرداخت نادره انور (۱۳۱۱) است. او نخستین عکاس ایرانی بود که با تاسیس استودیو و آتلیه عکاسی از سال ۱۳۴۲ در خیابان وصال شیرازی به شکلی حرفه ای به کار ادامه داد.

◀ اولین زنی که موسیقی درمانی را آموخت آریانا برکشلی (۱۳۳۲) است. او برای نخستین بار در ایران در کنسرتی برای گروهی از کودکان معلول سازمان بهزیستی از این شیوه استفاده کرد. او نخستین پیانیست زن ایرانی است که با تحقیق بر روی آثار و زوایای شخصیتی باخ آهنگساز مشهور جهان به عنوان یک پیانیست باخ شناس نیز مطرح است.

◀ جوان ترین و اولین دختر ایرانی که برای اجرای کنسرت در خارج از کشور به روی صحنه رفت پری برکشلی (۱۳۲۴) است. وی پس از فراگیری مقدمات موسیقی در هنرستان عالی موسیقی بر دانش موسیقیایی



## ■ گروه جلوه های ویژه

- گرافیکست
- مشاور امور رایانه
- گرافیکست رایانه
- دستیار جلوه های ویژه

## ■ گروه چهره پردازی

- طراح چهره پردازی
- چهره پرداز
- دستیار چهره پرداز

## صنایع دستی

- چیدمان
- تکه چسبانی سه بعدی
- منجوق دوزی
- منبت کاری
- سرامیک و سفالگری
- خیاطی
- ریسندگی
- عروسک سازی
- کوفته گری
- روغنی سازی
- چیت سازی
- چیتگری
- حصیربافی
- حاتم کاری
- فلز کاری
- قلم زنی
- قلم کاری
- دورنگری
- سفالگری
- خاتم سازی
- گره چینی
- گچ بری
- آینه کاری
- میناسازی
- کلاقه ای کاری
- زرگری
- کلیله کاری
- معرق کاری
- کلاژ (نوعی چیدمان شامل ریز دانه ها , پارچه , کاغذ , عکس و غیره ...)
- حجاره نری
- جواهرسازی
- چرم دوزی
- نقاشی روی چرم
- نقش بندی
- مرمت کار نخ خطی
- مرمت کار انبیه تاریخی
- کاشی سازی

## ■ سوزن کاری

- شماره دوزی
- گل دوزی
- لحاف دوزی
- قیطان دوزی
- پوست
- حاشیه دوزی
- چهل تکه
- قلاب بافی
- بافتنی

## ■ نگارگری

- نگارگری
- تذهیب کار
- نقاش قهوه خانه

## ■ قالی بافی

- قالی بافی
- قالیچه بافی
- گلیم بافی
- جاجیم بافی

- طراح سنتی
- طراح و نقاش مؤسس
- نقاش پشت شیشه

- مخمل دوزی
- زری دوزی
- چادرشب بافی
- زیلو بافی
- ترمه دوزی
- رفوگری

## ■ گروه صدا

- |                   |                          |                     |
|-------------------|--------------------------|---------------------|
| ▪ صدابردار        | ▪ سرپرست استودیو         | ▪ نقال              |
| ▪ دستیار صدابردار | ▪ سرپرست گویندگان        | ▪ دستیار میکس       |
| ▪ طراح صدا        | ▪ مسئول فنی صدا          | ▪ صدابردار همزمان   |
| ▪ صدابردار صحنه   | ▪ دستیار امور فنی صدا    | ▪ صدابرداری استودیو |
| ▪ صداگذار         | ▪ سرپرست گروه ترکیب بندی | ▪ مدیر دوبلاژ       |
| ▪ دستیار صداگذاری | ▪ گویندگان               | ▪ دوبلاژ            |
| ▪ صداگذاری و میکس | ▪ گوینده گفتار متن       | ▪ ناظر ضبط          |
| ▪ میکسر           | ▪ گویندگان عروسی         |                     |

## ■ گروه فیلمبرداری

- |                        |                     |                       |
|------------------------|---------------------|-----------------------|
| ▪ دستیار اول فیلمبردار | ▪ مدیر نور پردازی   | ▪ فیلمبردار انیمیشن   |
| ▪ دستیار دوم فیلمبردار | ▪ نورپرداز          | ▪ استدی کم            |
| ▪ مدیر فیلمبرداری      | ▪ دستیار نورپردازی  | ▪ فیلمرو              |
| ▪ فیلمبردار            | ▪ تصویربردار        | ▪ تصویربردار پشت صحنه |
| ▪ دستیار فیلمبردار     | ▪ دستیار تصویربردار | ▪ فیلمبردار پشت صحنه  |
| ▪ مسئول فنی فیلمبرداری | ▪ عکاس              | ▪ فیلمبردار تیتراژ    |
| ▪ مدیر تصویربرداری     |                     |                       |

## ■ گروه لابراتوار

- |               |                        |                 |
|---------------|------------------------|-----------------|
| ▪ لابراتوار   | ▪ سانسیتومتری          | ▪ عنوان بندی    |
| ▪ برش نگاتیو  | ▪ حروف چینی کامپیوتری  | ▪ قطع ویدئو     |
| ▪ چاپ         | ▪ تیتراژ               | ▪ تروکاژ        |
| ▪ ظهور        | ▪ تصحیح رنگ (اتالوناژ) | ▪ کنترل         |
| ▪ ظهور نگاتیو | ▪ دستیار چاپ           | ▪ دستیار تروکاژ |
| ▪ ظهور پزتیو  | ▪ دستیار لابراتوار     |                 |

## ■ گروه صحنه و لباس

- |                           |                     |                      |
|---------------------------|---------------------|----------------------|
| ▪ دستیار طراح صحنه        | ▪ ناظر صحنه         | ▪ دستیار دکور        |
| ▪ دستیار طراح صحنه و لباس | ▪ مشاور صحنه و لباس | ▪ دستیار لباس        |
| ▪ طراح صحنه و لباس        | ▪ مجری دکور         | ▪ جامه دار           |
| ▪ طراح هنری               | ▪ طراح دکور         | ▪ دستیار صحنه        |
| ▪ مدیر هنری               | ▪ طراح لباس         | ▪ دستیار صحنه و لباس |
| ▪ دستیار مدیر هنری        | ▪ مسئول لباس        | ▪ طراح عروسک         |
| ▪ طراح صحنه               | ▪ مسئول دوخت لباس   | ▪ دستیار اجرای دکور  |
| ▪ مدیر صحنه               | ▪ مسئول آرشیو لباس  | ▪ دستیار عروسک ساز   |
| ▪ کارگردان صحنه           | ▪ سازنده دکور       | ▪ باران ساز          |
| ▪ دستیار مدیر صحنه        | ▪ مسئول خدمات صحنه  | ▪ انباردار           |

# انجمن زنان مدیر کارآفرین در یک نگاه

انجمن صنفی زنان مدیر کارآفرین به منظور اشاعه فرهنگ کارآفرینی در جامعه زنان ایرانی به همت تعدادی از کارآفرینان و صاحبان کسب و کار شکل یافته است و سابقه تشکیل انجمن به برگزاری طرح ملی ترویج کارآفرینی و توان افزایی زنان کارآفرین بازمی گردد. این طرح به سفارش دفتر امور بانوان وزارت کشور با حمایت مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری و توسط خانه پژوهش نواندیش در سال ۸۲-۱۳۸۱ در سطح ملی انجام شد. طرح مورد اشاره با چهار فعالیت پژوهشی، آموزشی، ترویج و مشاوره برای سه گروه زنان کارآفرین با هدف توسعه ظرفیت مدیریتی آنان، دختران فارغ التحصیل دانشگاهی با هدف ترغیب آنان برای ورود به عرصه کسب و کار و کارآفرینی و مسئولین امور بانوان در نهادهای دولتی با هدف ارتقاء نقش آنان در ترویج کارآفرینی برای نخستین بار در سطح ملی برگزار شد.

از جمله انتظارات و نیازهای مطرح شده در نتایج حاصل

از ارزیابی طرح مزبور ایجاد تشکلی غیردولتی به منظور اشاعه فرهنگ کارآفرینی در جامعه زنان، توسعه ظرفیت مدیریت زنان کارآفرین و انتقال تجارب الگوهای موفق به نسل جوان بود.

با این هدف انجمن زنان مدیر کارآفرین با مجوز وزارت کار و امور اجتماعی در اسفندماه ۱۳۸۳ ثبت و در سال ۱۳۸۴ با نام انجمن ملی زنان کارآفرین موفق به اخذ پروانه از وزارت کشور نیز شد.

## اهداف

انجمن زنان مدیر کارآفرین در راستای مأموریت فوق، اهداف اصلی خود را به شرح زیر برشمرده است:

- ۱- ترویج و توسعه کارآفرینی
- ۲- کمک به بهبود و اصلاح سیاست های حمایتی از زنان کارآفرین
- ۳- نهادینه ساختن فعالیت های آموزشی، پژوهشی، مشاوره ای و ترویجی در زمینه کارآفرینی
- ۴- فراهم ساختن زمینه لازم برای پرورش ایده های خلاق در ورود به عرصه کارآفرینی
- ۵- کمک به سامان دهی فعالیت های مرتبط با کارآفرینی
- ۶- کمک به پیوند منطقی و متناسب میان کارآفرینان و دولت و بانک ها و سایر ذی نفعان
- ۷- کمک به ایجاد شبکه های اطلاعاتی و ارتباطی میان زنان کارآفرین در سطح ملی، منطقه ای و جهانی

## فعالیت ها

انجمن به منظور تحقق اهداف خود، فعالیت های زیر را دنبال می کند:  
۱- کشف و شناسایی زنان کارآفرین در سطح روستا، شهر و نیز زنان ایرانی کارآفرین خارج از کشور

۲- تهیه بانک اطلاعاتی زنان کارآفرین در بخش های مختلف کشاورزی، صنعت و خدمات

۳- کمک به پیوند و تعامل میان زنان کارآفرین از طریق سایت [www.ea.wenet.ir](http://www.ea.wenet.ir)

۴- برگزاری همایش ملی سالانه زنان کارآفرین

۶- تهیه بولتن خبری انجمن

۷- کمک به ایجاد ارتباطات موثر میان جوانان صاحب ایده های خلاق با کارآفرینان

۸- برقراری ارتباط با کلیه نهادهای مرتبط با کارآفرینی در سطح کشور

۹- برقراری ارتباط منطقی و متناسب انجمن با تشکل ها و نهادهای مرتبط در سطح منطقه ای و جهانی

۱۰- کمک به دست یابی کارآفرینان به آخرین اطلاعات و داده های علمی و تجربی در زمینه کارآفرینی در سطح ایران و جهان از طریق سایت انجمن

۱۱- برگزاری جلسات هم اندیشی کارآفرینان

۱۲- گردآوری و انتشار تجارب زنان کارآفرین

۱۳- تشکیل گروه های تخصصی به منظور تأمین نیازهای اساسی و بررسی راه های تحقق سیاست های انجمن

۱۴- برگزاری نشست های فصلی استانی

انجمن به منظور توسعه شبکه کارآفرینی زنان، نشست های فصلی خود را در مناطق مختلف کشور برگزار می کند که تاکنون استان های گیلان، کرمان، هرمزگان، خراسان، خوزستان، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و اصفهان و یزد میزبان این برنامه بوده اند.